

ارواحنا
له الفداء

غیبت امام عصر

یا

پنهانی خورشید عدالت

محمد خادمی شیرازی



خادمی شیرازی، محمد، ۱۳۰۶ -
غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه، یا پنهانی خورشید عدالت / محمد خادمی شیرازی
- قم: رسالت، ۱۴۱۹ ق. = ۱۳۷۷.
۲۰۰ ص.

ISBN: 964 - 6838 - 00 - 6: ۶۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار).
کتابنامه: ص. ۱۹۶ - ۱۹۸؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱. مهدویت. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۶ ق. غیبت. الف.
عنوان. ب. عنوان: پنهانی خورشید عدالت.

۲۹۷ / ۴۶۲

غ ۲۴ خ / ۴ / BP۲۲۴

۱۳۷۷

م ۷۷ - ۱۷۵۵۸

کتابخانه ملی ایران



مؤسسه انتشارات رسالت

قم - تلفن ۹۳۴۸۳۵

غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

یا پنهانی خورشید عدالت

محمد خادمی شیرازی

چاپ اول / زمستان ۱۳۷۷

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه / ۲۰۰ صفحه

چاپخانه: سپهر

شابک: ۹۶۴ - ۶۸۳۸ - ۰۰ - ۶

ISBN: 964 - 6838 - 00 - 6

حق چاپ محفوظ است

قیمت: ۶۰۰ تومان

عجل الله تعالی فرجه

غیبت امام عصر

یا
پنهانی خورشید عدالت

مشهد مقدس
محمد حامد شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى
أَبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا
وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ
طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.



ای غایب از نظر به خدا می سپارمت
جانم بسوختی و به جان دوست دارمت
تا دامن کفن نکشم زیرپای خاک
باور مکن که دست ز دامن بدارمت



پیشگفتار

ای غایب از نظر، ای حجت ثانی عشر، ای شب دیجور را ستاره سحر، از منتظران رنجورت دریغ مفرما یک نظر.

ای خورشید پرده نشین، ای کهف حصین، ای دُرِّ ثمین، گوشه چشمی بنما به این دلهای غمین.

ای ابر فیض بار، ای روح نو بهار، ای زخوان کرمت ماسوا ریزه خوار، زعاشقان کویت «یک نگاه» دریغ مدار.

ای فرزند عسکری، ای سلیل محمدی، ای غریو حیدری، بر منتظران دلسوختهات زکرم نما نظری.

ای پور پیشوای خیر شکن، ای سلیل حیدر مرحب فکن، برخیز و برف زرخسار برفکن.

تو بیا تا زپرتو رویت شب تاریک سحر گردد، ورنه ای مهر تابان، بی تو هر لحظه تیره تر گردد.

من در این غار، خسته و دل‌تنگ، انتظار ترا ستاره کنم، در شب تار وحشت‌زا، لحظه‌های ترا شماره کنم.

اینک یک هزار و یک صد و شصت و چهار سال تمام است که «خورشید عدالت» در پشت ابرهای تیره و تار «غیبت» نهان شده، تا روزی پس از سپری شدن دوران غیبت ظهور کرده، فروغ تابناک عدالت را بر هرکوی و برزن بتاباند و بر جنایتها و خیانت‌های انسانها خاتمه دهد.

نوید ظهور آن مصلح بزرگ، توسط پیامبران سترگ، در طول قرون و اعصار برای جهانیان بازگو شده و نغمه پیروزی حق بر باطل به دست آن یکتا بازمانده از حجج الهی، گوش جهانیان را نوازش داده است.

دهها آیه قرآن، براساس صدها حدیث صادره از معصومان به ظهور



موفورالسّرور آن خورشید فروزان اشعار دارد. (۱)

رسول گرامی اسلام گزارش دقیق و لحظه به لحظه آن مصلح جهانی را به استناد پیک وحی، در ضمن هزاران حدیث بیان فرموده، سیرت، صورت، نسب، غیبت، ظهور، نشانه‌های ظهور و دیگر مسائل مربوط به آن قبله موعود را برای اصحاب تشریح کرده، هیچ نقطه ابهامی را برای امت اسلامی باقی نگذاشته است. صدها نفر از اصحاب ائمه علیهم‌السلام احادیث صادره از پیشوایان معصوم را پیرامون آن کعبه مقصود در کتابهای خود گرد آورده‌اند، که در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم.

- ۱ - ابواسحاق ابراهیم بن صالح انماطی، از اصحاب امام باقر علیه‌السلام (۲)
- ۲ - ابوالفضل عباس بن هشام ناشری، از اصحاب امام رضا علیه‌السلام (۳)
- ۳ - علی بن حسن بن علی بن فضال، از اصحاب امام هادی علیه‌السلام (۴)
- ۴ - ابوالحسن علی بن حسن بن محمد طائی جرمی، از اصحاب امام کاظم علیه‌السلام (۵)
- ۵ - ابوالحسن علی بن محمد بن علی سواق، از سران واقفیه. (۶)
- ۶ - ابوعلی حسن بن محمد بن سماعه، از اصحاب امام کاظم علیه‌السلام (۷)
- ۷ - ابوالحسن علی بن عمر اعرج، از بزرگان واقفیه. (۸)
- ۸ - حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، که خود و پدرش واقفی

۱ - نگارنده بیش از ۲۰۰ آیه را به استناد بیش از ۵۰۰ حدیث در کتاب «موعود قرآن» گرد آورده است.

۲ - رجال نجاشی: ۱۵، فهرست شیخ طوسی: ۳۰، رجال ابن داود: ۳۲.

۳ - رجال نجاشی: ۲۸۰، رجال شیخ طوسی: ۳۸۴.

۴ - رجال نجاشی: ۲۵۷، فهرست شیخ طوسی: ۱۲۲.

۵ - رجال نجاشی: ۲۵۵، رجال شیخ طوسی: ۳۵۷.

۶ - رجال نجاشی: ۲۵۹.

۷ - رجال نجاشی: ۴۱، فهرست شیخ طوسی: ۸۱.

۸ - رجال نجاشی: ۲۵۶.



بودند. (۱)

اینها تعداد اندکی از گروه بی شماری هستند که پیش از ولادت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء تحت عنوان « کتاب الغیبه » تألیف مستقل دارند. برخی از این مؤلفان اگر چه واقفی مذهب بودند ولی نظر به اینکه احادیث مربوط به حضرت بقیة الله علیه السلام را در حدود نیم قرن پیش از تولد آن حضرت در کتاب مستقلی گردآورده اند و آن را « کتاب الغیبه » نام نهاده اند، برای جلب خاطر خوانندگان گرامی به اصالت و قدمت مسأله « غیبت »، عناوین فوق را یاد آور شدیم.

قدیمی ترین کتابی که از حوادث روزگار جان سالم به در برده، تا زمان ما محفوظ مانده و احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را در بردارد، « کتاب سلیم بن قیس » است که در هفت مورد، احادیث مربوط به سیرت، نسب، فضایل، قیام جهانی، یاران و نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدایش به آن کعبه مقصود را نقل کرده است. (۲)

قدیمی ترین کتابی که یک دانشمند سنّی پیش از ولادت آن مهر فروزان تألیف کرده، کتاب « اخبار المهدی » از عبّاد بن یعقوب رواجنی، متوفای ۲۵۰ هـ. می باشد. (۳)

قدیمی ترین کتابی که یک دانشمند برجسته شیعی، قبل از تولد آن آفتاب جهانتاب تألیف کرده، کتاب « اثبات الغیبه » از فضل بن شاذان نیشابوری، متوفای ۲۶۰ هـ. است. (۴)

وی در این کتاب گرانبها احادیث فراوانی را پیرامون غیبت خورشید عدالت

۱ - رجال نجاشی: ۳۷.

۲ - کتاب سلیم بن قیس، صفحات ۱۸، ۱۹، ۶۵، ۶۹، ۱۱۶، ۱۶۰ و ۲۰۴.

۳ - در مورد رواجنی و کتاب ارزنده اش مراجعه شود به « کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام »: ۷۰ / ۱.

۴ - در مورد فضل بن شاذان و آثار ارزشمند او مراجعه شود به کتاب: « چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان ».



نقل کرده، که برخی از آنها را بدون واسطه از امام جواد علیه السلام استماع کرده است. (۱)
در میان مسائل مهدویت، مسأله «غیبت» از اهمیت خاصی برخوردار
است و لذا کتاب ارزشمند «کمال الدین» به فرمان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء به
این موضوع اختصاص یافته و مؤلف بزرگوارش: «شیخ صدوق» علیه السلام در مقدمه
کتاب به آن تصریح فرموده است. (۲)

لذا در همه کتابهایی که پیرامون بقیة الله ارواحنا فداء تألیف شده، بخش مهمی
به این موضع اختصاص یافته (۳) و تعداد زیادی از آثار ارزشمند علمای شیعه -
بالخصوص - در این رابطه تألیف شده است. (۴)

و به همین دلیل است که مؤلف بزرگوار ما، که خوانندگان گرامی، با
شخصیت والا، قلم شیوا، سبک زیبا و آثار پرمحتوای ایشان آشنا هستند، این اثر
ارزشمند را به این موضوع اختصاص داده‌اند. (۵)

به امید روزی که دوران سیاه غیبت به سر آید، خورشید جهانتاب عدالت از
پشت ابرهای ظلمانی درآید، کاخهای ظلم و استبداد را بر سر ستمگران فرو ریزد،
شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی استوار نماید، بر فراز
کره خاکی دیگر ستمی رخ ندهد و در زیر آسمان نیلی از تبعیض و بی عدالتی نشانی
نماند. به امید آنروز.

حوزه علمی قم

علی اکبر مهدی پور

۱ - رجوع شود به کتاب: «چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان» صفحات: ۴۳، ۴۵،
۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۶، ۸۲، ۹۰، ۹۴، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۲.

۲ - کمال الدین صدوق: ۳ / ۱.

۳ - کتابشناسی بیش از ۲۰۰۰ کتاب مستقل پیرامون آن حضرت در «کتابنامه حضرت
مهدی علیه السلام» آمده است.

۴ - برای آشنائی بیشتر با شخصیت والای مؤلف به مقدمه «یاد مهدی» علیه السلام مراجعه
فرمائید.

۵ - به عناوین: اثبات الغیبة، الغیبة و کتاب الغیبة، در کتابنامه مراجعه شود.



ویژگیهای حضرت مهدی علیه السلام و حکومت جهانی اش

انسان در راه رسیدن به کمال در تمام ابعادش نیازمند به یک قائد و راهنماست که پیوسته او را راهبر باشد و منافع و زیانهای زندگی فردی و اجتماعی را برای او تشریح کند و البته این راهنمایها باید به وسیله قوانینی جامع و کامل انجام شود.

این دسته از راهنمایان از طرف چه کسی باید انتخاب شوند؟ آیا مردم می توانند برای خود چنین افرادی را انتخاب کنند؟ خیر، زیرا مردم به شناخت افراد احاطه ندارند و بیشتر انتخاب آنها به ضررشان تمام می شود و انتخاب شوندگان نیز یا نمی خواهند و یا نمی توانند نیازمندیهای عمومی را تأمین کنند. بنابراین، حتماً باید این انتخاب از طرف کسی صورت گیرد که عالم به مصالح و مفاسد واقعی باشد و آن ذات پاک خداوند است که از باب قانون و جوب لطف باید از طرف خویش نمایندگان را برگزیند تا در تمام



اعصار و قرون زمام ارشاد و هدایت افراد بشر را به دست گیرند و آنها را به سعادت واقعی و کمال مادی و معنوی برسانند. لذا از ابتدای خلقت و آفرینش انسان پیامبرانی در مکتب غیبی خود تربیت فرمود و آنها را مأمور هدایت مردم قرار داد و به تناسب زمان قوانینی در اختیار آنان گذارد تا با اجرای آن مقررات، احتیاجات مردم تأمین شود و در پناه آن نظام عادلانه و متقنی بر جامعه فرمانروا باشد تا اینکه سرانجام نوبت به وجود مقدّس حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله رسید. آنگاه از طرف خداوند متعال دوازده تن جانشین برای آن حضرت تعیین و به وسیله جبرئیل معرفی شدند که یازده تن از آنان نخستینشان حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرینشان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است که یکی بعد از دیگری برحسب برنامه‌های تعیین شده از طرف خداوند به وظایف خویش عمل کردند و با نیل به مقام شهادت از این جهان به عالم ابدی پیوستند (صلوات الله عليهم اجمعین) و اما وصی دوازدهم حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله که نام عزیزش حضرت محمد بن الحسن العسکری روحی الفداء است از طرف خداوند بزرگ همراه با آباء و اجداد کرامش عليهم صلوات الله با برنامه‌ای مخصوص به خویش معرفی شده که خلاصه و یزگیهای آن حضرت از این قرار است:

۱. غیبت آن هم بسیار طولانی که الان بیش از یک هزار و صد و پنجاه سال است و البته غیبت آن حضرت به دو قسم است: غیبت صغری که مدت آن بالغ بر هفتاد سال بود، و غیبت کبری که بسیار طولانی شده است و ما الان در تاریک‌ترین زمان غیبت کبری بسر می‌بریم و امید است هرچه زودتر شاهد پایان غیبت کبری آن حضرت باشیم و ظهورش را با عافیت درک کنیم، آمین یارب العالمین.

۲. حکومت جهانی‌اش سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت و قوانین فردی و اجتماعی اسلام به مرحله اجرا در خواهد آمد و تشکیل حکومت واحده با ابزار

۱. البته با مشخصاتی که شرح آن در کتاب مبارک اصول کافی (کتاب الحجّة) بیان شده است و علاقه‌مندان می‌توانند به آن کتاب مراجعه کنند.



جامع و در عین حال کوبنده به دست توانایش بوجود خواهد آمد و امنیت عمومی برای همه موجودات تأمین خواهد شد و اقتصاد منظم و عالمگیر برای همگان به رایگان خواهد بود و تمام افراد بشر در خدمت یکدیگر قرار خواهند گرفت و دامنه امنیت چندان توسعه پیدا خواهد کرد که حیوانات درنده با چرندگان باهم در محیطی آسوده بسر خواهند برد و انسانها بقدری از نعمت امنیت برخوردار خواهند شد که اگر زنی بی نهایت زیبا با طبقی پراز جواهر و به تنهایی بین شرق و غرب جهان راه برود، کسی متعرض مال و ناموس او نخواهد شد.

۳. تمام جهان هستی و موجوداتش اعم از موجودات زمین یا آسمانها مستخر امر و اراده او می شوند و شعاع قدرتش چندان گسترش می یابد که اگر یکی از دشمنان آن حضرت در شکاف کوهی پنهان شود خود کوه به فریاد در می آید و می گوید که ای یاران امام عصر روحی له الفداء، بیایید که یکی از دشمنان حق اینجاست. همچنین، جمع زیادی از ملائکه آسمان در ارتش او خدمت می کنند و هنگام حرکت از مکه معظمه به سوی کوفه، منادی از طرف آن حضرت ندا می دهد که کسی از لشکریان حق ندارد مواد غذایی و امثال آن همراه بردارد. بعضی از افراد ضعیف می گویند که این آقا می خواهد ما را از گرسنگی و تشنگی بکشد تا اینکه به نخستین منزل می رسند و در آنجا سپاه امام عصر روحی له الفداء سنگی را که خداوند به حضرت موسی بن عمران علیه السلام داده بود که آن را نصب می کردند و دوازده چشمه از آن خارج می شد، نصب می کنند و تمام نیازمندیهای خود را از این سنگ تأمین می نمایند تا سرانجام وارد کوفه می شوند و به امر آن حضرت فرود می آیند و پرچم افراشته محمدی صلی الله علیه و آله را در آن سرزمین به اهتزاز در می آورند.

۴. جمعی از خوبان از گذشتگان به امر خداوند زنده می شوند و در لشکر آن حضرت انجام وظیفه می کنند.^۲

۱. فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ عَيْنًا» (اعراف/ ۱۵۹).

۲. مشروح این جریان را در کتاب مبارک رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی علیهم السلام نوشته ایم و علاقه مندان می توانند به آن کتاب مراجعه کنند.



۵. ظلم و ستم از سرتاسر جهان رخت برمی بندد و جمله مبارکه «أَيُّسَنَ الْمُرْتَجَبِي لِإِزَالَةِ الْجُورِ وَالْعُدْوَانِ» از دعای مبارک ندبه که در غیبتش بساید خوانده شود، مصداق پیدا می کند و دیگر ظلم و ستمگری در هیچ کجای عالم پیدا نمی شود.

۶. مشعل فروزان عدالت صفحه گیتی را روشن می کند و تاریکی را از جهان می زداید، چنانکه در این باب روایات چندان زیاد است که می توان ادعای تواتر کرد و از زبان معصومین علیهم السلام جمله «يَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا» در تمام کتب روایی معتبر شیعه و سنی به راستی از حد شماره بیرون است.

۷. مدینه فاضله ای که در اصطلاح فلاسفه و دانشمندان مورد بحث و گفتگو قرار گرفته از ویژگیهای حکومت جهانی حضرت بقیة الله روحی له الفداء است با این تفاوت که فلاسفه و دانشمندان در عالم خیال شهری را فرض کرده اند که در آن تمام طبقات و افراد دارای صفات عالیه و ملکات پسندیده اند، ظالمی پیدا نمی شود و همه طرفدار عدل و داد هستند، اما در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام این برنامه مصداق خارجی پیدا می کند و مردم جملگی در سایه حکومت عدل پرورش تمام فضایل اخلاقی و صفات خوب را عملاً رعایت خواهند کرد و آراسته به آن کمالات خواهند بود.

۸. علم و دانش در سراسر جهان به صورتی گسترده همه مردم را در بر می گیرد و مخصوصاً علوم قرآنی به وسیله معلمان مخصوص تدریس می شود. لذا در روایات آمده است که خیمه هایی در پشت کوفه مخصوص تعلیم قرآن نصب می شود و در آنها قرآن و آیاتش همان گونه که نازل شده است تدریس می گردد و تکامل علمی تمام جهان را فرا می گیرد و عفریت جهل و نادانی دنیای انسانیت را ترک می گوید.

۹. قضاوت یکی از اصول مسلمة حیاتی هر ملت است که اگر براساس عدالت و رعایت حقوق همه جانبه افراد اجرا شود آنوقت است که همه مردم شاهد خوشبختی را در آغوش خواهند کشید و آرامش واقعی از نظر جسم و



جان بر مردم حکومت خواهد کرد. پس، اگر بگوییم که یکی از عوامل بسیار مؤثر در تیره‌بختی مردم قضاوت‌های ظالمانهٔ زمامداران دنیا و طبقات دیگر بوده درست گفته‌ایم. لذا در حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام قضاوت‌های داودی خواهد بود و احتیاج به دلیل نخواهد داشت، زیرا نمایندگان آن حضرت نگاهی به کف دست خود خواهند کرد و حق را به صاحبش خواهند داد و شعاع قضاوت چندان گسترده می‌شود که حتی زنان در خانه‌های خود به قضاوت مشغول خواهند بود.

۱۰. عقل یکی از عوامل فوق‌العاده مهم برای رسیدن به سعادت فردی و اجتماعی است، لذا تمام کتابهای آسمانی و فرستادگان خداوند همواره مردم را دعوت به تعقل فرموده و با شهوت‌پرستی مبارزه کرده و مردم را از زیان متروک گذاشتن قوای عقلانی برحذر داشته‌اند. آری، در حکومت جهانی حضرت بقیة‌الله روحی‌له‌الفداء تکامل عقلی بالاترین سرمایهٔ دولت آن حضرت به‌شمار می‌رود و در روایات معتبر آمده است:

وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ النَّاسِ فَكَمَّلَ بِهِ عُقُولَهُمْ.^۱

دست ولایت روی سر مردم قرار می‌دهد، پس عقلهای آنان کامل می‌گردد.

آری، به‌راستی که تمام جنایات و خونریزیها تنها به دلیل اسارت عقل است به دست شهوت.

۱۱. فقر بزرگترین نیروی ویرانگر است که اجتماعات را از بین می‌برد و فحشاء و منکرات و دزدی و غارتگری را در جامعه بوجود می‌آورد. لذا در روایات و آیات کریمهٔ قرآن از آن تعبیر به پایه و ستون شده زیرا بقدری مهم است که دینداری در سایهٔ بی‌نیازی از فقر تأمین می‌شود تا جایی که گفته شده است: «مَنْ لَا مَعَاشَ لَهُ لَا مَعَادَ لَهُ» (کسی که امر زندگی‌اش مرتب نباشد اوضاع دینی‌اش نیز سامان نخواهد داشت). اما در حکومت والای

۱. بحارالانوار، کتاب عقل و جهل.



حضرت ولی عصر روحی له‌الفداء مال و ثروت چندان زیاد می‌شود که مستحق دریافت خمس و زکات یافت نمی‌گردد.

۱۲. یکی از عوامل بسیار مهم در فقر اقتصادی عدم بهره‌برداری از منابع خداداد و بکار نگرفتن سرمایه‌های طبیعی و معطل ماندن ثروت‌های خداداد است تا جایی که در نتیجه عدم احاطه بشر به واقعیات و نداشتن قدرت استخراج معادن و ثروت‌ها، انسان همچنان گرفتار فقر و بیچارگی خواهد بود. اما در حکومت جهانی حضرت بقیة الله روحی له‌الفداء اولاً زمین تمام گنجها و ذخایر نهفته در باطن خویش را به امر خداوند در اختیار حکومت جهانی آن حضرت قرار می‌دهد، و دیگر اینکه در سایه تکامل عقلی انسان، قدرت استخراج و اکتشاف بشر فوق‌العاده می‌شود و او به نفع جامعه از همه نیروهای اقتصادی استفاده می‌کند. لذا بی‌نیازی اقتصادی همه‌جا را فرا می‌گیرد بطوریکه فقری پیدا نخواهد شد.

۱۳. وجود جنگلها و مراتع و آبهای روان بستگی به بارندگیهای بموقع دارد تا مخصوصاً امور کشاورزی رونق داشته باشد و در نتیجه مواد غذایی جامعه تأمین شود. بنابراین، اگر در حال حاضر وضع دنیا را از لحاظ مادی نامنظم و بشر را در چنگال فقر و گرسنگی اسیر می‌بینیم و به‌طور متوسط افراد زیادی روزانه از گرسنگی می‌میرند، در نتیجه نیامدن باران یا آمدن بارانهای بی‌موقع و سیل آسا و ویرانگر است.

در سلطنت جهانی حضرت ولی عصر روحی له‌الفداء باران به امر خداوند و فرمان آن حضرت بموقع می‌بارد و ذخایر زیرزمینی را رشد می‌دهد و در نتیجه فقر را از جوامع بشری محو می‌سازد و این است معنای «وَبِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ» در زیارت مبارک جامعه کبیره.

۱۴. تسخیر کرات آسمانی یکی از ویژگیهای حکومت جهانی حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام است که به فرمان خداوند تمام کرات آسمانی مسخر امر و اراده آن حضرت خواهند بود. البته، در حال حاضر شرح و کیفیت تسخیر کرات بر ما معلوم نیست و ان‌شاءالله در ظهور آن حضرت معلوم خواهد شد. فعلاً آنچه می‌توانیم عرض کنیم فرمایش خداوند بزرگ است در قرآن کریم



که می فرماید:

وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً^۱

طبق روایات معتبر، این آیه درباره مهدی ما علیه السلام است، یعنی آنچه در آسمانها و زمین است در اختیار مهدی ما خواهد بود.

□

● خوانندگان عزیز، آنچه درباره ویژگیهای حکومت حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء و خود آن حضرت به عرض رسید در حقیقت قطره‌ای از یک دریای بی پایان بیش نیست. امید است زنده بمانیم و ظهور آن سرور را با عافیت درک کنیم و حکومت عدل پرورش را با تمام ابعاد و برنامه‌های منظم آن دولت کریمه ببینیم. مدارک و ویژگیهای ذکر شده نیز در کتابهای معتبر شیعه و سنی موجود است مخصوصاً در کتابهایی که به قلم ناتوان این ناچیز نوشته شده است، یعنی کتابهای یاد مهدی علیه السلام، رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی، جهان بعد از ظهور یا فروغ بی نهایت، و مجموعه سخنان حضرت بقیة الله روحی له الفداء که طالبان می توانند مراجعه فرمایند.

در پایان مقدمه و اشاره به ویژگیهای حکومت حضرت مهدی ارواحنا له الفداء، برای تأیید مقدمه به یک روایت معتبر و پرمحتوا نظر می افکنیم که تمام خصوصیات سلطنت جهانی آن حضرت در آن جمع شده و سپس به سراغ مسأله غیبت آن سرور می رویم.

در روایتی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که فرمود: در شب معراج از طرف خداوند بزرگ به من گفته شد که اوصیای تو دوازده نفرند. اصل روایت — البته بخش مورد اشاره آن — از این قرار است:

فَقُلْتُ يَا رَبِّ وَمَنْ أَوْصِيائِي فَنُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ أَوْصِيائُكَ
الْمَكْتُوبُونَ عَلَى سُرَادِقِ عَرْشِي فَنَظَرْتُ فَرَأَيْتُ اثْنَيْ عَشَرَ
نُوراً وَ فِي كُلِّ نُورٍ سَطْرًا اخْضَرَ عَلَيْهِ اسْمٌ وَصِيٍّ مِنْ أَوْصِيائِي

أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ وَ أَخْرَهُمُ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ فَقُلْتُ يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ
 أَوْصِيائِي مِنْ بَعْدِي فَتَوَدِدُت يَا مُحَمَّدُ هَؤُلَاءِ أَوْلِيَائِي وَ
 أَحِبَّائِي وَ أَصْفِيَائِي وَ حُجَجِي عَلَيَّ بَرِيَّتِي وَهُمْ أَوْصِيائُكَ وَ
 عِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَطْهَرَنَّ الْأَرْضَ بِأَخْرِهِمُ الْمَهْدِيُّ مِنَ الظُّلْمِ
 وَ لِأَمْلِكَنَّه مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ لِأَسْخَرَنَّ لَهُ الرِّيَّاحَ
 وَ لِأَذِلَّنَّ لَهُ السَّحَابَ الصُّعَابَ وَ لِأَرْقِيَنَّه فِي الْأَسْبَابِ وَ
 لِأَنْصُرَنَّه بِجُنْدِي وَ لِأَمُدَّنَّه بِمَلَائِكَتِي حَتَّى تَعْلُو دَعْوَاتِي وَ
 يَجْمَعَ الخَلْقَ عَلَيَّ تَوْحِيدِي ثُمَّ لِأُدِينَنَّ مُلْكُهُ وَ لِأَدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ
 بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ.^۱

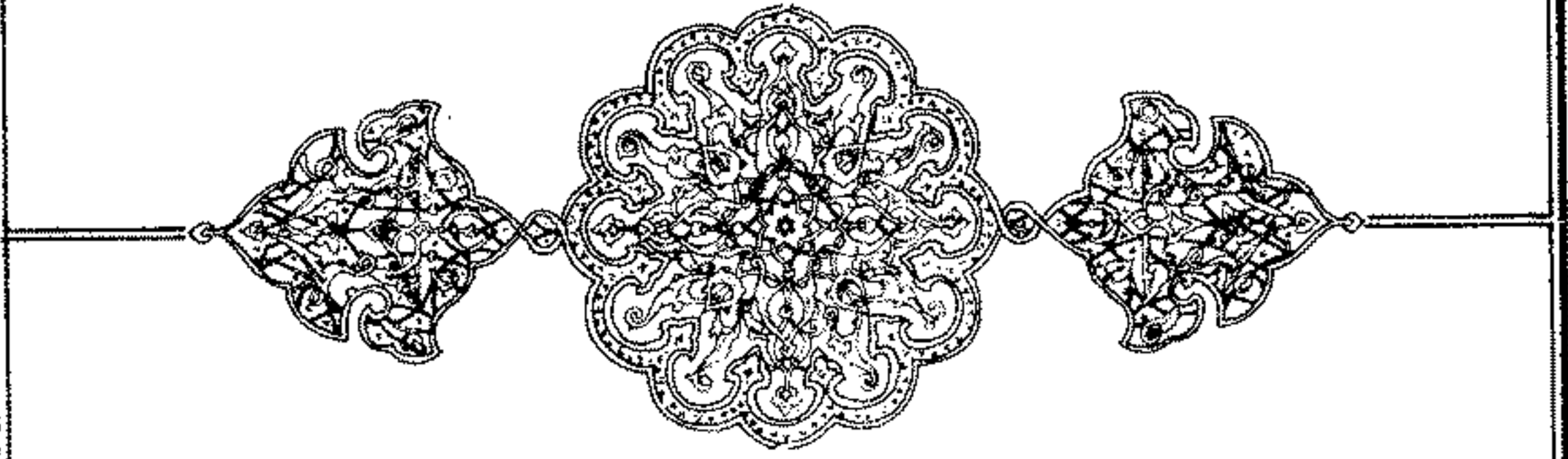
وجود مقدس حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم
 می فرماید که در شب معراج عرض کردم: خداوندا، جانشینان
 من چه کسانی هستند؟ خطاب آمد که اوصیای تو نامشان در
 ساقه های عرش نوشته شده است. پس، نگاه کردم دوازده نور
 را دیدم که در هر نوری یک سطر خط سبز کشیده شده و اسم
 یکی از اوصیای من بر آن نوشته شده بود که اولی آنها
 [امیرالمؤمنین] علی [علیه السلام] و آخر آنها حضرت مهدی قائم
 [عجل الله تعالی فرجه الشریف] است. عرض کردم: خداوندا، این
 دوازده نفر جانشینان من هستند؟ پس، ندا آمد که ای محمد،
 اینها اولیاء و دوستان منند و آنها را برای خویش اختیار
 کرده ام و حجتهای منند بر بندگانم و اینها جانشینان تو هستند.
 به عزت و جلالم سوگند که گره زمین را به وسیله آخری آنها
 یعنی مهدی [علیه السلام] از ظلم و ستم پاک می کنم و حکومتش
 را در شرق و غرب عالم مستقر می سازم و باد را مسخر امر و
 اراده اش می کنم و ابرهای بسیار سخت را در اختیارش قرار



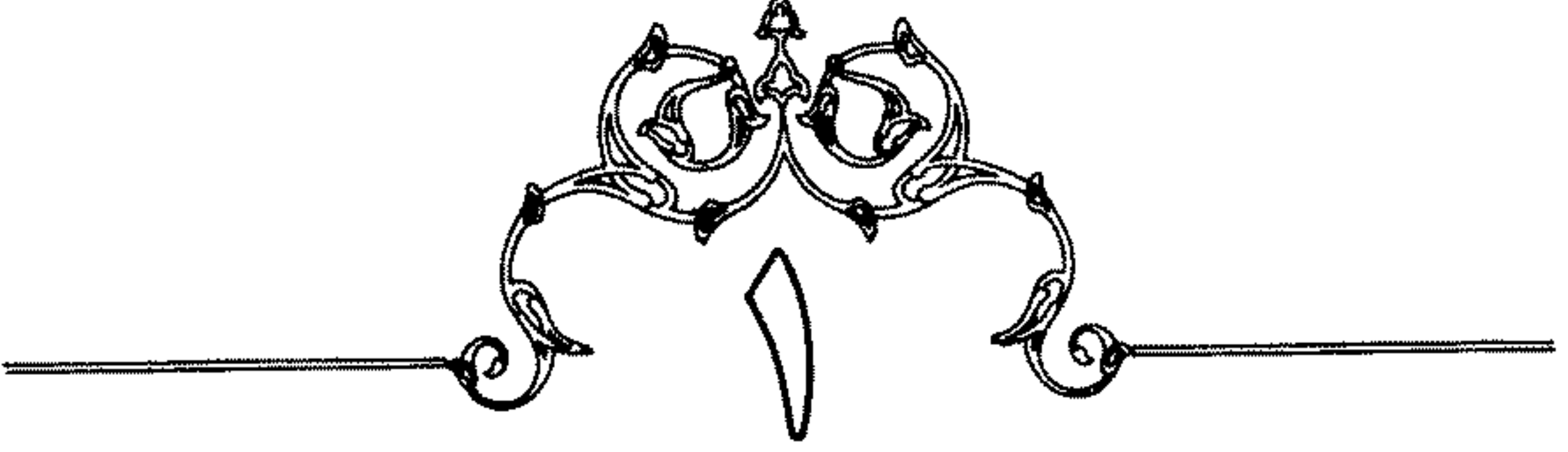
می‌دهم و همه اسباب جهان هستی را در تحت فرمانش می‌گذارم و با نیروهای خود او را مدد می‌رسانم و از یاری فرشتگان برخوردار می‌شود تا اینکه دعوت من آشکار گردد و تمام خلایق را در زیر لوای توحید جمع کند. آنگاه سلطنتش طولانی خواهد شد و این حکومت همچنان به دست اولیای من خواهد بود تا روز قیامت.

- خواننده عزیز، در روایت به چند اصل مهم حیاتی زیر اشاره شده است که در قیام حضرت بقیة الله ان شاء الله آنها را خواهیم دید:
۱. قدرت بی‌نهایت خداوند.
 ۲. نیروهای مخصوص آفریدگار جهان از ملائکه و غیره.
 ۳. برچیده شدن بساط ننگین ظلم و ستم.
 ۴. تعلق گرفتن اراده خداوند بر حکومت واحده عالم.
 ۵. بازگشت اولیای خداوند به دنیا و منتهی شدن سلطنت آنها به قیامت.
 ۶. مسخر بودن تمام نیروهای طبیعی برای آن حضرت.

بخش اول



غیت و جاشینی



غیبت و چگونگی آن

امکان غیبت

در باب امکان غیبت باید به دو دلیل توسّل پیدا کرد:
اول، دلیل عقلی است که آیا ممکن است شخصی خودش را در
اجتماعات پنهان نگاه بدارد که دیگران او را نشناسند؟ البته، برای
افرادی که مجهّز به سلاحهای غیبی باشند مانند اسم مبارک اعظم و غیره،
این قبیل مسائل مهم نیست، زیرا اینان با استفاده از قدرت بی پایان
خداوند برنامه‌های دلخواه خویش را پیاده می‌کنند و عقل نیز امتناعی
نمی‌بیند و مسأله پنهانی، این افراد و کارهای خارق‌العاده دیگر را امضاء
می‌کند.



دوّم، دلیل نقلی است که غیبت اوصیاء و اولیای حق را در طول
تاریخ نقل کرده‌اند که به خواست خداوند در مبحث وقوع غیبت به تفصیل
درباره آن صحبت خواهیم کرد.

وقوع غیبت

در میان انبیاء و اوصیاء بزرگانی دارای غیبت‌های طولانی و کوتاه بوده‌اند که به‌عنوان نمونه و اثبات مدّعا به‌زندگی بعضی از آن ذوات مقدّسه اشاره می‌شود.

۱. حضرت موسی بن عمران علیه‌السلام سالها از نظر بنی اسرائیل غایب بود و آنها نیز همچنان در چنگال فرعون اسیر بودند تا اینکه سرانجام اهل تقوا از آن قوم به درخانه خداوند رفتند و دعا کردند. خداوند دعای آنان را مستجاب فرمود و به حضرت موسی علیه‌السلام دستور داده شد به سوی قوم خود برگردد. پس، امر او اطاعت شد و حضرت موسی آمد و بنی اسرائیل را از چنگال فرعون نجات داد.

۲. جناب یوسف پیغمبر چهل سال از نظر پدر غایب ماند و بعد از چهل سال او را بر اریکه سلطنت مصر دیدند.

۳. جناب یونس پیغمبر مدّتها به امر خداوند از نظر قوم خود غایب شد و سرانجام بعد از مدّتی ظاهر گردید.

۴. حضرت خضر علیه‌السلام طبق نصّ صریح قرآن سالهای طولانی است که در غیبت بسر می‌برد و غالباً در خدمت مولای عزیز ما حضرت بقیّة‌الله ارواحنا له الفداء است و قرآن کریم جریان برخورد جناب خضر علیه‌السلام را با حضرت موسی بن عمران بیان فرموده و طالبان می‌توانند به تفاسیر قرآن و آیات کریمه آن درباره داستان حضرت خضر و حضرت موسی علیهما‌السلام مراجعه کنند.

بنابراین، اصل وقوع غیبت از مسلمات است و ما برای اثبات اصل مدّعا به چند مورد آن اکتفا کردیم. حال، به‌خواست خداوند بزرگ و عنایات کریمانه حضرت ولی‌الله‌الاعظم حجّة‌بن‌الحسن‌العسکری

ارواحنا له الفداء درباره غیبت آن حضرت بحث خواهیم کرد.

غیبت و آثار آن

غیبت عبارت است از پنهان بودن از نظر جامعه و عدم تصرّف در امور اجتماعی. در اصطلاح مذهب ما غیبت همانا پنهان بودن یک شخصیت بزرگ آسمانی است که به او مأموریت داده شده که جامعه بشریت را رهبری کند و جهانی را از مفسد و پلیدیها دور سازد و عدل و داد اجتماعی را بپا دارد. ولی در عین پنهان بودن و اینکه دست مردم به او نمی‌رسد، از یک طرف معرفت و شناسایی اش واجب و اطاعت او بر تمام افراد بشر لازم است و از طرف دیگر در غیر پنهانی بر مردم فرض است که گرفتاریهای خود را به آن عزیز عرضه بدارند و رفع مشکلاتشان را از آن وجود مقدّس بخواهند و او را نبینند و از جایگاهش بی اطلاع باشند و هیچ قدرتی در این طرف نباشد و هر چه باشد از ناحیه آن بزرگوار باشد. بنابراین، مردم چگونه از وجود مبارکش بهره ببرند و چگونه خود را به این سرور برسانند؟

راههای بهره‌برداری از امام غایب روحی له الفداء

یکی از راههای بهره‌برداری از امام غایب روحی له الفداء ولایت تکوینی است. ولایت تکوینی به معنای متّکی بودن به قدرت بی‌نهایت خداوندی در تمام امور است. آری، به مجرد اینکه شخص گرفتار یا بیماری در اقصی نقاط بلاد عالم حضرتش را صدا بزند، اگر مصلحت بداند برق آسا او را جواب می‌دهد و از او رفع گرفتاری می‌کند و مرض او را شفا می‌بخشد. کما اینکه در موارد بی‌شماری این قبیل کارها شده و



کتابهای معتبر ما پر است از داستانهای افراد مختلف که در مشاهد مشرفه یا در بیابانها از آن حضرت کمک گرفته‌اند و یا آن حضرت با فرمان دادن به افراد مورد نظر، نیازهای درماندگان را تأمین فرموده‌اند و در این زمینه نگارنده افرادی را می‌شناسم که حواله‌های متعددی به وسیلهٔ افراد لایق به آنها رسیده است. راه دیگر بهره‌برداری از امام غایب روحی‌له‌الفداء، ولایت تشریحی است که از جانب خداوند به او اعطا شده است. یعنی آن حضرت با استفاده از مقام خلیفة‌اللّٰهی، ولی‌اللّٰهی و بقیة‌اللّٰهی، فرمانهایی تحت عنوان «توقیعات» در زمان غیبت صغری به افتخار چهارتن از افراد برجسته که عبارت بودند از جناب عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمری صادر فرمودند. بعلاوه، این چهار بزرگوار در طول زمان غیبت صغری مأمور بودند که عریضه‌های مردم را به عرض برسانند و پاسخ آنها را به صاحبانشان رد کنند!

ولایت تشریحی در غیبت کبری

حضرت بقیة‌اللّٰه روحی‌له‌الفداء در دوران غیبت کبری از دو راه احتیاجات مذهبی شیعیان را تأمین فرمودند. نخست از راه تعیین نوّاب عامّ واجد شرایط به مصداق یکی از فرمایشاتشان در توقیع مبارک که به افتخار اسحاق بن یعقوب به نقل مرحوم کلینی قدس سرّه در جواب مسائلی فرمودند:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي
عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ^۱

۱. این برنامه به طور مبسوط در کتابهای بسیار معتبر ما توضیح داده شده است.

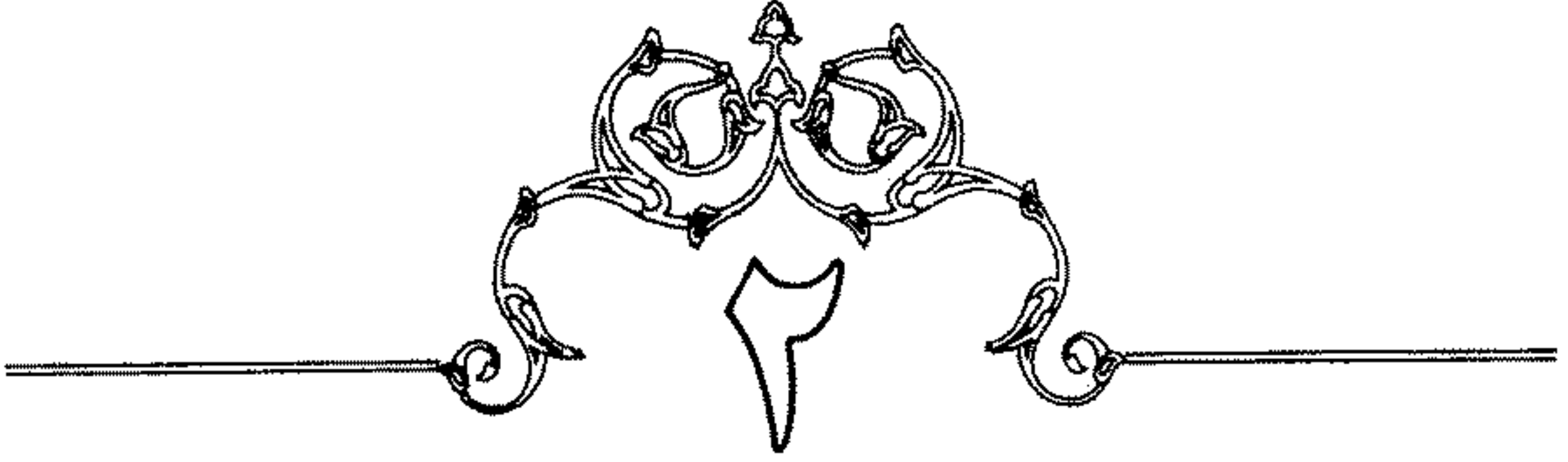
علاقه‌مندان به کتاب مجموعه سخنان حضرت بقیة‌اللّٰه روحی‌له‌الفداء مراجعه فرمایند.

۲. کلمة‌الامام‌المهدی، ص ۲۸۸.

اما پیشامدها و مسائل تازه‌ای که برای شما اتفاق می‌افتد به
آنجایی که احادیث ما را روایت می‌کنند [حامل علوم ما هستند]
مراجعه کنید، زیرا اینها حجتهای مندر بر شما و من حجّت خداوند
هستم.

آری، در این فرمان، مرجعیّت و رهبری صاحبان علم و تقوا و
آنهایی را که واجد شرایط هستند امضاء فرموده‌اند.
دوّم، از راه توسّل به آن وجود مقدّس است به هر زبان و در هر وقت
مخصوصاً در اوقات معیّنی مانند شب جمعه و خواندن نماز آن حضرت و
دعاهای وارده از طرف آن حضرت مانند دعای مبارک علوی مصری،
دعای مبارک غیبیّت و دعاهای دیگر در باب توسّل به آن حضرت مثل
دعای مبارک ندبه، دعای مبارک افتتاح، زیارت مبارک آل یس و امر به
زیارت مبارک عاشورا و زیارت پر محتوای جامعۀ کبیره، که در یک
تشرّف که یکی از دوستان آن حضرت در حرم مطهر حضرت رضا علیه‌السلام
داشته‌اند، در چند سال قبل فرمودند زیارت جامعۀ در حکم زیارت
چهارده معصوم علیهم‌السلام است.





غڙيت سنڌي و نواب چمارگانہ

ابتدای غیبت حضرت بقیة الله روحی له الفداء

در واقع، شروع غیبت آن حضرت را باید از روزهای اوّلیه تولّد آن بزرگوار به حساب آورد، زیرا ولادت حضرتش مخفیانه بود و بغیر از معدودی از خواص و نزدیکان، کس دیگری از میلاد آن سرور اطلاعی نداشت، چون که دشمنان این خاندان در صدد کسب اطلاع از ماجرای ولادت آن حضرت بودند تا به خیال خام و باطل خود اقدام به نابودی حضرتش نمایند.

در کتب حدیث، نخستین غیبت حضرت امام عصر روحی له الفداء را «غیبت صغری» نامیده‌اند و این غیبت بیش از هفتاد سال به طول انجامیده است.

در طیّ این مدّت، چهارتن عهده‌دار منصب بزرگ نیابت خاصّه و واسطه میان حجّت خداوند تبارک و تعالی و مردم بودند و در این رابطه



احتیاجات آنان را برآورده می کردند.

اکنون مختصری دربارهٔ سفارت این عزیزان به عرض خوانندگان گرامی می رسد.

نخست، جناب عثمان بن سعید که افتخار نیابت از سه امام معصوم علیهم السلام را داشته اند:

۱. حضرت امام علی النقی الهادی علیه السلام، که سالها در خدمت آن حضرت انجام وظیفه نموده و حضرت هادی فرموده اند: او (عثمان بن سعید) امین (مورد اعتماد) من است و هرچه بگوید از جانب من است.

۲. حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، که مشارالیه را در رسیدگی به امور شیعیان و بیان حلال و حرام و گرفتن حقوق متعلق به اموال آنها، نایب خود قرار دادند و در مورد فرزند وی محمد بن عثمان فرمودند که نایب فرزندم مهدی علیه السلام خواهد بود.

۳. حضرت بقیة الله روحی له الفداء، که واسطه فیض ولایت بودن برای مردم و رساندن وجوه شرعیّه و عریضه های دوستان به ناحیه مقدسه امام عصر ارواحنا له الفداء را عهده دار بود.

مقام این بزرگوار بقدری والا بوده است که وجود عزیز و مبارک حضرت بقیة الله روحی له الفداء مرگ وی را به فرزندش محمد بن عثمان، که دوّمین نایب و سفیر آن حضرت است، تسلیت فرموده و از خداوند بزرگ برای او تقاضای اجر و صبر کرده اند. عین عبارت حضرت ولی عصر علیه السلام از این قرار است:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ تَسْلِيماً لِأَمْرِهِ وَرِضاً بِقَضَائِهِ وَبِفِعْلِهِ عَاشَ أَبُوكَ سَعِيداً وَمَاتَ حَمِيداً فَبِرَحْمَةِ اللَّهِ وَالْحَقَّةِ بِأَوْلِيَائِهِ وَمَوَالِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَلَمْ يَزَلْ فِي أَمْرِهِمْ سَاعِياً فَمَا يُقَرَّبُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ

نَضَرَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَأَقَالَ عَثْرَتَهُ^۱

بازگشت همه ما به سوی خداوند است و همه از آن خداوندیم. در مقابل امر او راضی و در برابر برنامه‌های عملی او تسلیم هستیم. پدرت با سعادت و نیکبختی زندگی کرده و درحالی که پسندیده بود، از این جهان درگذشت. خدایش رحمت کند و او را به دوستان خودش ملحق فرماید. او همواره در کارهایی که وی را به خداوند و موالی و سروران او نزدیک می‌نمود، ساعی و کوشا بود. خداوند روی او را نورانی قرار دهد و از لغزشهایش درگذرد.

در قسمت دیگری از این توفیق چنین آمده است:

أَجْزَلَ اللَّهُ لَكَ الثَّوَابَ وَأَحْسَنَ لَكَ الْعَزَاءَ وَرُزِيَتْ وَرُزِينَا
وَأَوْحَشَكَ فِرَاقُهُ وَأَوْحَشَنَا فَسْرَهُ اللَّهُ فِي مُنْقَلَبِهِ وَكَانَ مِنْ سَعَادَتِهِ
أَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ وَلَدًا مِثْلَكَ يُخْلِفُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَيَقُومُ مَقَامَهُ بِأَمْرِهِ وَيَتَرَحَّمُ
عَلَيْهِ وَ أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَإِنَّ الْأَنْفُسَ طَيِّبَةً بِمَكَانِكَ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ
عَزَّوَجَلَّ فِيكَ وَعِنْدَكَ، أَعَانِكَ اللَّهُ وَقَوَّأَكَ وَعَضَّدَكَ وَوَفَّقَكَ وَكَانَ
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَدَاعِيًّا^۲

خداوند پاداش تو را در مرگ پدر زیاده گرداند و در این مصیبت به تو خیر عنایت فرماید. شما و ما در این مصیبت غمگین و سوگواریم و درگذشت پدرت ما و شما را اندوهگین ساخت. خداوند او را در جایگاهش شاد و مسرور فرماید. از سعادت او اینکه پروردگار فرزندی مانند تو به‌وی عنایت فرمود تا پس از او جانشین و قائم مقامش باشی و برایش رحمت و آمرزش تقاضا کنی. خداوند را سپاسگزاریم که دل‌های شیعیان ما به وجود تو و



۱. غیبت طوسی، ص ۲۱۹.

۲. همان، ص ۲۱۹.

نعمتهایی که به تو ارزانی داشته شاد و مسرور است. خداوند تو را یاری کند و قوت و نیرو کرامت فرماید و موفق بدارد و حافظ و نگهدار باشد.

از افتخارات جناب محمد بن عثمان بن سعید عمری دیدار جمال مبارک حضرت بقیة الله روحی له الفداء در روزهای اول ولادت بوده است که مرحوم صدوق قدس سره نقل فرموده است و اینک اصل روایت:

قال حدثنا ابو عبدالله محمد بن جیلان قال حدثنا ابي عن ابيه عن جده عن غياث بن اسيد قال سمعت محمد بن عثمان العمري قدس الله روحه يقول لما ولد الخلف المهدى صلوات الله عليه سَطَعَ نورٌ من فوق رأسه الى عنان السماء ثم سقط بوجهه ساجداً لربه تعالى ذكره ثم رفع رأسه وهو يقول: «شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام»^۱ وكان مولده يوم الجمعة^۲.

غیاث بن اسید می گوید از محمد بن عثمان عمری شنیدم که می گفت چون حضرت ولی عصر صلوات الله علیه متولد شد از بالای سرش نوری تا آسمان درخشیدن گرفت. سپس خدای را سجده نمود و آنگاه که از سجده سر برداشت فرمود: «خداوند گواه است که جز ذات پاکش معبودی نیست و فرشتگان و صاحبان علم، به عدالت قائم هستند. پروردگاری جز او که توانا و حکیم است وجود ندارد. تنها دین رسمی در نزد خداوند، اسلام است.» وی اظهار داشت که ولادت آن سرور در روز جمعه بوده است.

وفات جناب محمد بن عثمان در سال سیصد و پنج هجری قمری و

۱. آل عمران / ۱۸.

۲. کمال الدین، ج ۲ / ص ۱۰۷.

مدّت سفارت معظمّه نزدیک به پنجاه سال بوده است.^۱

تشرّف جناب محمد بن عثمان خدمت امام عصر روحی له الفداء در کنار کعبه معظمّه

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ إِنَّهُ قَالَ سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَرَ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقُلْتُ لَهُ رَأَيْتَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ نَعَمْ وَآخِرُ
عَهْدِي بِهِ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَهُوَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ اللَّهُمَّ أَنْجِرْ لِي
مَا وَعَدْتَنِي قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَرَأَيْتُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهِ مُتَعَلِّقًا بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ فِي الْمُسْتَجَارِ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ انْتَقِمْ لِي مِنْ
أَعْدَائِكَ.^۲

از عبدالله بن جعفر حمیری نقل شده است که گفت از جناب
محمد بن عثمان پرسیدم که آیا حضرت بقیة الله [علیه السلام] را
زیارت کرده‌ای؟ پاسخ داد: آری، آخرین باری که آن حضرت را
زیارت کردم، در کنار خانه کعبه بود و آن حضرت به خداوند
عرضه می‌داشت: خدایا، به وعده‌ای که به من دادی، عمل نما. و
نیز آن حضرت را زیارت کردم در حالی که در مستجار، پرده کعبه
را گرفته بود و عرض می‌کرد: خداوندا، انتقام مرا از دشمنانت
بگیر.

محمد بن عثمان و دیدار حضرت صاحب الامر علیه السلام

قال مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَرَأَيْتُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ

۱. غیبت طوسی، ص ۲۲۳.

۲. همان، ص ۲۲۲.



مُتَعَلِّقًا بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ فِي الْمُسْتَجَارِ وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ انْتَقِمْ لِي مِنْ
أَعْدَائِكَ. ۱

محمد بن عثمان گفت: وجود مقدس حضرتش را در حالی زیارت
کردم که در کنار مستجار، پرده کعبه را گرفته بود و عرض می کرد:
خداوندا، انتقام مرا از دشمنانت بگیر.

زیارت محمد بن عثمان و چهل نفر دیگر حضرت مهدی علیه السلام را در خانه حضرت عسکری علیه السلام

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَانَ الْعَمَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَمُحَمَّدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ حَكَمٍ
وَمُحَمَّدِ بْنِ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا عَرَضَ عَلَيْنَا أَبُو مُحَمَّدٍ
الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ابْنَهُ وَ نَحْنُ فِي مَنْزِلِهِ وَ كُنَّا أَرْبَعِينَ
رَجُلًا فَقَالَ هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ أَطِيعُوهُ وَ لَا
تَتَفَرَّقُوا بَعْدِي فَتُهْلِكُوا فِي أَدْبَارِكُمْ أَمَا إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا.
قَالُوا فَخَرَجْنَا مِنْ عِنْدِهِ فَمَا مَضَتْ إِلَّا أَيَّامٌ قَلِيلٌ حَتَّى مَضَى أَبُو مُحَمَّدٍ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. ۲

جناب محمد بن عثمان عمری و محمد بن معاویة بن حکم و
محمد بن ایوب بن نوح می گویند: خدمت حضرت امام حسن
عسکری علیه السلام شرفیاب بودیم و عده ما چهل نفر بود. حضرت
فرزندشان را به ما نشان داده، فرمودند: این است امام شما بعد از
من و جانشین من. امر او را اطاعت کنید و پس از من پراکنده
نشوید، که اگر به او پشت کنید هلاک خواهید شد و بعد از امروز
نیز دیگر او را نخواهید دید.

۱. وافی، ج ۱ / ص ۹۶.

۲. همان، ص ۹۴.



می‌گویند از خدمت آن حضرت بیرون آمدیم، چند روزی نگذشته بود که حضرت امام حسن عسکری صلوات‌الله‌علیه رحلت فرمودند.

به‌طور خلاصه، به فضایل جناب محمد بن عثمان طی چند نکته اشاره می‌شود:

۱. توفیق زیارت جمال حضرت بقیة الله روحی له الفداء در ساعتهای اولیة ولادت آن حضرت.
۲. صدور توقیع از ناحیه مقدّس امام عصر روحی له الفداء به افتخار ایشان تحت عنوان تسلیت در مرگ پدر.
۳. همان‌گونه که ذکر شد، امام عصر علیه‌السلام فرمودند: یکی از نشانه‌های سعادت پدرت این است که خداوند فرزندی مانند تو به او داده است که جانشین وی باشد.
۴. خبر دادن از مرگ خویش و تعیین قبر و خواندن سوره‌هایی از قرآن و تعیین روز و ساعت مرگ خود توسط برخی از دوستان.

جناب حسین بن روح نوبختی، سومین نایب خاص

زمان رحلت جناب محمد بن عثمان رضوان‌الله‌علیه نزدیک بود. در کنار بستر ایشان دوستان مورد اعتماد نشسته و در انتظار روشن شدن تکلیف و وضع آینده‌شان بودند. برخی از دوستان سؤال کردند: پس از شما جانشین و قائم‌مقامتان کیست؟ جناب محمد بن عثمان در جواب فرمودند: ابوالقاسم حسین بن روح قائم‌مقام من و نایب خاص حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام و وکیل و مورد وثوق آن سرور است.^۱

۱. روایات در این مورد در کتابهای غیبت طوسی و کمال‌الدین صدوق رضی‌الله‌عنهما بسیار است و علاقه‌مندان می‌توانند به آن کتابها مراجعه نمایند.



جناب حسین بن روح از سال ۳۰۵ تا شعبان ۳۲۶ هجری قمری افتخار نیابت خاصه حضرت بقیة الله روحی له الفداء را داشته و طی این مدت مشکلات شیعیان توسط ایشان حل و فصل و وجوه شرعیة شیعیان به وسیله آن بزرگوار تقدیم آستانه مبارکه حضرت صاحب الامر روحی له الفداء می شد. همچنین، در طی این مدت تبلیغات مسموم دشمنان مانند شلمغانی ملعون و امثال وی به کف با کفایت جناب حسین بن روح دفع شد. سرانجام، وفات آن بزرگوار در شعبان ۳۲۶ هجری قمری اتفاق افتاد. از آن جناب کرامات بی حد دیده شده که در کتابهای معتبر مانند کتاب غیبت طوسی و امثال آن نگاشته شده است که علاقه مندان می توانند مراجعه کنند.

جناب علی بن محمد سمری، چهارمین نایب خاص

پس از رحلت جناب حسین بن روح، این منصب بزرگ بنا به امر حضرت ولی عصر علیه السلام به جناب علی بن محمد سمری واگذار گردید. مدت نیابت آن سرور بیش از سه سال نبود و در این مدت نیازمندیهای شیعیان توسط ایشان تأمین می شد. شش روز قبل از رحلت آن بزرگوار از طرف حضرت بقیة الله روحی له الفداء فرمانی صادر شد که طی آن فرمودند: تو بیش از شش روز دیگر در قید حیات نخواهی بود. امور و کارهایت را جمع کن و نیابت را به کسی مسپار که امر بزرگ غیبت کبری واقع شده است. اینک متن فرمان حضرت صاحب الامر علیه السلام به جناب علی بن محمد سمری:



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 يَا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدٍ السَّمُرِيِّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فَيْكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا

بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ
بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى
ذِكْرُهُ وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا
وَسَيِّئَاتِي لِشِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةَ
فَهُوَ كَذَابٌ مُفْتَرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ^۱

به نام خداوند بخشاینده مهربان

ای علی بن محمد سمری، خداوند اجر و پاداش برادران تو را در مرگ و عزایت زیاده فرماید. تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. کارها (امر نیابت خاصه) را جمع کن (سامان بده) و به کسی برای اینکه پس از تو عهده دار نیابت خاصه باشد وصیت و سفارشی نکن، زیرا غیبت تامه واقع شده است (آغاز دوران غیبت کبری) و پس از این ظهوری نخواهد بود مگر به اجازه و اذن خداوند و آن هم پس از گذشت سالیان دراز و قساوت یافتن دل‌های مردم و پرشدن دنیا از ظلم و جور، و بزودی در میان شیعیان من اشخاص و افرادی پیدا می‌شوند که ادعای نیابت می‌کنند. آگاه باشید که هرکس پیش از خروج سفیانی و شنیدن صیحه آسمانی چنین ادعایی کند دروغگو و مفتری است. و قدرتی جز قدرت خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست.

رحلت جناب علی بن محمد سمری در سال ۳۲۹ واقع شد و قبر آن بزرگوار در شارع معروف به شارع خلنجی در بغداد و نزدیک قبر مرحوم کلینی اعلی الله مقامها است.^۲



● خوانندگان گرامی، همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید در آخرین

۱. غیبت طوسی، ص ۲۴۲.

۲. همان، ص ۲۴۳.

فرمانی که از سوی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت صغری صادر گردید به موضوعی بسیار مهم و حیاتی توجه شده و آن نفی نیابت خاصه است، به این معنی که در زمان غیبت کبری کسی حق ندارد بگوید من امام زمان را دیده‌ام و آن حضرت مرا به عنوان نماینده خاص خودشان معرفی فرموده‌اند تا میان مردم و مقام مقدس ولایت واسطه باشم.

براساس قراین و نشانه‌های موجود در این توفیق مبارک، فقط و منحصرأ موضوع نیابت خاصه رد می‌شود. اکنون به چند قرینه روشن در این فرمان اشاره می‌شود:

۱. «فَأَجْمَعُ أَمْرَكَ»: امر نیابت خاصه را جمع کن و دفتر آن را ببند.
۲. «وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ»: مسأله جانشینی خودت را به هیچ‌کس وصیت نکن تا پس از تو جانشینت شود. نهی از وصیت مربوط به دعوی نیابت خاصه است.
۳. «فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ»: نیابت خاصه مخصوص به زمان غیبت صغری بوده و چون آن زمان تمام شده است دیگر کسی حق چنین ادعایی را ندارد.

بنابراین، ملاحظه می‌فرمایید که فرمان مزبور در مورد خبر دادن از رحلت چهارمین سفیر حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام و نهی از ادعای سفارت و نیابت خاصه است و دلیلی بر اثبات مدعای افراد ناآگاهی محسوب نمی‌شود که می‌گویند در زمان غیبت کبری زیارت آن حضرت میسر نیست و نمی‌توان به دیدار آن سرور نائل شد.

امکان تشرّف به حضور امام زمان عجل الله تعالى فرجه در غیبت کبری

آنچه مسلم است و از نظر عقلی بعید نیست و امتناعی در آن راه ندارد این است که در زمان غیبت کبری بتوان خدمت وجود مقدّس حضرت بقیّة الله روحی له الفداء رسید، زیرا حضرتش تنها انسان کامل عالم وجود هستند و برای دستگیری از بندگان ناتوان خداوند برگزیده شده‌اند. بنابراین، در صورتی که سنخیت وجود داشته باشد، امکان زیارت آن حضرت برای هر فرد بشری خواهد بود.

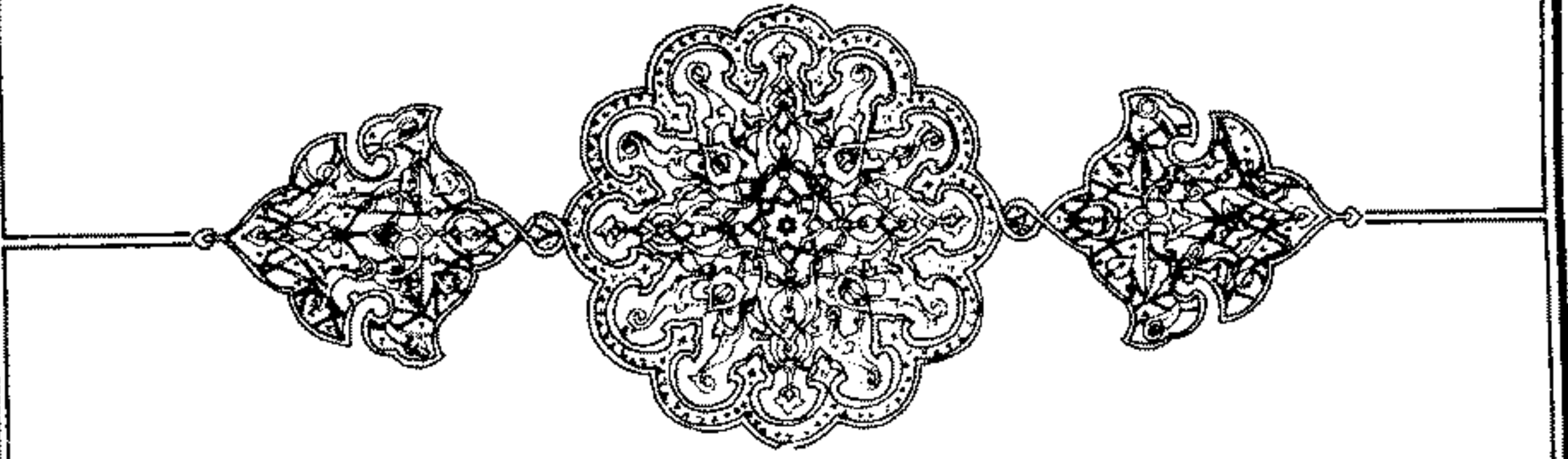
دیگر اینکه تشرّف به حضور امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشریف از ابتدای زمان غیبت کبری تا این ساعت که نویسنده مشغول نگاشتن این سطور است بسیار اتفاق افتاده و بهترین دلیل بر امکان وقوع چیزی وقوع آن چیز است. کتابهای معتبر بسیاری مانند بحار الانوار علامه مجلسی اعلى الله مقامه، نجم الثاقب مرحوم علامه نوری، عبقری الحسان مرحوم نهاوندی و کتابهای دیگر مشحون و مملوّ از شرح تشرّفات بزرگانی چون علامه بحر العلوم و مرحوم مقدّس اردبیلی و امثال این بزرگان است که خود بزرگترین دلیل بر اثبات تشرّف و امکان آن است. علاوه بر آنچه گفته شد، آن وجود مقدّس از طرف خداوند بزرگ به عنوان بزرگترین وسیله در آیات قرآن مجید و روایات رسیده و دعاها و مآثوره از خاندان جلیل عصمت و طهارت سلام الله عليهم اجمعین معرفی شده‌اند. بنابراین، نه تنها امکان تشرّف هست بلکه به عنوان یک وظیفه، باید در شدايد و گرفتاریها آن حضرت را خواند و البته در صورتی که اراده بفرمایند خودشان را به دوستان نشان خواهند داد.



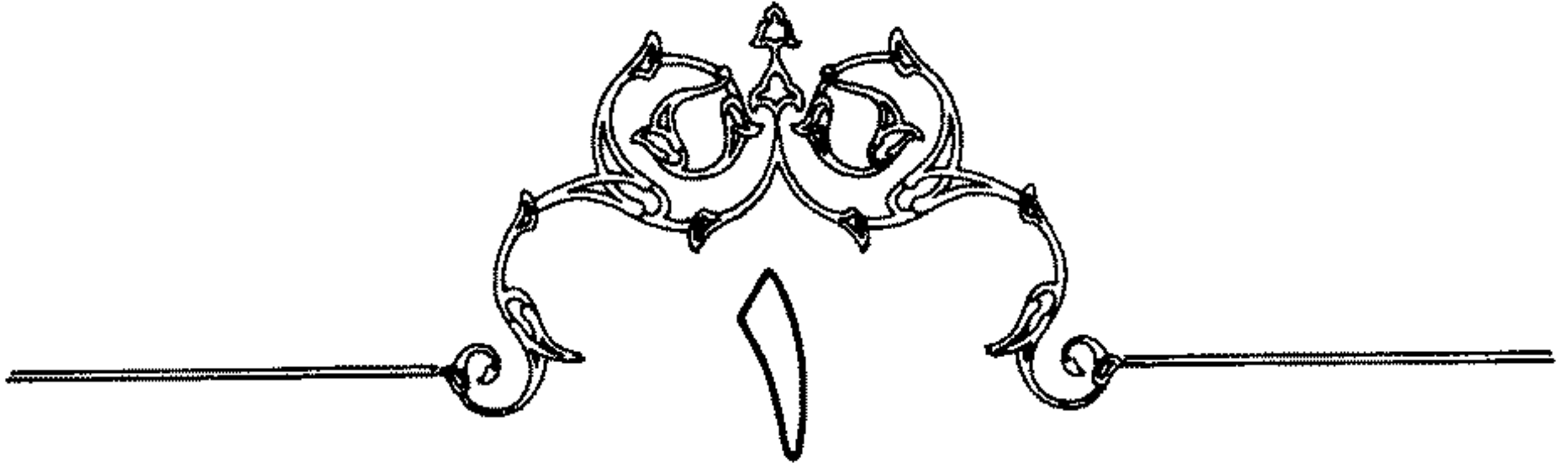
● تذکر:

فضایل و مناقب سفرای معظم حضرت بقیة اللہ از حدّ و اندازه بیرون است و اگرچه بزرگان علم و تقوا در کتابهای معتبر خود به صورت پراکنده اشاره نموده اند مع الوصف، حقّ این عزیزان اداء نشده است و البتّه علت آن، اختناق و جوّی است که بر جامعه آن ایّام حاکم بوده است. امید است خداوند هرچه زودتر فرج امام زمان روحی له الفداء را امضاء فرماید و ما این چهار سفیر بزرگوار را که در تاریخ ترین زمانها مولای عزیز ما را تنها نگذاشتند زیارت کنیم و از فیض حضورشان بهره مند شویم، آمین یارب العالمین.

بخش دوم



مسأله غیبت از دیدگاه آیات و روایات



مسأله غیبت در قرآن کریم

فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ.^۱

پس بگو غیب را فقط خدا می‌داند، پس منتظر باشید. من نیز باشما
انتظار خواهم کشید.

در مورد تفسیر این آیه از حضرت ثامن الائمه امام رضا علیه‌السلام
منقول است که فرمود:

مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ
فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ وَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ فَعَلَيْكُمْ
بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ فَقَدْ كَانَ الَّذِي مِنْ قَبْلِكُمْ
أَصْبَرَ مِنْكُمْ.^۲



۱. یونس / ۱۹.

۲. نورالثقلین، ج ۲ / ص ۲۹۷.

چقدر صبر و انتظار فرج نیکوست. آیا نشنیده‌اید که خداوند در قرآن می‌فرماید منتظر باشید و مراقبت را از دست ندهید؟ پس، صبر پیشه سازید زیرا هنگام یأس و ناامیدی، فرج و گشایش شود، به درستی که پیشینیان از شما شکیباتر و صبورتر بودند.

تفسیر نمونه

در تفسیر مذکور راجع به آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» می‌گوید: مقصود از غیب در این آیه عبارت است از آنچه که از دیدگاه بشر و حواسّ ظاهری او پنهان است.^۱
بنابراین و با توجه به اینکه غیبت امام عصر روحی له‌الفداء نیز از دیدگاه انسانها پنهان است، اعتقاد به آن ایمان به غیب است.

تفسیر شُبر

در تفسیر مذکور راجع به آیه مورد بحث می‌گوید:

بِمَا غَابَ عَنْ حَوَاسِّهِمْ مِنْ مَعْرِفَةِ الصَّانِعِ وَصِفَاتِهِ وَالنُّبُوَّةِ وَ قِيَامِ الْقَائِمِ وَالرَّجْعَةِ وَالْبَعْثِ وَالْحِسَابِ وَالْجَنَّةِ وَالنَّارِ.^۲

ایمان به غیب عبارت است از باور داشتن آنچه که از حواسّ ظاهر پنهان است مانند شناخت خداوند و صفات او، شناخت انبیاء و قیام حضرت قائم، رجعت و مبعوث شدن در قیامت و حساب و بهشت و جهنم.



۱. تفسیر نمونه، ج ۱ / ص ۴۷.

۲. تفسیر شُبر، ص ۴۰.

تفسیر روان جاوید

تفسیر مذکور در مورد آیه مورد بحث روایتی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ» شیعیان ما هستند که به غیب این عالم ایمان می آورند و نماز را پیا داشته و به قیام قائم ما و حق بودن آن ایمان دارند.

همچنین فرموده اند که پرهیزکاران، شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام هستند و غیب، حجت غایب است.^۱ و به این آیه شریفه استدلال فرمودند:

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا
إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ.

اگر نشانه ای از جانب خداوند نازل می شد [مثلاً خوب بود] پیامبر، بگو غیب مخصوص خداوند است، پس شما منتظر باشید که من نیز از منتظرانم.

تفسیر اطیب البیان

کتاب تفسیر مزبور در خصوص آیه مبارکه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» روایاتی نقل می کند که خلاصه آنها از این قرار است:
برخی از روایات ایمان به غیب را اعتقاد به وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت می دانند. از جمله آنها روایتی است منقول از حضرت صادق علیه السلام که فرمودند:

مَنْ أَقَرَّ بِقِيَامِ الْقَائِمِ إِنَّهُ الْحَقُّ.^۲

۱. تفسیر روان جاوید، ج ۱ / ص ۲۵.

۲. تفسیر اطیب البیان، ج ۱ / ص ۱۴۸.



کسی به غیب ایمان دارد که به قیام حضرت قائم علیه السلام اقرار داشته باشد و بداند که آن حق است.

البته، لازمه قیام آن حضرت این است که در حال حاضر در غیبت باشند و پس از طی ایام غیبت، زمانی که خداوند متعال صلاح می داند، قیام فرمایند.

□

باز کتاب تفسیر فوق در تفسیر آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اصبروا...» چنین نقل می کند که منظور از این آیه، اطاعت از فرمان ائمه سلام الله علیهم اجمعین و ارتباط داشتن با آن ذوات مقدسه است.^۱

بنابراین، در عصر حاضر و این زمان تکلیف همه مردم است که با وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در ارتباط باشند، اوامر آن حضرت را اطاعت و نواهی آن عزیز را ترک و هرچه بیشتر برای تعجیل در امر ظهورش دعا کنند و منتظر باشند.

تفسیر برهان

کتاب مزبور در تفسیر آیه «فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِيَلَهُ فَاسْتَنْظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ» از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمودند:

الْمُنْتَظِرُونَ شِيعَةُ عَلِيٍّ وَالْغَيْبُ هُوَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ وَشَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ

۱. اطیب البیان، ج ۳ / ص ۴۷۱.



فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ».

پرهیزکاران در این آیه شیعیان علی [علیه السلام] هستند و منظور از غیب، حجّت قائم است که از نظرها پنهان است و شاهد بر این مطلب آیه شریفه «لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ...» است!

□

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ.^۱

[شیطان] گفت: خدایا، مرا تا روز محشر مهلت ده. [خداوند] فرمود: تو از مهلت داده شدگانی تا روز معلوم.

و هب بن جمیل غلام اسحاق بن عمّار می گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ إِبْلِيسَ «رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ...» قَالَ لَهُ وَهَبْ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟ قَالَ يَا وَهَبُ أَتَحْسَبُ أَنَّهُ يَوْمٌ يُبْعَثُ اللَّهُ فِيهِ النَّاسُ؟ إِنَّ اللَّهَ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُ فِيهِ قَائِمًا فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ قَائِمًا كَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ جَاءَ إِبْلِيسُ حَتَّى يَجْتَوِبِينَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَيَقُولُ يَا وَئِلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِكَ الْيَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ.^۲

از حضرت صادق علیه السلام درباره گفته ابلیس در آیه «رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ...» سؤال نموده عرض کردم: قربانت

۱. شرح این آیه در صفحات گذشته به طور اختصار بیان شد.

۲. حجر / ۳۶-۳۸.

۳. تفسیر برهان، ج ۲ / ص ۲۴۳.



گردم، مقصود چه روزی است؟ فرمودند: وهب، خیال کردی منظور روز قیامت است؟ نه، منظور روز قیام قائم ماست. خداوند ابلیس را تا روز قیام قائم ما مهلت داده است و چون آن حضرت قیام کند و به مسجد کوفه تشریف فرما شود، شیطان می آید و دو زانو جلو آن حضرت می نشیند و می گوید وای بر من از این روز! سپس حضرت پیشانی او را می گیرد و وی را گردن می زند. این است آن روزی که به او وعده داده شده است.

□

فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ^۱

منتظر باشید، من نیز با شما از منتظرانم.

احمد بن محمد از حضرت رضا علیه السلام نقل می کند که آن حضرت

فرمودند:

مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ
وَ انْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ فَادْكُرُوا لَاءَ اللَّهِ^۲

چقدر صبر و انتظار فرج [حکومت آل محمد] نیکوست. آیا نشنیده‌ای که بنده صالح خداوند [حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام] فرمود: منتظر باشید که من هم منتظرم و نعمتهای خداوند را یاد کنید؟

● تبصره: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: آیا می دانی منظور از نعمتهای خداوند چیست؟ عرض شد: خیر. فرمودند: منظور ولایت ما اهل بیت است.

۱. اعراف / ۷۱.

۲. تفسیر برهان، ج ۲ / ص ۲۳.

روایت دیگر:

از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی در مورد ائمه دوازده گانه سلام الله علیهم اجمعین چون به نام مقدس حضرت قائم علیه السلام رسیدند، فرمودند:

طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ أَوْلِيكَ مَنْ
وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» ثُمَّ قَالَ أَوْلِيكَ
حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ.^۱

خوشا به حال آنان که در زمان غیبت او صبر می کنند. خوشا به حال پرهیزکارانی که آنان [یعنی ائمه علیهم السلام] را دوست داشته باشند. اینها کسانی هستند که در قرآن توصیف شده اند که «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ». سپس فرمودند: حزب الله اینها هستند و البته حزب خداوند پیروز خواهد بود.

البته، مراد پیروزی بر دشمن و نیز پیروزی در جنگ با هواهای نفسانی درونی است.

تفسیر نورالثقلین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ.^۲

ای کسانی که ایمان آوردید، در دینداری صابر و بردبار باشید و رابطه خویش را حفظ کنید.

۱. همان، ج ۱ / ص ۵۴.

۲. آل عمران / ۲۰۰.



کتاب تفسیر نورالثقلین به نقل از کتاب اصول کافی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَا خَلَقَ نَبِيَّهُ وَوَصِيَّهُ وَابْنَتَهُ وَابْنَتِهِ وَجَمِيعَ الْأُمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَخَلَقَ شِيعَتَهُمْ أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ وَأَنْ يَصْبِرُوا وَيُصَابِرُوا وَيُرَابِطُوا وَأَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ.^۱

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی رسول گرامی و وصی او و حضرت زهراى مرضیه و سایر ائمه عليهم السلام و شیعیان را خلوع فرمود، از آنها پیمان گرفت که صبر کنند و در مقابل شدايد بردبار باشند و ارتباط خود را حفظ کنند و تقوا را از دست ندهند.

و در حدیث دیگر درباره حفظ ارتباط با حجت حق چنین آمده است:

عَنْ يَعْقُوبَ السَّرَّاجِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَبَقَى الْأَرْضُ يَوْمًا بغيرِ عَالِمٍ مِنْكُمْ يَفْرَعُ النَّاسُ إِلَيْهِ قَالَ لِي إِذَا لَا يُعْبَدُ اللَّهُ يَا أَبَايُوسُفَ لَا تَخْلُؤُوا الْأَرْضَ مِنْ عَالِمٍ مِّنَّا ظَاهِرٍ يَفْرَعُ النَّاسُ إِلَيْهِ فِي خَلَائِهِمْ وَحَرَامِهِمْ إِنَّ ذَلِكَ لَمُبَسِّئٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» اصْبِرُوا عَلَى دِينِكُمْ وَصَابِرُوا عَدُوَّكُمْ مِمَّنْ يُخَالِفُكُمْ وَرَابِطُوا إِمَامَكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ فَمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَافْتَرَضَ عَلَيْكُمْ.^۲

يعقوب سراج می گوید که به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: زمین یک روز بدون عالمی (امام) از شما خالی می ماند که مردم در گرفتاریها به او پناه ببرند؟ به من فرمودند: در این صورت کسی

۱. نورالثقلین، ج ۱ / ص ۴۲۷.

۲. همان، ص ۴۲۶.

خداوند را پرستش نخواهد کرد. ای ابایوسف، زمین از وجود عالمی از ما که مردم در حلال و حرام به او مراجعه کنند خالی نخواهد ماند و این مطلب در قرآن کریم بیان شده و خداوند فرموده است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا». در دین داری صابر، در مقابل اذیت دشمنان بردبار و با امام زمان خود در ارتباط باشید و در اطاعت از او امر او و آن چیزهایی که بر شما واجب فرموده است از خدا بترسید.

در روایت دیگر از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمودند:

وَصَابِرُوا قَالَ عَدْوَكُمْ مَعَ وَلِيِّكُمْ وَرَابِطُوا قَالَ الْمَقَامُ مَعَ إِمَامِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ قُلْتُ تَنْزِيلَ قَالَ نَعَمْ.^۱

در مقابل اذیت‌هایی که در راه ما می‌بینید صابر باشید. عرض کردم: «صابرُوا» یعنی چه؟ فرمودند: در مقابل دشمنی با امامتان بردبار باشید. عرض کردم: «و رابطُوا» یعنی چه؟ فرمودند: با امام خودتان در ارتباط باشید و از خداوند بترسید تا رستگار شوید. عرض کردم: این آیه برای همین مطلب نازل شده است؟ فرمودند: آری.

تأویل الایات الظاهره

از حضرت باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ...» سؤال شد، فرمودند:

«الْكِتَابُ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لِأَنَّ فِيهِ أَنَّهُ إِمَامٌ «هُدًى لِلْمُتَّقِينَ»



فَالْأَيَّتَانِ لِشِيعَتِنَاهُمُ الْمُنْتَقُونَ «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» وَهُوَ الْبَعْثُ
وَالنُّشُورُ وَ قِيَامُ الْقَائِمِ وَالرَّجْعَةُ^۱

مراد از «الْكِتَابُ» امام امیرالمؤمنین [علیه السلام] است که در امامت او هیچ تردیدی نیست، منظور از «هُدًى لِلْمُتَّقِينَ» در هر دو آیه شیعیان ماست که پرهیزگارند و مراد از «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» اعتقاد به قیامت و حضور در صحرای محشر و قیام حضرت قائم [علیه السلام] و بازگشت جمعی از مؤمنان و کافران محض به دنیا است.^۲

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...^۳

آنان که به غیب ایمان دارند...

در قرآن کریم آیاتی درباره غیبت حضرت بقیة الله روحی له الفداء نازل شده که از جمله آیات مزبور آیه فوق الذکر است و خداوند تبارک و تعالی در وصف بندگان می فرماید که بندگان من کسانی هستند که به غیب ایمان دارند. مفسران قرآن، این آیه را چنین معنی فرموده اند که منظور از ایمان به غیب، اعتقاد به امام غایب از نظر است:

عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرِ الرَّقِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ «هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...» قَالَ مَنْ أَقَرَّ بِقِيَامِ
الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ حَقٌّ.^۴



۱. تأویل الایات الظاهره، ج ۱ / ص ۳۲.

۲. در مورد رجعت کتابی جداگانه تحت عنوان رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی به قلم نگارنده نوشته شده و علاقه مندان می توانند به آن کتاب مراجعه نمایند.

۳. بقره / ۳.

۴. تفسیر نور الثقلین، ج ۱ / ص ۳۰.

از داود کثیر رقی از حضرت امام صادق علیه السلام روایت است که در مورد فرموده حقتعالی در آیه «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ...»، منظور و مراد، افرادی هستند که به قیام حضرت مهدی علیه السلام اقرار دارند و دیگر اینکه این قیام را حق می دانند.

همان گونه که خوانندگان عزیز ملاحظه می فرمایند، اقرار به قیام حضرت بقیة الله روحی له الفداء و قبول اینکه این قیام حق است نشانه اعتقاد و ایمان به غیبت آن سرور غایب از نظر است.

یحیی بن ابوالقاسم می گوید که از امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه «الم، ذلک الکتاب لا ریب فیہ...» سؤال کردم، فرمودند:

الْمُتَّقُونَ شِيعَةٌ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْغَيْبُ هُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ وَشَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»^۱. فَأَخْبَرَ عَزَّوَجَلَّ أَنَّ الْآيَةَ هِيَ الْغَيْبُ وَالْغَيْبُ هُوَ الْحُجَّةُ وَتَصْدِيقُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً»^۲ يَعْنِي حُجَّةً^۳.

متقیان، شیعیان علی علیه السلام هستند و غرض از غیب حجّت غایب است و دلیل بر اثبات این مطلب فرمایش خداوند تبارک و تعالی در آیه شریفه «وَيَقُولُونَ لَوْلَا...» است. بدین ترتیب، خداوند خبر داده است که «آیه» یعنی غیب و غیب همان حجّت غایب است و دلیل صحّت این مطلب فرمایش خداوند است در آیه «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً» (و ما فرزند مریم [حضرت عیسی علیه السلام] را حجّت قرار دادیم) و «آیه» یعنی حجّت.

۱. یونس / ۲۰.

۲. مؤمنون / ۵۰.

۳. نورالتقلین، ج ۱ / ص ۳۱.



مجمع البیان

صاحب کتاب شریف و تفسیر نفیس مجمع البیان در تفسیر آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» می فرماید:

بِمَا غَابَ عَنِ الْعِبَادِ عِلْمُهُ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ وَ جَمَاعَةٍ عَنِ الصَّحَابَةِ وَهُوَ أَوْلَى لِعُمُومِهِ وَ يَدْخُلُ فِيهِ مَا رَوَاهُ أَصْحَابُنَا عَنْ زَمَانٍ غَيْبَةِ الْمُهْدِيِّ وَ وَقْتِ خُرُوجِهِ^۱.

معنی ایمان به غیب یعنی آن چیزی که علم به آن از نظر مردم و بندگان مخفی است و این از ابن مسعود و گروهی از صحابه منقول است و این مطلب از وجهی که سابقاً نقل شد [که منظور از ایمان به غیب، ایمان به قیامت و بهشت و دوزخ است] اولی و صحیح تر به نظر می رسد، زیرا این نکته عام است و چنانکه اصحاب ما نیز بیان کرده اند عمومیت آن شامل زمان غیبت حضرت مهدی [ارواحنا له الفداء] و هنگام قیام و ظهورشان نیز می شود.

تفسیر تبیان

کتاب مبارک تفسیر تبیان در ذیل آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» به نقل از ابن عباس، غیبت امام عصر روحی له الفداء را از مصادیق غیب و اعتقاد به آن را ایمان به غیب می داند:

وَ أَمَّا الْغَيْبُ... وَ قَالَ جَمَاعَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ كَأَبْنِ مَسْعُودٍ وَ غَيْرِهِ أَنَّ الْغَيْبَ مَا غَابَ عَنِ الْعِبَادِ عِلْمُهُ مِنْ أَمْرِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَالْأَرْزَاقِ وَ الْأَعْمَالِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ وَهُوَ الْأَوْلَى لِأَنَّهُ عَامٌّ يَدْخُلُ فِيهِ مَا رَوَاهُ أَصْحَابُنَا

۱. همان، ج ۱ / ص ۲۲.



مِنْ زَمَانِ الْغَيْبَةِ وَ وَقْتِ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۱

و اما مفهوم «غیب»... بطوریکه جماعت و گروهی از اصحاب مانند ابن مسعود و دیگران گفته‌اند غیب چیزی است که علم و شناخت آن از نظر افراد و مردم پنهان باشد و از آن جمله است اعتقاد به بهشت و دوزخ و موضوع رزق و روزی بندگان و اعمال مردم و غیر اینها. البته، این معنی اولی و شایسته‌تر است زیرا عمومیت دارد و با مفهومی که گروهی دیگر از اصحاب نیز درباره این آیه نقل کرده‌اند که مراد از غیب زمان غیبت حضرت مهدی علیه‌السلام و هنگام قیام آن سرور روحی‌له‌الفداء است مطابقت دارد.

تفسیر صافی

تفسیر مبارک صافی در ذیل آیه شریفه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»

می‌فرماید:

بِمَا غَابَ عَنْ حَوَائِجِهِمْ مِنْ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ نُبُوَّةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ قِيَامِ الْقَائِمِ
وَ الرَّجْعَةِ وَ الْبَعْثِ وَ الْحِسَابِ وَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ سَائِرِ الْأُمُورِ الَّتِي
يَلْزَمُهُمُ الْإِيمَانُ بِهَا مِمَّا لَا يُعْرَفُ بِالْمُشَاهَدَةِ وَ إِنَّمَا يُعْرَفُ بِدَلَائِلِ نَصَبِهَا
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ.^۲

غیب چیزی است که از نظر پنهان باشد مانند توحید و نبوت پیامبران و قیام حضرت قائم و رجعت و برانگیخته شدن در قیامت و حساب و بهشت و دوزخ و دیگر اموری که ایمان به آنها لازم است ولی با چشم ظاهر قابل رؤیت نیست و فقط با دلایل و نشانه‌هایی که خداوند متعال برای آنها قرار داده است امکان شناخت و آگاهی نسبت به آنها وجود دارد.

۱. تفسیر تبیان، ج ۱ / ص ۵۵.

۲. تفسیر صافی، ج ۱ / ص ۹۲.



بنابراین، همان‌گونه که خوانندگان ارجمند ملاحظه می‌فرمایند، یکی از اقوال در تفسیر آیه فوق و مصداقهای غیب، قیام حضرت بقیة الله روحی له الفداء می‌باشد و لازمه آن اعتقاد به غیبت آن بزرگوار است و در غیر این صورت بدیهی است که غیب معنی ندارد.

جامع الجوامع

تفسیر مذکور ایمان به غیب را در آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...» چنین معنی فرموده است:

الْغَيْبُ إِنَّهُ التَّصْدِيقُ لِلَّهِ فِي مَا أَخْبَرَهُ رَسُولُهُ مِمَّا غَابَ عَنِ الْعِبَادِ عِلْمُهُ
مِنْ ذِكْرِ الْقِيَمَةِ وَالْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَغَيْرِ ذَلِكَ.^۱

غیب عبارت است از تصدیق کردن آنچه که خداوند عالم به پیامبر عزیزش خبر داده است مانند قیامت، بهشت و دوزخ و غیر اینها، و یکی از مواردی که خداوند به پیامبرش خبر داده و در روایات عدیده موجود می‌باشد، غیبت فرزندش حضرت مهدی علیه السلام است.

تفسیر ابوالفتوح رازی

تفسیر فوق در مورد آیه مبارکه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» می‌گوید: در تفسیر اهل بیت علیهم السلام رسیده است که مراد از غیب، مهدی ائمت علیهم السلام است که از نظر مردم غایب می‌باشد ولی در قرآن و اخبار به ظهور آن حضرت وعده داده شده است. اما در قرآن:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي

۱. تفسیر جامع الجوامع / ص ۵.

الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...^۱

در این آیه خداوند وعده فرموده است که صاحبان ایمان و اعمال پسندیده را حکومت بخشد و این آیه به قیام حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء تفسیر شده است.

اما در اخبار:

قوله عليه السلام لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي...^۲

در این حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله از قیام حتمی و مسلم فرزند خود، حجّت منتظر در آخر الزمان خبر داده اند.

□

از مجموعه روایاتی که در تفسیر آیه شریفه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» در این مختصر بیان نمودیم چند نکته ارزنده به دست می آید:

۱. ایمان به غیب از مشخصات اهل ایمان است.
۲. شیعیان به امام غایب از نظر اعتقاد و ایمان دارند.
۳. غیبت حضرت بقیة الله حجة بن الحسن عجل الله تعالی فرجه از اسرار بزرگ الهی است.

۴. کسانی که به امامت حضرت بقیة الله روحی له الفداء معتقدند و در زمان غیبت آن وجود مقدس صبر می کنند، از مقام والایی برخوردارند.
۵. کسانی که به امام غایب ایمان و اعتقاد دارند از حزب مخصوص

۱. نور / ۵۵.

۲. تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۱ / ص ۶۴.



خداوند متعال هستند و پیروزی نهایی برای آنها خواهد بود. همچنین، استفاده می‌شود که غیبت از جانب خداوند است و در قرآن کریم هم از وقوع آن خبر داده شده که از آن جمله است غیبت حضرت موسی علیه‌السلام و غیبت حضرت یوسف و حضرت یونس علیهما‌السلام و نیز پنهان شدن حضرت عیسی علیه‌السلام و بردن ایشان به آسمانها و نیز غیبت حضرت خضر علیه‌السلام و عمر طولانی ایشان. بنابراین، کسانی که به غیبت بزرگواران یاساد شده معتقد هستند غیبت حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء را هم باید قبول داشته باشند.



مسأله خبیث در روایات



رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ و حکومت جهانی حضرت مهدی علیہ السلام

رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ و معرفی دوازده امام

از وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام روایت شده است که

فرمودند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي كَانَتْ فِيهَا وَفَاتُهُ
لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَخْضُرْ صَحِيفَةً وَ دَوَاةً فَأَمْلَأْ رَسُولُ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصِيَّتَهُ حَتَّى انْتَهَى إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ فَقَالَ يَا
عَلِيُّ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي اثْنِي عَشَرَ إِمَامًا وَ مِنْ بَعْدِهِمْ اثْنِي عَشَرَ
مَهْدِيًّا، فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ أَوَّلُ الْإِثْنِي عَشَرَ إِمَامِ سَمَّاكَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سَمَائِهِ
عَلِيًّا الْمُرْتَضَى وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الصِّدِّيقَ الْكَبِيرَ وَ الْفَارُوقَ الْأَعْظَمَ
وَ الْمَأْمُونِ الْمَهْدِيِّ، فَلَا تَصِحُّ هَذِهِ الْأَسْمَاءُ لِأَحَدٍ غَيْرِكَ (يَا عَلِيُّ) أَنْتَ
وَصِيَّ عَلِيٍّ أَهْلُ بَيْتِي حَبِيبُهُمْ وَ مَيْتَتِهِمْ، وَ عَلِيٌّ نِسَائِي فَمَنْ ثَبَّتَهَا لِقَبِي غَدًا



وَمَنْ طَلَّقَهَا فَأَنَا بَرِيٌّ مِنْهَا لَمْ تَرِثْنِي وَلَمْ أَرْهَأْ فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ وَأَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي إِذَا حَضَرْتِكَ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِي الْحَسَنِ الْبَرِّ الْوَصُولِ، فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِي الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ الزَّكِيِّ الْمُقْتُولِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّنَاتِ عَلِيٍّ، فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ، فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ، فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُوسَى الْكَاطِمِ، فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ عَلِيِّ الرُّضَا، فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الثَّقَةِ الثَّقِيِّ، فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ عَلِيِّ النَّاصِحِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ الْحَسَنِ الْفَاضِلِ، فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الْمُسْتَحْفِظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَذَلِكَ إِثْنِي عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ إِثْنِي عَشَرَ مَهْدِيًّا فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ أَوَّلِ الْمُقْرَبِينَ لَهُ ثَلَاثَةُ أَسْمَاءٍ إِسْمُ كَاشِمٍ وَ إِسْمُ أَبِي وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَحْمَدُ وَ الْإِسْمُ الثَّلَاثُ الْمَهْدِيُّ هُوَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ.^۱

نبی اکرم صلی الله علیه وآله در شبی که رحلت فرمودند مرا احضار کردند و از من دوات و قلم خواستند و شروع به اظهار وصیت نمودند و نوشته شد تا به اینجا رسید که فرمودند: یا علی، بزودی پس از من دوازده امام و پس از آنان دوازده مهدی (هدایت کننده) بوجود خواهند آمد و تو — ای علی — اولین امام هستی که خداوندت در آسمانها علی مرتضی و امیرالمؤمنین و صدیق اکبر و فاروق اعظم و مأمون و مهدی نامیده است و این اسامی برای هیچ کس جز تو جایز و روانیست. ای علی، تو وصی

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۹۶.

من بر خانواده‌ام — اعمّ از زنده و مرده — و زنان من هستی. هر آن کس که بر قبول وصیّت تو ثابت بماند در قیامت مرا خواهد دید و هر که را تو ره‌ایش کنی من از او بیزار هستم و از من ارث نمی‌برد و در عرصه قیامت او را نخواهم دید. تو پس از من خلیفه و جانشین من در میان امت هستی، پس آنگاه که روز وفات تو برسد امر وصایت را به فرزندم حسن واگذار کن که او امر امامت را خوب و نیکورساننده‌ای است و چون هنگام ارتحال او رسد، وصایت را به فرزند شهیدم حسین تسلیم نماید که شهیدی پاک است و او هنگام شهادت، امامت را به فرزندش سید عبادت‌کنندگان که آثار سجود بر مواضع سجده‌اش نمایان و نامش علی است واگذارد و او به فرزندش محمدباقر محوّل نماید و هرگاه که عمر وی به پایان رسید، امامت را به فرزندش جعفر صادق تسلیم کند و هنگامی که جعفر صادق را مرگ فرا رسد، امر وصایت را به فرزندش موسی کاظم واگذارد و چون حیات موسی سپری شد، امر امامت را به فرزندش علی ملقب به رضا محوّل نماید و چون علی بن موسی الرضا را هنگام رحلت فرا رسد، امر امامت را به فرزندش محمدتقی که مورد وثوق است تسلیم کند و چون او از دنیا رحلت یابد، امر امامت را به فرزندش علی که خیرخواه امت است واگذارد و چون زمان درگذشت او فرا رسد، امامت را به فرزندش حسن که صاحب فضیلت است موکول نماید و چون هنگام ارتحال وی برسد، امر امامت و وصایت را به فرزندش محمد که نگهبان آل محمد است واگذار کند. پس، این دوازده تن امام بر امت بعد از من هستند. آنگاه پس از او دوازده تن مهدی خواهند آمد و حضرت ولی عصر علیه السلام



۱. همان‌گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه می‌فرمایند از وجود مقدّس حضرت محمد بن الحسن با عبارت «نگهبان آل محمد» تعبیر شده است. پس، معلوم می‌شود که آثار وجودی محمد و آل محمد سلام الله علیهم اجمعین به وسیله آن حضرت حفظ می‌شود.

امامت را به فرزند بزرگش که نزد او مقرب است تسلیم می‌کند و او سه اسم دارد مانند اسم من و پدر من و او عبدالله و احمد و اسم سوّمش مهدی است. او نخستین مؤمن است (اشاره به مقام فوق‌العاده با تقوای آن بزرگوار است).

رسول اکرم صلی الله علیه وآله و خبر دادن از غیبت

از ابی سعید خدری از رسول اکرم صلی الله علیه وآله روایت شده که آن حضرت فرمودند:

يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَ تَطْرُقُ السَّمَاءُ مَطْرًا كَعَهْدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ تَعِيشُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ عَيْشًا لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ قَطُّ.^۱

مهدی [علیه السلام] در میان امت من قیام خواهد کرد و زمین را پس از آنکه از ظلم و جور پُر شده باشد، از عدل و داد پر خواهد ساخت، باران چون زمان حضرت آدم علیه السلام خواهد بارید و زمین برکات خود را عرضه خواهد کرد و امت من زندگی مرفّه و خوبی خواهند داشت که هرگز و در هیچ زمانی نداشته‌اند.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله و مسأله ظهور

جابر یزید جعفی می‌گوید که از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که گفت هنگام نزول آیه مبارکه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ...» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، فرمان خداوند و رسولش و نیز فرمان صاحبان امر را اطاعت کنید)، خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض کردم یا

۱. الملاحم والفتن، ص ۱۶۵.

رسول الله، اطاعت خداوند و شما را فهمیدم ولی اولی الامر که اطاعت آنها را مقرون به طاعت خویش و شما قرار داده است چه کسانی هستند؟ حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند:

هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي أَوْ هُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ
 ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي
 التَّوْرَةِ بِالْبَاقِرِ سَتُدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِيْتَهُ فَاقْرَأْهُ مِنِّي السَّلَامُ ثُمَّ
 الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ
 عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيُّ وَ كَنِيَّ حُجَّةُ اللَّهِ فِي
 أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى
 ذِكْرَهُ بِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا عَلَى يَدَيْهِ ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ
 شِيعَتِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ
 اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ^۱

ای جابر، آنان جانشینان من و امامان مردم مسلمان پس از من هستند که اولین آنها علی بن ابی طالب است و سپس حسن و پس از او حسین و بعد از او علی بن حسین و بعد از او محمد بن علی که در تورات به باقر (شکافنده علم) معروف است و — ای جابر، تو زمانش را درک می کنی و وقتی به ملاقات او نائل شدی سلام مرا به او برسان — و پس از او صادق، جعفر بن محمد و سپس موسی بن جعفر و علی بن موسی و بعد از وی محمد بن علی و علی بن محمد و آنگاه حسن بن علی و سپس همام و هم کنیه من خواهد بود. او حجّت خدا و بقیّة الله در زمین است و فرزند حسن بن علی است. او کسی است که خداوند بزرگ شرق و غرب عالم را به دست او می گشاید و کسی است که از نظر شیعیان و دوستانش پنهان می گردد و در امامت و ولایت او جز افرادی که



خداوند قلب آنان را از لحاظ ایمان آزمایش کرده است، ثابت قدم نخواهند بود.

همان گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه می‌فرمایند در این روایت وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه وآله به چند اصل مهم و حیاتی اشاره بلکه تصریح فرموده‌اند از جمله:

۱. اوصیاء و جانشینان آن حضرت دوازده نفرند و مشخصات آنان را نیز بیان فرموده‌اند. بنابراین، مدعیان خلافت پس از آن سرور چنانچه غیر از این دوازده نفر باشند دروغگو و ملعون هستند.

۲. سلطنت وصی و خلیفه دوازدهم یعنی حضرت بقیة الله ارواحناله الفداء شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد و جهان یکسره در اختیار آن حضرت خواهد بود.

۳. امام دوازدهم غیبت کرده و این پنهان بودن به طول می‌انجامد و بدین ترتیب مردم آزمایش خواهند شد و پیروزی با اهل ایمان است.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله و بشارت قیام حضرت مهدی علیه السلام

ابوسعید خدری از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمُهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ
فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.^۱

بشارت می‌دهم شما را به قیام مهدی [علیه السلام] که در میان امت من برانگیخته می‌شود در حالی که اختلاف و زلزله [عقیده] در میان مردم حکمفرماست، پس زمین را بعد از پُر شدن آن از ظلم و جور، از عدل و داد پُر می‌سازد.

۱. عقد الدرر، ص ۶۲.



پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و آئینده جهان

طبرسی رضوان الله علیه از خاص (شیعه) و عام (سنی ها) روایت می کند که پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند که:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.^۱

اگر از عمر دنیا حتی فقط یک روز باقی بماند، خداوند در آن روز مردی از خاندان مرا برمی انگیزد تا جهان را پُر از عدل و داد نماید پس از آنکه پُر از ظلم و جور شده باشد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله و بشارت ظهور

حضرت صادق علیه السلام به نقل از پدران گرامی خود از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله نقل فرموده که آن حضرت فرمودند:

الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى طَاعَتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي وَ مَنْ أَنْكَرَهُ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ مَنْ كَذَّبَهُ فَقَدْ كَذَّبَنِي وَ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِي إِلَى اللَّهِ أَشْكُوا الْمَكْذِبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ وَالْجَاهِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ وَالْمُضِلِّينَ لِأُمَّتِي عَلَى طَرِيقِهِ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ.^۲

۱. اثبات الهداة، ج ۷ / ص ۵۱.

۲. همان، ص ۵۲.



قائم از فرزندان من همنام و هم‌کنیه من، سیمای او سیمای من و راه و روش او راه و روش من است و مردم را به اطاعت من راهنمایی و به قرآن خدای من می‌خواند. هرکس او را فرمان برد از من اطاعت کرده و آن‌کس که با او مخالفت ورزد با من مخالفت کرده است و هر که غیبت او را انکار کند رسالت مرا منکر شده و هر که او را تکذیب کند مرا تکذیب نموده و کسی که او را تصدیق نماید مرا تصدیق کرده است. من از آنان که امر او را تکذیب و سخنان مرا درباره او انکار و مردم را در مورد او گمراه کنند به خداوند شکایت می‌کنم و طولی نخواهد کشید که ستمگران بازگشت خود را خواهند فهمید به کجاست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و غیبت

جابر بن عبدالله انصاری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که

فرمودند:

الْمُهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا
تَكُونُ بِهِ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقِيبِ
فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.^۱

مهدی از فرزندان من است که نامش نام من و کنیه‌اش کنیه من است و از لحاظ آفرینش و اخلاق شبیه‌ترین مردم نسبت به من است. در غیبت او مردم سرگردان و گمراه می‌شوند، آنگاه او چون شهاب ثاقب ظاهر می‌شود و زمین را پر از عدل و داد می‌کند پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد.



دو روایت دیگر

حضرت باقر علیه السلام نقل کردند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله

فرمودند:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتِمُّ^۱ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى
أَوْلِيَاءَهُ وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ، ذَلِكَ مِنْ رُفَقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَأَكْرَمِ أُمَّتِي
عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۱

خوشا به حال افرادی که قائم اهل بیت مرا درک کنند، در غیبت او
و پیش از ظهورش ثابت قدم باشند، و دوستان او را دوست و
دشمنانش را دشمن بدانند. آنان در روز قیامت از دوستان و
رفقای من و از بهترین و گرامی ترین افراد امت من هستند.

سدیر از حضرت صادق علیه السلام و ایشان از وجود مقدس رسول
اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کنند که آن حضرت فرمودند:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَأْتِمُّ بِهِ وَ بِأُمَّةٍ
أَهْدَى مِنْ قَبْلِهِ وَ يَتَّبِعُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ أَوْلِيكَ رُفَقَائِي وَ
أَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَيَّ.^۲

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و قبل از
ظهورش به دستورهایی او عمل کرده و به امامت آن حضرت و
ائمه قبل از او معتقد باشد و از دشمنان آنها بیزارى جوید. این
افراد رفیقان من و از بهترین افراد امت نزد من هستند.



۱. همان، ص ۴۰۳.

۲. همان، ص ۴۰۳.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امر بزرگ خداوند

ابن عباس از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ إِمَامٌ أُمَّتِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْهَا مِنْ بَعْدِي وَمِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيَةِ الْأَحْمَرِ.

فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِلْقَائِمِ مِنْ وُلْدِكَ غَيْبَةٌ؟ قَالَ إِي وَرَبِّي وَلِيَمَحِصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ. يَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ مَطْوِيُّ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ فَإِيَّاكَ وَالشُّكَّ فِيهِ فَإِنَّ الشُّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كُفْرٌ.^۱

به درستی که علی بن ابی طالب [علیه السلام] امام امت من و جانشین من بر آنهاست و قائمی که جهان را پس از فراگیری ظلم و جور پر از عدل و داد می کند از فرزندان اوست. سوگند به آن کسی که مرا به عنوان بشارت دهنده به [نعمتهای خداوند] و ترساننده [از عذاب] برانگیخته است، افرادی که در غیبت او در اعتقاد به وی ثابت قدم باشند از کبریت احمر کمترند.

پس، جابر بن عبدالله انصاری برخاست و عرض کرد: یا رسول الله، آیا برای قائم فرزند شما غیبتی است؟ فرمودند: آری، به خدا قسم صاحبان ایمان باید امتحان شوند و کافران نابود گردند. ای جابر، این امر، امر بزرگ خداوند و یکی از اسرار



اوست که از بندگان پنهان نگاه داشته شده است. مبادا در آن شک کنی که شک در آن، کفر است.

رسول الله صلى الله عليه وآله و ذخیره خداوند

از امام امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ خَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ يَأْتِي
بِذَخِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا
وَ ظُلْمًا.^۱

مهدی از فرزندان من است. او را غیبتی است که در آن امتها دچار سرگردانی و گمراهی می شوند. ذخیره پیامبران می آید^۲ و پس از فراگیر شدن ظلم و جور در جهان، زمین را پر از عدل و داد می کند.

رسول اکرم صلى الله عليه وآله و انتظار

وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از حضرت رسول اکرم صلى الله عليه وآله نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ.^۳

بالاترین عبادتها انتظار فرج است (یعنی منتظر قیام جهانی حضرت بقیة الله روحی له الفداء بودن).

۱. همان، ص ۴۰۴.

۲. ممکن است اشاره به موارث انبیاء باشد.

۳. کمال الدین، ص ۴۰۴.



وصیت رسول اکرم صلی الله علیه وآله و ماهیت والای منتظران

امام امیرالمؤمنین علیه السلام از وصیتنامه پیامبر بزرگ صلی الله علیه وآله حدیثی را نقل نمودند که آن حضرت فرمودند:

يَا عَلِيُّ إِنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيْمَانًا وَ أَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي
 آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حَجَبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ
 بِيَاضٍ.^۱

ای علی (بن ابی طالب) شگفت آورترین و عجیب ترین ایمانها و بزرگترین اعتقادات، ایمان و یقین مردمی است که در آخر الزمان می آیند. آنها پیامبر خود را نمی بینند و از امام خود محجوب و بی خبر هستند و در واقع براساس نوشته هایی بر روی صفحات کاغذ ایمان آورده اند.

پیامبر صلی الله علیه وآله و حضرت مهدی علیه السلام

از رسول اکرم صلی الله علیه وآله و سلم روایت است که فرمودند:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ
 رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ
 ظُلْمًا.^۲

اگر از عمر دنیا حتی یک روز باقی نمانده باشد خدای متعال آن روز را طولانی خواهد نمود تا مردی از اهل بیت و خاندان من قیام

۱. همان، ص ۴۰۵.

۲. اثبات الهداة، ج ۷ / ص ۳۰.

کند و جهان را پس از فراگیر شدن از ظلم و جور پر از عدل و داد سازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بشارت ظهور منجی بشریت

راوی گوید از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که می فرمود رسول بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

يَا عَلِيُّ الْأَيْمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ الْمُعْصُمُونَ مِنْ وُلْدِكَ أَحَدَ عَشَرَ
 إِمَامًا وَأَنْتَ أَوَّلُهُمْ وَآخِرُهُمْ عَلَى اسْمِي يَخْرُجُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا
 كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَأْتِيهِ الرَّجُلُ وَالْمَالُ كَدَسٍ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيُّ
 آعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ.^۱

ای علی، ائمه معصومین و راهنمایان خلق از فرزندان تو و یازده امام هستند. تو اول آنهایی و آخرین آنها همنام من است. او زمین را پس از فراگیر شدن ظلم و جور، پر از عدل و داد خواهد کرد و به هرکسی که از او مال طلب می کند، می بخشد.

مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه سلام الله علیها است

حضرت سجاد علیه السلام از پدر بزرگوارشان حضرت امام حسین علیه السلام روایت فرموده اند که رسول معظم اسلام صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا ی مرضیه سلام الله علیها فرمودند:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِكَ.^۲

مهدی از فرزندان شماست.

۱. عوالم النصوح علی الائمه، ص ۲۱۲.

۲. انبیا الهداة، ج ۷ / ص ۱۸۳.



رسول اکرم صلی الله علیه وآله و معرفی امام دوازدهم

علی بن هلال از پدرش روایت می کند که گفت: خدمت پیامبر صلی الله علیه وآله رسیدم. سپس حدیثی نقل می کند و در آن می گوید: حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله به حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمودند:

وَمِنَّا سِبْطَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهُمَا ابْنَاكَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ
 أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَبُوهُمَا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ خَيْرٌ مِنْهُمَا يَا فَاطِمَةُ وَالَّذِي
 بَعَثَنِي بِالْحَقِّ إِنَّ مِنْهُمَا مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ. إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجَاءً وَ
 مَرْجَاءً وَ تَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَ انْقَطَعَتِ السُّبُلُ وَ آغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ
 فَلَا كَبِيرٌ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَلَا صَغِيرٌ يُوقِّرُ كَبِيرًا فَيَبْعَثُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ
 مِنْهُمَا مَنْ يَفْتَحُ حُصُونَ الضَّلَالَةِ وَ يُحْيِي قُلُوبًا غُلْفًا يَقُومُ بِالدِّينِ فِي
 آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُتُّ بِأَوَّلِ الزَّمَانِ وَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا
 مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.^۱

دو سبط این امت از ماست و آندو فرزندان تو [حضرت امام] حسن و [حضرت امام] حسین [علیهم السلام] هستند که سید و سرور جوانان اهل بهشت اند، و به خداوندی که مرا به راستی به پیامبری برگزید سوگند که پدر آندو از ایشان بهتر (افضل) است. ای فاطمه، به آن خدایی که مرا بحق به رسالت برانگیخت، مهدی این امت از نسل این دو فرزند توست. آنگاه که دنیا دچار هرج و مرج شود و فتنه ها ظاهر گردد و مردم یکدیگر را غارت کنند و بزرگان به کوچکترها رحم نکرده و کوچکترها بزرگان را احترام نکنند، در این هنگام خداوند متعال از نسل فرزندان تو کسی را بفرستد که قلعه های ضلالت و گمراهی را بگشاید و دلهای



مرده را زنده فرماید و دین را در آخرالزمان بیای دارد چنانکه من در ابتدا برپای کردم و زمین را پس از فراگیری ظلم و جور پر از عدل و داد نماید.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله و خبر دادن از قیام موعود

سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می کند که رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

إِنَّ أَوْصِيَانِي وَ حُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ مِنْ بَعْدِي الْأَثْنِي عَشْرَ
أَوَّلُهُمْ أَخِي وَ آخِرُهُمْ وَ لَدِي. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَخُوكَ؟ قَالَ عَلِيٌّ.
قِيلَ مَنْ وَ لَدُكَ؟ قَالَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا
وَ ظُلْمًا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ
وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَ لَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلُ
رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَ وَ لَدِي وَ تَشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ
رَبِّهَا وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ.^۱

جانشینان من و حجتهای خداوند پس از من بر مردم دوازده نفرند که اولین آنان برادرم و آخرین فرد آنها فرزندم است. عرض شد: یا رسول الله، برادرتان کیست؟ فرمودند: علی [علیه السلام]. سؤال شد: فرزندان کیست؟ فرمودند: مهدی، و او کسی است که دنیا را پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد از عدل و داد پر می سازد. به حق آن خدایی که مرا به عنوان آخرین پیامبرش برانگیخته است تا مردم را به نعمتهای او بشارت دهم و از عذاب او بترسانم سوگند که اگر از عمر دنیا حتی بیش از یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را چندان طولانی خواهد کرد تا اینکه



فرزندم مهدی قیام کند. پس، حضرت عیسی بن مریم [علی نبینا وآله
وعلیه السلام] فرود خواهد آمد و پشت سر او نماز خواهد گزارد و
زمین به نور پروردگارش روشن خواهد شد و دامنه سلطنت او
شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت.

● خواننده گرامی، همان گونه که ملاحظه می فرمایید، پیامبر و
آورنده اسلام در خصوص حضرت بقیة الله روحی له الفداء طی این حدیث
مبارک به چند مطلب مهم اشاره فرموده اند:

۱. جانشینان آن حضرت دوازده نفرند که اولین آنها حضرت علی
علیه السلام و آخرین آنها حضرت مهدی علیه السلام است.
۲. ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء قطعی است.
۳. حضرت عیسی بن مریم از آسمان به زیر می آید و به حضرت
صاحب الامر علیه السلام اقتدا می کند و نماز می گزارد.
۴. با ظهور آن سرور جهان تیره ما پر از نور خواهد شد.
۵. شعاع سلطنت حضرتش شرق و غرب عالم را دربر خواهد
گرفت و حکومت واحده الهی پیاده خواهد شد.

□

خبر دادن پیامبر صلی الله علیه وآله در شب معراج از ظهور موعود

ابی سلیمان خدمتکار رسول اکرم صلی الله علیه وآله گوید که از آن
حضرت شنیدم که فرمودند:

لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ قَالَ لِي الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا
أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ» فَقُلْتُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَطَّلَعْتُ



إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ إِطْلَاعَةً فَأَخْتَرْتُكَ مِنْهُمْ فَشَقَّتُ لَكَ إِسْمًا مِنْ أَسْمَاءِ
 فَلَا أُذَكِّرُ فِي مَوْضِعٍ إِلَّا ذُكِرْتَ مَعِيَ فَأَنَا الْمُحْمُودُ وَ أَنْتَ مُحَمَّدٌ ثُمَّ
 أَطَّلَعْتُ الثَّانِيَةَ فَأَخْتَرْتُ مِنْهُمْ عَلِيًّا فَسَمَّيْتُهُ بِاسْمِي يَا مُحَمَّدُ خَلَقْتُكَ وَ
 خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَ لِدِ الْحُسَيْنِ مِنْ
 نُورِي وَ عَرَضْتُ وَ لَا يَتَّكُمُ عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَمَنْ قَبِلَهَا
 كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ جَحَدَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْكَافِرِينَ
 يَا مُحَمَّدُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبِيدِي عَبَدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ أَوْ يَصِيرَ كَالشَّنِّ
 الْبَالِيِّ ثُمَّ جَاءَنِي جَاحِدًا لِيُؤَلِّيَتِكُمْ مَا عَفَرْتُ لَهُ يَا مُحَمَّدُ تُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ
 قُلْتُ نَعَمْ يَا رَبِّ قَالَ لِي أَنْظِرْ إِلَى يَمِينِ الْعَرْشِ فَنَظَرْتُ فَإِذَا عَلِيٌّ وَ
 فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ
 مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ
 وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدُ الْمُهْدِيُّ بْنُ حَسَنِ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دَرِيٌّ بَيْنَهُمْ
 وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَؤُلَاءِ حُجَجِي عَلَى عِبَادِي وَ هُمْ أَوْصِيائُكَ وَ الْمُهْدِيُّ
 الثَّائِرُ مِنْ قَاتِلِ عِزَّتِكَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي إِنَّهُ الْمُسْتَقِيمُ مِنْ أَعْدَائِي
 وَ الْمُمِدُّ لِأَوْلِيَائِي.^۱

در شبی که مرا به معراج بردند خداوند بزرگ به من فرمود:
 «فرستاده خداوند به آنچه بر او نازل شده ایمان آورد». عرضه
 داشتم: و آنان که مؤمن هستند؟ خطاب رسید: راست می گویی ای
 محمد. [آنگاه خداوند فرمود:] به اهل زمین نگاه می [مخصوصاً]
 نمودم و از میان بندگانم تو را برگزیدم و اسم تو را از اسماء خود
 گرفتم. من محمودم و تو محمدی. هر جا که از من یاد شود از تو نیز
 یاد خواهد شد. بار دیگر به اهل زمین نظر افکندم و از میان همه
 آنها علی را اختیار نمودم و او را به نام خودم نامگذاری کردم



(علیّ). ای محمّد، تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامانی را که از فرزندان حسین هستند از نور خودم آفریدم و ولایت شما اهل بیت را بر اهل آسمانها و زمین عرضه داشتم، پس هرکس که قبول کند، در پیشگاه من از مؤمنان خواهد بود و هرکس که ولایت شما اهل بیت را انکار کند، در نزد من کافر است. ای محمّد، اگر بنده‌ای از بندگان آنقدر مرا عبادت کند تا نفس او قطع گردد یا مانند مشک [آب] خشک و پوسیده شود ولی ولایت شما را انکار کند، من گناه او را نمی‌آمرزم. ای محمّد، آیا می‌خواهی آنان را ببینی؟ عرض کردم: آری. خطاب رسید: به سوی راست عرش نگاه کن. چون نگاه کردم علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی و علی بن محمّد و حسن بن علی و محمّد المهدی بن حسن [علیهم‌السّلام] را دیدم. [حضرت] مهدی [علیه‌السّلام] در میان آنان همچون ستاره درخشان می‌درخشید. سپس [خداوند تبارک و تعالی] فرمود: ای محمّد، اینان حجّت‌های من بر بندگانم و جانشینان تو هستند. و اما مهدی، او کسی است که باید انتقام ذرّیه و عزیزان تو را از قاتلان و کشندگان آنها بگیرد. به عزّت و جلال خود سوگند که به وسیله او از دشمنان خودم انتقام گیرم و دوستانم را یاری نمایم.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله و مسأله غیبت

حذیفه می‌گوید: رسول اکرم صلی الله علیه وآله ما را موعظه می‌کردند و در ضمن اشاره به حوادثی که در آینده اتفاق می‌افتد، فرمودند:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي فَقَالَ سَلْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ يَا



رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آيِّ وَلَدِكَ هُوَ؟ قَالَ مِنْ وُلْدِي هَذَا وَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۱

اگر از عمر این جهان بجز یک روز باقی نباشد خداوند [متعال] آن
روز را چندان طولانی می‌کند تا مردی از فرزندان من که همنام من
است قیام کند. سلمان رضی الله عنه سؤال کرد: یا رسول الله، از
کدامیک از فرزندان شما؟ فرمودند: از این پسر من. و با دست به
حسین علیه السلام اشاره فرمودند.

پیامبر صلی الله علیه وآله و سیمای حضرت مهدی علیه السلام

حذیفه می‌گوید که پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند:

الْمُهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِيِّ.^۲

مهدی [علیه السلام] از فرزندان من است و صورت وی مانند ستاره
درخشان است.

دو روایت دیگر

حذیفه می‌گوید که نبی اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

الْمُهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي لَوْنُهُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ وَجِسْمُهُ جِسْمُ إِسْرَائِيلِيٍّ، عَلَى
خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دَرِيٌّ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ
ظُلْمًا وَجَوْرًا وَيَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرُ فِي
الْهَوَاءِ.^۳

۱. اثبات الهداة، ج ۷ / ص ۱۸۴.

۲. همان، ص ۱۸۴.

۳. همان، ص ۱۸۴.



مهدی [علیه السلام] از فرزندان من است. رنگ او رنگ عربی و از نظر جسم و عضلات بدن مانند اسرائیلیان است. در طرف راست صورتش خالی است که چون ستاره درخشان می درخشد. او زمین را پس از پر شدنش از ظلم و جور، از عدل و داد پر می کند و از حکومت او ساکنان کره زمین و موجودات آسمانها حتی پرندگان هوا [همگان] خشنود می شوند.

عبدالرحمن بن عوف می گوید که حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله فرمودند:

لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ مِنْ عِثْرَتِي رَجُلًا أَفْرَقُ الثَّنَائِيَا، أَجْلَى الْجَبْهَةِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ
عَدْلًا يَفِيضُ الْمَالَ فَيْضًا.^۱

هرآینه خداوند [عزوجل] مردی از فرزندان مرا بر می انگیزد که دارای پیشانی بلند و دندانهای گشاده است. او زمین را پر از عدل و داد می کند و ثروتها را به طور مساوی تقسیم می نماید.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله و ویژگیهای امام دوازدهم

از عبدالله بن عمر نقل است که رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

يَخْرُجُ الْمُهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ غِمَامَةٌ فِيهَا مُنَادٍ يُنَادِي هَذَا الْمُهْدِيُّ خَلِيفَةُ
اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ.^۲

هنگامی که مهدی خروج می کند ابری بالای سر او قرار می گیرد و منادی در آن ندا می کند که این است مهدی جانشین خداوند، از او پیروی کنید.



۱. همان، ص ۱۸۶.

۲. همان، ص ۱۸۶.

دو روایت دیگر در این زمینه

از حدیفه رضی الله عنه منقول است که رسول خدا صلی الله علیه وآله در مورد حضرت مهدی علیه السلام و ظهور او فرمودند:

فَتَخْرُجُ الْأَبْدَالُ مِنَ الشَّامِ وَأَشْبَاهُهُمْ وَيَخْرُجُ إِلَيْهِ النَّجَبَاءُ مِنْ مِصْرَ وَعَصَائِبُ أَهْلِ الشَّرْقِ وَأَشْبَاهُهُمْ حَتَّى يَأْتُوا مَكَّةَ فَيُبَايِعُ لَهُ بَيْنَ زَمْزَمَ وَمَقَامٍ ثُمَّ يَخْرُجُ مُتَوَجِّهًا إِلَى الشَّامِ وَجَبْرَائِيلُ عَلَى مُقَدَّمَتِهِ وَمِيكَائِيلُ عَلَى سَاقَتِهِ يَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ وَالطَّيْرُ وَالْوَحُوشُ وَالْحَيْتَانُ فِي الْبَحْرِ وَتَزِيدُ الْمِيَاهُ فِي دَوْلَتِهِ وَتَمُدُّ الْأَنْهَارُ وَتُضْعَفُ الْأَرْضُ أَكْلَهَا وَتُسْتَخْرَجُ الْكُنُوزُ.^۱

مردان برجسته شام و نظایر آنها از شام به سوی او حرکت می کنند. همچنین، نجبای مصر و شخصیتهای برجسته مشرق زمین و نظایر آنها به سوی حضرتش حرکت می کنند و در میان زمزم و مقام با او دست بیعت می دهند. سپس در حالی که جبرئیل [علیه السلام] در پیشاپیش او و میکائیل از پشت سر او در حرکت هستند به طرف شام حرکت می کند. اهل آسمانها و زمین از حکومت و ظهور او خوشحال و نیز پرندگان و حیوانات و ماهیهای دریا از قیامش مسرور هستند. در دولت آن حضرت آبها زیاد و نهرها جاری و نعمتها در زمین فراوان می شود و گنجها از زمین استخراج می گردد.

شهر بن حوشب از رسول گرامی صلی الله علیه وآله نقل می کند که آن حضرت فرمودند:



فِي الْمَحْرَمِ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَلَا إِنَّ صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فُلَانٌ
يَعْنِي الْمَهْدِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْمَعُوا لَهُ وَاطِيعُوهُ. ۱

در محرم منادی از آسمان ندا می‌کند آگاه باشید که برگزیده
خداوند از میان همه مخلوقات حضرت مهدی علیه السلام است، پس
فرمان او را بشنوید و امرش را اطاعت کنید.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اشاره به فتنه‌های قبل از ظهور

از حدیقه بن یمان منقول است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله
در خصوص فتنه‌هایی که در آخر الزمان بوجود می‌آید فرمودند:

و يُبَاعُ الْأَخْرَارُ لِلْجَهْدِ الَّذِي يَحِلُّ بِهِمْ يُقْرُونَ بِالْعُبُودِيَّةِ
الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَيَسْتَخْدِمُ الْمُشْرِكُونَ الْمُسْلِمُونَ وَيَبِيعُونَهُمْ فِي
الْأَمْصَارِ لَا يَتَحَاشَى لِذَلِكَ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ يَا حُدَيْفَةُ لَا يَزَالُ ذَلِكَ الْبَلَاءُ
عَلَى أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ حَتَّى إِذَا أَيَسُوا أَوْ قَنَطُوا وَسَاؤُ الظَّنِّ إِلَّا يُفْرَجَ
عَنْهُمْ إِذْ بَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَطَائِبِ عِثْرَتِي وَأَبْرَارِ ذُرِّيَّتِي عَدْلًا مُبَارَكًا
زَكِيًّا لَا يُغَادِرُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ يُعْزِلُ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ وَالْقُرْآنَ وَالْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ
وَيُذِلُّ بِهِ الشُّرْكَ وَأَهْلَهُ يَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَلَى حَذَرٍ لَا يَغْتَرُّ بِقَرَابَتِهِ
لَا يَضَعُ حَجْرًا عَلَى حَجَرٍ وَلَا يَفْرَعُ أَحَدًا فِي وِلَايَتِهِ بِسَوْطٍ إِلَّا فِي حَدِّ
يَمْخُوَاللَّهُ بِهِ الْبِدْعَ كُلَّهَا وَيُمِيتُ بِهِ الْفِتْنَ كُلَّهَا يَفْتَحُ اللَّهُ بِهِ بَابَ حَقِّ وَ
يُغْلِقُ بِهِ كُلَّ بَابٍ بَاطِلٍ يَزُودُ اللَّهُ بِهِ سَبِي الْمُسْلِمِينَ حَيْثُ كَانُوا.

قُلْتُ فَسَمِّ لَنَا هَذَا الْعَبْدَ الَّذِي اخْتَارَهُ اللَّهُ لِأُمَّتِكَ وَذُرِّيَّتِكَ. فَقَالَ اسْمُهُ
كَاسِمِي وَاسْمُ أَبِيهِ كَاسِمِ أَبِي لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَجَعَلَ

اللَّهُ مِقْدَارُ مَا يَكُونُ فِيهِ مَا ذَكَرْتُ^۱.

در آخر الزمان احرار (آزادگان متضاد برده‌ها) خودشان را می‌فروشند و به بندگی مشرکان اقرار می‌کنند [اعم از زن و مرد] و در استخدام آنان درمی‌آیند [و آنها را استعمار می‌کنند]^۱ و آنها را در معرض فروش قرار می‌دهند و خوب و بد هم باکی از این موضوع ندارند.^۲ ای حذیفه، این بلاها همچنان ادامه خواهد داشت تا آنکه روح یأس بر مردم مستولی شود و در مورد فرج دچار سوءظن گردند. در این هنگام، خداوند پاکیزه‌ترین فرزندان مرا مأمور می‌کند که پرچمدار عدالت و پاکیزگی گردد. در سایه قیام او خداوند [تبارک و تعالی] به پیروان دین و قرآن عزت مرحمت می‌فرماید و اهل شرک را ذلیل و خوار می‌سازد. به وسیله او ذره‌ای از حقوق نادیده گرفته نخواهد شد و اساس بدعت و باطل در حکومتش از بین خواهد رفت و باب حق بر همه باز و باب باطل بسته خواهد شد و مسلمانان اسیر در هر کجا که باشند باز می‌گردند.

[حذیفه می‌گوید:] عرض کردم نام این بنده صالح که خداوند برای نجات امت شما معین نموده چیست؟ فرمودند: اسم او اسم من و نام پدرش نام پدر من است و اگر از عمر دنیا حتی یک روز باقی نماند خداوند آن روز را چندان طولانی کند تا آنچه گفتم محقق و واقع شود.



۱. الملاحم والفتن، ص ۱۳۲.

۲. مانند وضع موجود دنیای اسلام که در حال حاضر اکثر کشورهای اسلامی خود را در دامن آمریکا انداخته و تحت پرچم آمریکا جمع شده‌اند.

۳. خودشان را قیّم مردم می‌دانند و در شوون مختلفه زندگی مردم دخالت می‌کنند.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله و خبر از حکومت امام دوازدهم

حذیفه بن یمان از جابر انصاری از رسول اکرم صلی الله علیه وآله چنین

نقل می کند:

إِنَّهُ كَانَ ذَاتِ يَوْمٍ جَالِسًا بَيْنَ أَصْحَابِهِ إِذْ هَبَطَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ السَّلَامُ يَقْرُوكَ السَّلَامُ وَيَخُصُّكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ بِالإِسْلَامِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا أَخِي جِبْرَائِيلُ وَمَا الإِسْلَامُ؟ قَالَ: هِيَ الْخُمْسَةُ الْآنَهْرُ سَيْحُونَ وَجَيْحُونَ وَالْفُرَاتَانِ وَنَيْلُ مِصْرٍ وَقَدْ جُعِلَتْ هَذِهِ الْخُمْسَةُ الْآنَهْرُ لَكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِكَ وَشِيعَتِكَ وَ يَقُولُ وَ عِزَّتِي وَجَلَالِي كُلُّ مَنْ شَرِبَ مِنْهَا قَطْرَةً وَاحِدَةً وَ قَامَ الْخَلَائِقُ لِلْحِسَابِ يَوْمَ الْحِسَابِ لَنْ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ أَحَدًا إِلَّا مَنْ رَضِيَ عَنْهُ وَ جَعَلْتَهُ مِنْ مَائِهَا فِي حِلٍّ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَهَلَّلَ وَجْهُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ يَا أَخِي لِيُوجِهَ رَبِّي الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ فَقَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ أَبَشِّرْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِالقَائِمِ مِنْ وُلْدِكَ لَا يَظْهَرُ حَتَّى يَمْلِكَ الْكُفَّارُ الْخُمْسَةَ الْآنَهْرُ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَنْصُرُ اللَّهُ أَهْلَ بَيْتِكَ عَلَى أَهْلِ الضَّلَالِ وَ لَمْ يَرْفَعْ لَهُمْ رَايَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ فَسَجَدَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ إِلَيْهِ شُكْرًا لِلَّهِ وَ أَخْبَرَ الْمُسْلِمِينَ وَقَالَ لَهُمْ بَدَأَ الإِسْلَامُ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ، فَسُئِلَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ هِيَ الْخُمْسَةُ الْآنَهْرُ الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ هِيَ سَيْحُونَ وَ جَيْحُونَ وَ الْفُرَاتَانِ وَ نَيْلُ مِصْرٍ إِذَا مَلَكَتِ الْكُفَّارُ الْخُمْسَةَ الْآنَهْرُ مَلَكَتِ الإِسْلَامُ شَرْقًا وَ غَرْبًا وَ ذَلِكَ الْوَقْتُ يَنْصُرُ اللَّهُ أَهْلَ بَيْتِي عَلَى أَهْلِ الضَّلَالِ وَ لَمْ يَرْفَعْ لَهُمْ رَايَةً أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ.^۱



روزی اصحاب در خدمت آن حضرت بودند که جبرئیل علیه السلام نازل شد، عرض کرد: «سلام» به شما سلام می‌رساند^۱ و شما را به وسیله اسلام تکریم و تحیت می‌فرستد. پس، آن حضرت فرمودند: برادر جبرئیل، اسلام چیست؟ جبرئیل عرض کرد: آن پنج رودخانه است: (۱) سیحون، (۲) جیحون، (۳ و ۴) فراتان، (۵) نیل مصر^۲، و این پنج رودخانه برای شما و خاندان و شیعیان شما قرار داده شده است و خداوند می‌فرماید: به عزت و جلال خودم سوگند، هر کس که قطره‌ای از این آب بیاشامد، در روزی که خلاق برای حساب جمع خواهند شد، یک نفر از آنها را داخل در بهشت نمی‌کنم مگر اینکه تو از او راضی بوده و آب این نهرها را بر آنان حلال کرده باشی. با شنیدن این خبر رنگ صورت مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله روشنی تازه‌ای یافت و فرمودند: ای برادر جبرئیل، شکر و حمد مخصوص پروردگار من است. آنگاه جبرئیل عرض کرد: یا رسول الله، شما را به فرزندتان قائم بشارت می‌دهم. ایشان ظهور نمی‌کنند مگر اینکه دشمنان خداوند این پنج نهر را تملک کنند. در این هنگام خداوند خاندان شما را بر اهل ضلالت و گمراهی نصرت می‌دهد و دیگر پرچمی از این قوم تا روز قیامت بلند نخواهد شد. پس، رسول اکرم صلی الله علیه و آله خداوند را شکر و ستایش کردند و این بشارت را به مسلمانان دادند و فرمودند: اسلام در ابتدا غریب بود و زود است که به غربت بازگشت می‌کند چنانکه در ابتدا بود. از آن حضرت در مورد پنج رودخانه سؤال شد که منظور چیست؟ فرمودند: همان پنج رودی است که خداوند برای ما اهل بیت قرار داده و عبارت از سیحون و جیحون و فراتان و نیل مصر است و هرگاه کفار مالک این پنج رود شوند اسلام شرق و غرب عالم را مالک می‌شود و در این



۱. یکی از نامهای مقدس خداوند تبارک و تعالی «سلام» است.
 ۲. ممکن است کنایه از شبه جزیره العرب و عراق و آفریقا و ایران باشد.

موقع خداوند اهل بیت مرا یاری می دهد و اهل باطل را از میان می برد و تا روز قیامت پرچمی از آنان دیده نخواهد شد.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله و نص بر امامت دوازده امام

جابر بن سمرة می گوید از پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله شنیدم که فرمودند:

يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ قَالَ فَلِمَا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَتَتْهُ قُرَيْشٌ فَقَالُوا لَهُ ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا قَالَ ثُمَّ يَكُونُ الْهَرَجُ.^۱

پس از من دوازده نفر جانشین خواهند بود که همه آنان از قریش هستند. پس، چون آن حضرت به منزل تشریف بردند قریش خدمت رسیده عرض کردند: بعداً چه خواهد شد؟ حضرت فرمودند: آنگاه بی نظمی (هرج و مرج) فراگیر می شود.

گروهی از پیامبران که عمرهای دراز کردند

وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم درباره انبیای عظام علیهم السلام که دارای عمرهای طولانی بودند چنین فرموده اند:

عَاشَ أَبُو الْبَشْرِ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تِسْعِمِائَةٍ وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَعَاشَ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفِي وَ أَرْبَعِمِائَةٍ وَ خَمْسِينَ سَنَةً وَعَاشَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِائَةً وَ خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ سَنَةً وَعَاشَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِائَةً وَ عِشْرِينَ سَنَةً وَعَاشَ إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِائَةً وَ ثَمَانِينَ سَنَةً وَعَاشَ يَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ مِائَةً وَ

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۰۳.

أَرْبَعُونَ سَنَةً وَعَاشٍ يُوسُفُ بْنُ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِائَةً وَعِشْرِينَ
 سَنَةً وَعَاشٍ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مِائَةً وَسِتَّةَ عِشْرِينَ سَنَةً وَعَاشٍ
 هَارُونَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِائَةً وَثَلَاثَةَ وَثَلَاثُونَ سَنَةً وَعَاشٍ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 مِائَةً سَنَةً مِنْهَا أَرْبَعِينَ سَنَةً فِي مُلْكِهِ وَعَاشٍ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعِينَ وَارْبَعِينَ سَنَةً.^۱

حضرت آدم علیه السلام نهصد و سی سال عمر کرده‌اند. حضرت نوح
 علیه السلام دوهزار و چهارصد و پنجاه سال عمر شریفشان بوده
 است. حضرت ابراهیم علیه السلام صد و هفتاد و پنج سال و حضرت
 اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم علیهما السلام صد و بیست سال
 زندگی کرده‌اند. حضرت اسحاق فرزند حضرت ابراهیم علیهما السلام
 صد و هشتاد سال و حضرت یعقوب فرزند حضرت اسحاق
 علیهما السلام یکصد و چهل سال و حضرت یوسف فرزند حضرت
 یعقوب علیهما السلام یکصد و بیست سال و حضرت موسی علیه السلام
 یکصد و سی و سه سال زندگی کرده‌اند. حضرت داود علیه السلام
 یکصد سال زندگی کرده‌اند که چهل سال از آن ایام سلطنت ایشان
 بوده و دوران حیات و سلطنت حضرت سلیمان بن داود علیهما السلام
 هفتصد و دوازده سال بوده است.

بنابراین و با توجه به اینکه عمرهای طولانی در میان همه طبقات
 از نظر تاریخ و روایات مسلم است، لذا و به طریق اولی موضوع طول عمر
 حضرت بقیة الله فی الارضین روحی له الفداء، یعنی کسی که خداوند قادر متعال
 او را برای به ثمر رساندن زحمات همه انبیاء ذخیره فرموده است، امری
 کاملاً ممکن و عملی است و استبعادی ندارد. اللهم عجل فرجه الشریف.



پیامبر صلی الله علیه وآله و مسأله امامت در زمان بروز فتنه

از وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله به آن حضرت فرمودند:

يَا أَبَا الْحَسَنِ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخَلَ أَهْلَ الضَّلَالِ الْجَنَّةَ وَإِنَّمَا عَنِي
بِهَذَا الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا فِي زَمَنِ الْفِتْنَةِ عَلَى الْإِثْمَامِ بِالْإِمَامِ الْخَفِيِّ
الْمَكَانِ الْمَشْتُورِ عَنِ الْأَعْيَانِ فَهُمْ بِإِمَامَتِهِ مُقَرُّونَ وَبِعُرْوَتِهِ
مُسْتَمْسِكُونَ وَخُرُوجِهِ مُنْتَظَرُونَ مُوقِنُونَ غَيْرُ شَاكِّينَ صَابِرُونَ
مُسَلِّمُونَ وَإِنَّمَا ضَلُّوا عَنْ مَكَانِ إِمَامِهِمْ وَعَنْ مَعْرِفَةِ شَخْصِهِ يَدُلُّ
عَلَى ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا حَجَبَ عَنْ عِبَادِهِ عَيْنَ الشَّمْسِ الَّتِي جَعَلَهَا
دَلِيلًا عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ فَوَسَّعَ عَلَيْهِمْ تَأْخِيرَ الْمَوْقِثِ لِيَتَّبِعِينَ لَهُمُ
الْوَقْتَ بِظُهُورِهَا وَيَسْتَيْقِنُوا أَنَّهَا قَدْ زَالَتْ فَكَذَلِكَ الْمُنْتَظَرُ لِحُرُوجِ
الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُتَمَسِّكُ بِإِمَامَتِهِ مُوسَّعٌ عَلَيْهِ جَمِيعُ فَرَائِضِ اللَّهِ
الْوَاجِبَةِ عَلَيْهِ مَقْبُولَةٌ عَنْهُ بِحُدُودِهَا غَيْرُ خَارِجٍ عَنْ مَعْنَى مَا فُرِضَ
عَلَيْهِ فَهُوَ صَابِرٌ مُحْتَسِبٌ لَا تَضُرُّهُ غَيْبَةُ إِمَامِهِ^۱

ای ابوالحسن، شایسته است که خداوند متعال اهل ضلالت را داخل در بهشت فرماید و منظور از این دسته، افرادی هستند که در زمان فتنه بسر می‌برند و با اینکه امامشان از نظر پنهان است ولی به آن حضرت ایمان دارند و علی‌رغم اینکه جایگاه او را نمی‌دانند و شخص امام هم از دید آنان مخفی است، با این وصف نیز به امامت او اقرار دارند و به ذیل عنایت او متمسک هستند و انتظار ظهورش را می‌کشند و تردیدی در وجود او و موضوع قیام

۱. بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۱۴۴.

وی به خود راه نمی دهند و [در برابر موضوع طول غیبت] بردبار و تسلیم اند و فقط از مکان امامشان و از شناسایی شخص وی بی بهره هستند (او را گم کرده اند). دلیل بر اثبات این مطلب این است که خداوند بزرگ هنگامی که آفتاب را که راهنمای بندگان جهت تعیین اوقات نماز است در پس ابر قرار می دهد، آنان می توانند تا مشخص شدن وقت، نماز را به تأخیر بیندازند. بنابراین، بندگانی که منتظر ظهور امامشان هستند و به دامن امامتش چنگ زده اند، در صورت انجام واجبات برحسب شرایط و حدود آنها با رعایت صبر و حساب دقیق، غیبت امامشان به آنها ضرری نمی رساند.

رسول خدا صلی الله علیه وآله و خبر دادن از قیام موعود

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي تِسْعِ رَايَاتٍ يَعْنِي بِمَكَّةَ.^۱

مردی از خاندان من با داشتن نه پرچم قیام می کند یعنی از مکه معظمه [آری، مرکز قیام آن عزیز، خانه کعبه است].

رسول اکرم صلی الله علیه وآله و سید حسینی

ثوبان رضی الله عنه از حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله نقل می کند که آن سرور فرمودند:

تَجِيءُ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ فَمَنْ سَمِعَ بِهِمْ فَلْيَأْتِهِمْ فَيُبَايِعَهُمْ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ.^۲



پرچمهایی از جانب مشرق افراشته می‌شود [کنایه از خراسان است] که دلهای پرچمداران آن مانند پاره‌های آهن است. پس، هرکس که از این قیام آگاه شود باید به آنان ملحق گردد و با آنها بیعت کند اگرچه روی برف راه برود [اشاره به اهمیت قیام جناب سید حسینی است].

روایتی دیگر در این زمینه

در روایتی دیگر از ثوبان رضی‌الله‌عنه منقول است که پیامبر بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ قَدْ أَقْبَلَتْ مِنْ خُرَاسَانَ فَاتُّوْهَا وَلَوْ حَبْوًا عَلَى
الثلجِ فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ.^۱

هرگاه اهتزاز پرچمهای سیاه از جانب خراسان را دیدید به استقبال آنها بشتابید اگرچه روی برف حرکت کنید [با سر زانو یا سینه‌خیز]، زیرا جانشین خداوند حضرت مهدی علیه‌السلام در آن جمعیت است.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و خبر دادن از فتنه‌های پیش از ظهور

از ابی هریره منقول است که وجود مقدس رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُحْسَرَ الْقُرَاتُ عَنْ جَبَلٍ مِنْ ذَهَبٍ يُقْتَلُ النَّاسُ
عَلَيْهِ فَيُقْتَلُ مِنْ كُلِّ مِائَةٍ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ وَ يَقُولُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ لَعَلِّي

۱. همان، ص ۱۲۰.



أَكُونُ أَنَا الَّذِي أَنْجُو.^۱

قیام ساعت محقق نخواهد شد^۲ مگر اینکه فرات در محاصره یک کوه طلا قرار گیرد و مردم به جهت آن یکدیگر را می کشند چنانکه از یکصد نفر، نود و نه نفر کشته می شوند و هر فرد از آنان می گوید شاید من تنها کسی باشم که نجات یافته ام.^۳

پیامبر صلی الله علیه و آله و خبر دادن از سلطنت جهانی امام دوازدهم

از عبدالله بن عباس روایت شده است که پیامبر بزرگ اسلام صلی الله

علیه و آله فرمودند:

مَلِكِ الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ مُؤْمِنَانٍ وَ كَافِرَانٍ فَالْمُؤْمِنَانِ ذُو الْقَرْنَيْنِ وَ سُلَيْمَانُ
وَ الْكَافِرَانِ نَمْرُودُ وَ بَحْتُ نَصْرٍ وَ سَيَمْلِكُهَا خَامِسٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي.^۴

چهار نفر بر دنیا سلطنت کردند: دو نفر از مؤمنان و دو نفر از کافران. آن دو مؤمن یکی ذوالقرنین و دیگری سلیمان بود و اما دو نفر کافر یکی نمروود و دیگری بخت نصر بوده است و بزودی نفر پنجم که از اهل بیت من است بر جهان سلطنت خواهد کرد.^۵

۱. همان، ص ۲۲۰.

۲. کنایه از قیام حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء است.

۳. ممکن است اشاره به جنگهای خلیج فارس و خاورمیانه بوده و کوه طلا هم اشاره به نفت باشد.

۴. عقد الدرر، ص ۲۲۰.

۵. اشاره به حکومت جهانی حضرت بقیة الله روحی له الفداء است.



رسول خدا صلی الله علیه وآله و معرفی حضرت بقیة الله علیه السلام

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله پرسیدم آیا مهدی از ما آل محمد است یا از غیر ما؟ فرمودند:

بَلْ مِنَّا يُحْتَمُّ بِهِ الدِّينُ كَمَا فَتَحَ بِنَا وَبِهِ يُنْقَذُونَ مِنَ الْفِتَنِ كَمَا نُقَدُّوا مِنَ الشِّرْكِ بِنَا وَبِنَا يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الْفِتْنَةِ كَمَا أَلَّفَ بَيْنَهُمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الشِّرْكِ إِخْوَانًا فِي دِينِهِمْ^۱

از ماست و به وسیله او دین خداوند تمام می شود چنانکه به وسیله ما آغاز شد و در سایه قیام مهدی ما مردم از فتنه ها نجات پیدا می کنند آنچنانکه به وسیله ما از شرک رهایی یافتند و راهنمایی ما آنها را با یکدیگر پیوند داد و بین دلهای آنان ایجاد الفت کرد پس از آنکه در نتیجه شرک به خداوند، در موضوع دین دشمنی و عداوت داشتند.

● خواننده گرامی، از این روایت استفاده می شود که دین خدا با قیام حضرت بقیة الله روحی له الفداء تمام می شود. همچنین، آتش فتنه در سراسر عالم خاموش و برادری به معنای واقعی آن بر جهان حاکم خواهد شد و دلهای مردم با یکدیگر پیوند خواهد داشت.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله و حتمی بودن قیام موعود

از پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه وآله روایت شده است که

فرمودند:

۱. ینابیع المودة، ص ۴۹۱.



لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ إِلَّا سَاعَةً وَاحِدَةً
 لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ أَوْ تِلْكَ السَّاعَةَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ ذُرِّيَّتِي إِسْمُهُ
 كَاسِمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ
 جَوْرًا.^۱

اگر از عمر دنیا یک روز — و در خبر دیگر حتی یک ساعت —
 بیشتر نمانده باشد خداوند آن روز یا آن ساعت را چندان طولانی
 می‌کند تا مردی از فرزندان من که نام او نام من و کنیه او کنیه من
 است قیام کند و زمین را پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد،
 از عدل و داد پر سازد.





امير المؤمنين عليه السلام و حکومت جهانی حضرت مهدی عليه السلام

امير المؤمنين عليه السلام و بشارت قیام حضرت مهدی عليه السلام

از ابی وائل حدیث کرده اند که گفت وجود مقدس حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام به حضرت امام حسین علیه السلام نگاه و نظری نموده،
فرمودند:

إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدُكُمْ كَمَا سَمَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدًا وَ
سَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ يَشْبَهُهُ فِي الْخُلُقِ وَالْخُلُقِ
يَخْرُجُ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنَ النَّاسِ وَ إِمَاتَةٍ لِلْحَقِّ وَ إِظْهَارٍ لِلْجَوْرِ وَاللَّهِ
لَوْ لَمْ يَخْرُجْ لَضْرِبَتْ عُنُقَهُ يَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَوَاتِ وَ سُكَّانِهَا وَ
هُوَ رَجُلٌ أَجَلَى الْجَبِينِ أَقْنَى الْأَنْفِ ضَخْمُ الْبَطْنِ أَزِيلُ الْفَخِذَيْنِ بِفَخِذِهِ
السُّيْمِيُّ شَامَةٌ أَفْلَجُ الثَّنَايَا يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.^۱



۱. غیبت نعمانی، ص ۲۱۵.

این پسر من همان گونه که جدش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله او را «آقا» نامیده است آقای شماس است. و بزودی از فرزندان او مردی قیام خواهد کرد که همنام پیامبر [صلی الله علیه و آله] و از لحاظ خلقت (آفرینش) و اخلاق، همتای آن حضرت است. او وقتی ظهور می کند که مردم از آن بزرگوار در غفلت هستند، حق از بین رفته و باطل رواج داشته باشد. به خدا قسم اگر با قدرت قیام نکند گردنش را می زنند. از قیام او اهل آسمانها خوشحال و شاد می شوند. او مردی است با پیشانی بلند، بینی کشیده، شکم پرگوشت و رانهای فربه و قوی که در ران راست او نشانه ای وجود دارد و دندانهای ثنایای او از یکدیگر باز و فاصله دار است. او جهان را پس از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد از عدالت پر می کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام و فتنه های ظهور

از امام صادق علیه السلام منقول است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه بالای منبر فرمودند:

إِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ فِتْنًا مُظْلِمَةً عَمِيَاءٌ مُنْكَسِفَةٌ لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا النُّومَةُ
 قِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا النُّومَةُ قَالَ الَّذِي يَعْرِفُ النَّاسَ وَلَا
 يَعْرِفُونَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَحُلُّوا مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَكِنَّ
 اللَّهَ سَيُعْطِي خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ
 وَلَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَكِنَّ
 الْحُجَّةَ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ كَمَا كَانَ يُوسُفُ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ هُمْ
 لَهُ مُنْكَرُونَ ثُمَّ تَلَا «يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا



بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ^۱»^۲

در آخرالزمان فتنه‌های بسیار تاریک و ظلمانی جهان را دربر می‌گیرد و جز «نومه» نجات نمی‌یابد. از حضرتش سؤال کردند: «نومه» چیست و کیست؟ فرمودند: آن‌که مردم را می‌شناسد ولی کسی او را نمی‌شناسد.^۳ بدانید که هیچگاه زمین از حجّت خداوند خالی نمی‌ماند ولی بزودی خداوند مردم را به جهت ظلم و جور و اسرافى که می‌کنند، از دیدن حجّت خود محروم می‌سازد. و اگر یک ساعت زمین از وجود حجّت حقّ خالی باشد، هر آینه زمین اهلش را فرو می‌برد، لیکن حجّت خداوند در روی زمین مردم را می‌شناسد ولی مردم او را نمی‌شناسند همان‌گونه که یوسف پیغمبر، مردم را می‌شناخت ولی آنان او را نمی‌شناختند. سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «وای بر این بندگان! هیچ فرستاده‌ای نیامد مگر آنکه مسخره‌اش کردند».

امیرالمؤمنین علیه‌السلام و غیبت حضرت مهدی علیه‌السلام

اصبغ بن نباته می‌گوید:

أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فَوَجَدْتُهُ
مُتَفَكِّرًا يَتَنَكَّرُ فِي الْأَرْضِ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا لِي أَرَاكَ مُتَفَكِّرًا
تَتَنَكَّرُ فِي الْأَرْضِ أُرْغِبْتُ فِيهَا فَقَالَ لَا وَاللَّهِ مَا رَغِبْتُ فِيهَا وَلَا فِي
الدُّنْيَا يَوْمًا قَطُّ وَلَكِنْ فَكَّرْتُ فِي مَوْئُودٍ يَكُونُ فِي ظَهْرِي الْحَادِي

۱. یس / ۳۰.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۴۱.

۳. از لفظ «نومه» معنای دیگری نیز شده است و آن عبارت است از ساکت ماندن در مقابل فتنه‌ها و چیزی اظهار نکردن.

عَشْرَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ يَمَلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا تَكُونُ
لَهُ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ تَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ تَهْدِي فِيهَا آخَرُونَ.
فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ فَقَالَ نَعَمْ كَمَا إِنَّهُ مَخْلُوقٌ وَ أَنِّي
لَكُمْ بِالْعِلْمِ بِهَذَا الْأَمْرِ يَا أَصْبَغُ أَوْلِيكَ خِيَارُ هَذِهِ الْأُمَّةِ مَعَ أَثَرِ هَذِهِ
الْعِثْرَةِ قُلْتُ وَ مَا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ فَإِنَّ لَهُ
إِرَادَاتٌ وَ غَايَاتٌ وَ نَهَايَاتٌ.^۱

خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شدم. ایشان را دیدم که در حال تفکر با سرانگشت به زمین می زدند. عرض کردم: علت تفکر و اندیشه و با انگشت به زمین کوفتن چیست؟ آیا به خلافت تمایل و رغبت نموده اید؟ فرمودند: به خدا نه، نه به خلافت تمایل دارم و نه هرگز به دنیا رغبت داشته ام بلکه درباره مولودی فکر می کنم که از من بوجود می آید. او فرزند یازدهمین من است، نامش مهدی است و زمین را پس از اینکه پر از ظلم و جور شده باشد، از عدل و داد پر می سازد. او را حیرت و غیبتی است که طی آن گروهی گمراه و جمعی هدایت می شوند.

عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، آیا چنین امری خواهد شد؟ فرمودند: آری، او آفریده شده است. ای اصبغ، شما کجا آن را می دانید؟ آنان برگزیدگان این امت اند که با نیکان عترت بسر می برند. عرض کردم: پس از آن چه خواهد شد؟ فرمودند: هرچه خداوند اراده فرماید آن خواهد شد زیرا که او را ارادات و غایات و نهایات خواهد بود.



● خواننده گرامی، در سه کلمه اخیر اشاراتی رفته است که امکان دارد حاکی از این باشد که غیبت و پنهان بودن حضرت بقیة الله روحی له الفداء دارای اسرار و حکمتهایی است که جز ذات پاک خداوند تبارک و تعالی

کس دیگری از آن آگاهی ندارد.

امیرالمؤمنین علیه السلام و غیبت امام عصر روحی له الفداء

از جناب کمیل بن زیاد نخعی روایت شده است که گفت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دست مرا گرفته، از شهر بیرون بردند. چون به بیابان رسیدیم آهی کشیده، فرمودند:

يَا كُمَيْلُ إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاها إِحْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ
لَكَ النَّاسُ ثَلَاثَةٌ عَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَّجٌ رَعَاعٍ أَتْبَاعُ
كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى
رُكْنٍ وَثِيقٍ.

يَا كُمَيْلُ الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَ الْمَالُ
تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَ الْعِلْمُ يَزُكُّو عَلَى الْإِنْفَاقِ. يَا كُمَيْلُ مَحَبَّةُ الْعِلْمِ دَيْنٌ يُدَانُ
بِهِ يَكْسِبُ الْإِنْسَانُ بِهِ الطَّاعَةَ فِي حَيَاتِهِ وَ جَمِيلَ الْأَحْدُوثَةِ بَعْدَ وَفَاتِهِ
وَ مَنَفَعَةَ الْمَالِ تَزُولُ بِزَوَالِهِ.

يَا كُمَيْلُ مَاتَ خُزَانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بِأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ
أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ هَاهُ أَنْ هَاهُنَا — وَ أَشَارَ
بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ — لَعَلَّمَا جَمًّا لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً بَلْ أُصِيبُ لَقْنَا غَيْرَ
مَأْمُونٍ عَلَيْهِ يُسْتَعْمَلُ آلَةُ الدِّينِ فِي الدُّنْيَا وَ يُسْتَظْهَرُ بِحُجَجِ اللَّهِ عَلَى
خَلْقِهِ وَ بِنِعْمَتِهِ عَلَى عِبَادِهِ لِتَتَّخِذَهُ الضُّعْفَاءُ وَ لِيَجَّةً دُونَ وَلِيِّ الْحَقِّ أَوْ
مُنْقَاداً لِحَمَلَةِ الْعِلْمِ لِابْصِيرَةَ لَهُ فِي إِحْيَائِهِ يَنْقَدِحُ الشُّكُّ فِي قَلْبِهِ
عَارِضٌ مِنْ شُبُهَةٍ أَلَا لَإِذَا أَوْ لَإِذَا فَتَنَّهُمُ بِاللَّذَاتِ سَلَسُ الْقِيَادِ
لِلشَّهَوَاتِ أَوْ مَغْرَمًا بِالْجَمْعِ وَ الْإِدْخَارِ لِيَسَا مِنْ رُعَاتِ الدِّينِ فِي شَيْءٍ

أَقْرَبَ شُبُهًا بِهَا لِلْأَنْعَامِ السَّائِمَةِ كَذَلِكَ يَمُوتُ الْعِلْمُ بِمَوْتِ حَامِلِيهِ.
 اللَّهُمَّ لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ ظَاهِرٍ أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ لِئَلَّا
 يَبْطُلَ حُجْبُ اللَّهِ وَلَا يَبْنِيَّاتُهُ وَكَمْ ذَايِنٌ أَوْلِيكَ وَاللَّهُ الْأَقْلُونَ عَدَدًا
 وَالْأَعْظَمُونَ خَطْرًا بِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ حُجْبَهُ حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَانَهُمْ وَ
 يَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقَائِقِ الْأُمُورِ
 فَبَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ وَاسْتَلَانُوا مَا اسْتَوْعَرَ الْمُسْتَرْفُونَ وَانْسُوا بِمَا
 اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانِ أَرْوَاحِهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ
 الْأَعْلَى.

يَا كَمِيلُ أَوْلِيكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالِدُعَاةُ إِلَى دِينِهِ أَهْ أَهْ شَوْقًا إِلَى
 رُؤْيَتِهِمْ وَاسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ.^۱

ای کمیل، دلها به منزله ظرفهای هستند که بهترین آنها دلی است
 که گنجایش بیشتری داشته باشد. آنچه تو را می گویم حفظ کن.
 [ای کمیل،] مردم سه دسته اند:

اول. دانشمندان پرهیزکار و آنان که با علم و عمل هستند.
 دوم. دانشجویانی که در پی تحصیل علم باشند.
 سوم. افرادی که هر جایی هستند، هر سو که باد وزیدن گرفت
 به همان سمت می روند. دسته سوم از نور علم بهره ای نبرده و برای
 خود تکیه گاهی محکم تهیّه نکرده اند.

ای کمیل، دانش از ثروت بهتر است، زیرا دانش نگهبان توست
 درحالی که تو باید از مال نگهداری کنی. با بذل و بخشش، از اصل
 مال کاسته می شود درحالی که هرچه از علم و دانش انفاق گردد
 فزونی گیرد.

ای کمیل، دوست داشتن علم، دینی است که باید بدان پای بند
 بود. انسان به وسیله دانش خدای را اطاعت می کند و سرانجام



سعادت‌مند می‌شود و جاودانگی می‌یابد و مردم از او به نیکی یاد می‌کنند. بنابراین، منفعت علم ماندنی است در حالی که مال و ثروت با از بین رفتن آن، منفعت و سود آن نیز از بین خواهد رفت. ای کمیل، ثروتمندان مرده‌اند اگرچه از نظر ظاهر زنده باشند در حالی که دانشمندان تا جهان هستی وجود دارد باقی و برقرارند. اگرچه بدنهای آنان از نظرها پنهان است [و در قبرها آرمیده‌اند] ولی شخصیت وجودی آنان بر دل‌های مردم حکومت می‌کند و پیوسته زنده‌اند. [ای کمیل،] به درستی که در اینجا — و در این هنگام به سینه مقدس خود اشاره فرمودند — همه دانشها جمع شده است. ای کاش، شاگردانی لایق می‌یافتم و بدانها می‌آموختم؛ افرادی که علم دین را وسیله وصول به دنیا قرار ندهند و از محبت‌های الهی جهت سوار شدن بر گرده بندگان ضعیف خداوند استفاده نکنند و در سایه بهره‌برداری از نعمت‌های خداوند بر بندگانش پیشی نگیرند تا مردم سست‌ایمان آنها را در مقابل ولی حق یار خود بدانند. شاگردی که در مقابل استاد مطیع است ولی بصیرت و هوشی ندارد و به محض آنکه شبهه‌ای پیش آید، خانه دلش را شک فرا می‌گیرد، یا دیگری که در لذات دنیوی است و مهار خویش به دست شهوات سپرده است، یا کسی که حرص در جمع مال دنیا سراپای وجودش را فرا گرفته و پیوسته در صدد جمع مال است، اینان به هیچ وجه صلاحیت فراگیری این علوم را ندارند و همچون چارپایان بیابان به چریدن مشغولند و با مرگ استادان دانش آنها نیز می‌میرد.

بار خدایا، آری، زمین از حجّتی قائم خالی نمی‌ماند، اعمّ از اینکه آن حجّتها ظاهر و آشکار باشند یا ترسناک و پنهان، تا بدین وسیله حجّتهای خداوند و بیّنات او از بین نروند. اگرچه اینان از نظر تعداد اندکند ولی از نظر مقام بالا و بزرگند. خداوند به وسیله آنان حجّتهای خود را حفظ فرماید تا آنها آن حجّتها را به همگان خود بسپارند و در دل افرادی مانند خویش این بذر را



بکارند. دانش آنها را به حقایق امور کشانیده است و روح یقین را بر دلهای خود فرمانروا ساخته‌اند و خوشگذرانیهای این جهان را ناموزون می‌پندارند. اگرچه بدنهای آنان در این دنیا در حرکت است ولی روح آنان در ملکوت اعلی پرواز می‌کند. ای کمیل، این شخصیتها جانشینان خداوند در روی زمین و دعوت‌کننده به سوی دین خدایند. آه، آه [ای کمیل]، چقدر مشتاق دیدار آنان هستم. از خداوند برای خود و شما آمرزش می‌خواهم و [ای کمیل]، اگر می‌خواهی، برگرد.

روایتی دیگر

عبدالرحمن بن جندب از کمیل بن زیاد نخعی روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند:

اللَّهُمَّ بَلِّ لَّا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ مَغْمُورٍ
لِيَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ.

بار خدایا، تو زمین را از حجّت خالی نخواهی گذاشت — ظاهر باشد یا پنهان — تا آنکه حجّت و بیّنات تو از بین نرود.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام و معرفی اوصیای دوازده گانه

از ابی طفیل عامر بن وائله نقل شده است که گفت:

شَهِدْنَا الصَّلَاةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ ثُمَّ اجْتَمَعْنَا إِلَى عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ فَبَايَعْنَاهُ وَ
أَقْنَا أَيَّامًا نَحْتَلِفُ إِلَى الْمَسْجِدِ إِلَيْهِ فَبَيْنَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَهُ يَوْمًا إِذْ
جَاءَهُ يَهُودِيٌّ مِنْ يَهُودِ الْمَدِينَةِ وَهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ مِنْ وُلْدِ هَارُونَ أَخِي
مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حَتَّى وَقَفَ عَلَى عُمَرَ فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ



أَيْكُمْ أَعْلَمُ بِعِلْمِ نَبِيِّكُمْ وَبِكِتَابِ رَبِّكُمْ حَتَّىٰ أَسْأَلَهُ عَمَّا أُرِيدُ قَالَ فَأَشَارَ
عُمَرُ إِلَىٰ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ الْيَهُودِيُّ كَذَلِكَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ فَقَالَ
نَعَمْ، سَلْ عَمَّا تُرِيدُ قَالَ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ ثَلَاثَةٍ وَعَنْ ثَلَاثَةٍ وَعَنْ وَاحِدَةٍ
فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَ لَا تَقُولُ إِنِّي سَأَلْتُكَ عَنْ سَبْعٍ قَالَ لَهُ أَسْأَلُكَ
عَنْ ثَلَاثٍ فَإِنْ أَصَبْتَ فِيهِنَّ سَأَلْتُكَ عَنِ الثَّلَاثِ الْآخِرَةِ فَإِنْ أَصَبْتَ
فِيهِنَّ سَأَلْتُكَ عَنِ الْوَاحِدَةِ وَإِنْ أَخْطَأْتُ فِي الثَّلَاثِ الْأُولَىٰ لَمْ أَسْأَلْكَ
عَنْ شَيْءٍ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَا يُدْرِيكَ إِذَا سَأَلْتَنِي فَأَجَبْتُكَ
أَخْطَأْتُ أَوْ أَصَبْتُ فَقَالَ فَضْرَبَ يَدَهُ إِلَىٰ كُمِّهِ فَأَخْرَجَ كِتَابًا عَتِيقًا فَقَالَ
هَذَا وَرَثَتُهُ عَنْ أَبِي وَأَجْدَادِي إِمْلَأْهُ مُوسَىٰ بْنُ عُمَرَ وَخَطُّ هَارُونَ
وَ فِيهِ هَذِهِ الْخِصَالُ الَّتِي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلْكَ عَنْهَا فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ
عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلِيُّ أَنْ لِي عَلَيْكَ إِنْ أَجَبْتُكَ فِيهِنَّ بِالصَّوَابِ أَنْ تُسَلِّمَ
فَقَالَ الْيَهُودِيُّ وَاللَّهِ لَئِنْ أَجَبْتَنِي فِيهِنَّ لِأُسَلِّمَنَّ السَّاعَةَ عَلَيَّ يَدَيْكَ
فَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَلْ.

قَالَ أَخْبِرْنِي عَنْ أَوَّلِ حَجَرٍ وُضِعَ عَلَيَّ وَجْهِ الْأَرْضِ وَأَخْبِرْنِي عَنْ أَوَّلِ
شَجَرَةٍ نُبِتَتْ عَلَيَّ وَجْهِ الْأَرْضِ وَأَخْبِرْنِي عَنْ أَوَّلِ عَيْنٍ نَبَعَتْ عَلَيَّ
وَجْهِ الْأَرْضِ قَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا يَهُودِيُّ أَمَّا أَوَّلُ حَجَرٍ وُضِعَ
عَلَيَّ وَجْهِ الْأَرْضِ فَإِنَّ الْيَهُودَ يَزْعُمُونَ أَنَّهَا صَخْرَةٌ بَسِيتِ الْمُقَدَّسِ وَ
كَذَّبُوا وَ لَكِنَّهُ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ نَزَلَ بِهِ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُ مِنَ الْجَنَّةِ
فَوَضَعَهُ فِي رُكْنِ الْبَيْتِ وَالنَّاسُ يَتَمَسَّحُونَ بِهِ وَ يَقْبَلُونَهُ وَ يُجَدِّدُونَ
الْعَهْدَ وَالْمِيثَاقَ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ الْيَهُودِيُّ أَشْهَدُ بِاللَّهِ
لَقَدْ صَدَقْتَ قَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّا أَوَّلُ شَجَرَةٍ نَبَتْ عَلَيَّ
وَجْهِ الْأَرْضِ فَإِنَّ الْيَهُودَ يَزْعُمُونَ أَنَّهَا الزَّيْتُونَةُ وَ كَذَّبُوا وَ لَكِنَّهَا نَخْلَةٌ
مِنَ الْعَجْوَةِ نَزَلَ بِهَا آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ بِالْفَحْلِ فَاصِلٌ

النَّخْلَةَ مِنَ الْعَجْوَةِ قَالَ لَهُ الْيَهُودِيُّ أُشْهِدُ بِاللَّهِ لَقَدْ صَدَقْتَ قَالَ لَهُ
عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَا أَوَّلُ عَيْنٍ نَبَعَتْ عَلِيٌّ وَجِهَ الْأَرْضِ الْيَهُودُ
يَزْعُمُونَ أَنَّهَا الْعَيْنُ الَّتِي نَبَعَتْ تَحْتَ صَخْرَةِ بَيْتِ الْمَقْدَسِ وَ كَذَبُوا وَ
لَكِنَّهَا عَيْنُ الْحَيَوَانِ الَّتِي نَسِيَ عِنْدَهَا صَاحِبُ مُوسَى السِّكَّةَ الْمَالِحَةَ
فَلَمَّا أَصَابَهَا مَاءُ الْعَيْنِ عَاشَتْ وَ سَرِبَتْ فَاتَّبَعَهَا مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَ صَاحِبُهُ فَلَقِيَا الْخِضْرَ قَالَ الْيَهُودِيُّ أُشْهِدُ بِاللَّهِ لَقَدْ صَدَقْتَ.

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَلْ عَنِ الثَّلَاثِ الْآخِرِ قَالَ أَخْبَرَنِي هَذِهِ الْأُمَّةُ
كَمْ لَهَا بَعْدَ نَبِيِّهَا مِنْ إِمَامٍ عَدْلٍ وَ أَخْبَرَنِي عَنْ مَنْزِلِ مُحَمَّدٍ آيْنَهُ هُوَ مِنْ
الْجَنَّةِ وَ مَنْ يَسْكُنُ مَعَهُ فِي مَنْزِلِهِ قَالَ لَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا يَهُودِيُّ
يَكُونُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ نَبِيِّهَا اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا عَدْلًا لَا يَضُرُّهُمْ خِلَافُ
مَنْ خَالَفَهُمْ قَالَ لَهُ الْيَهُودِيُّ أُشْهِدُ بِاللَّهِ لَقَدْ صَدَقْتَ قَالَ لَهُ عَلِيٌّ
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَنْزِلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنَ الْجَنَّةِ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ
وَهِيَ وَسَطُ الْجَنَانِ وَ أَقْرَبُهَا مِنْ عَرْشِ الرَّحْمَنِ جَلَّ جَلَالُهُ قَالَ
الْيَهُودِيُّ أُشْهِدُ بِاللَّهِ صَدَقْتَ قَالَ لَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الَّذِينَ
يَسْكُنُونَ مَعَهُ فِي الْجَنَّةِ هُوَ لِأَيِّ الْأُمَّةِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ قَالَ لَهُ الْيَهُودِيُّ
أُشْهِدُ بِاللَّهِ لَقَدْ صَدَقْتَ.

قَالَ لَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَلْ عَنِ الْوَاحِدَةِ قَالَ أَخْبَرَنِي عَنْ وَصِيِّ
مُحَمَّدٍ فِي أَهْلِهِ كَمْ يَعْشُرُ بَعْدَهُ وَ هَلْ يَمُوتُ مَوْتًا أَوْ يُقْتَلُ قَتْلًا قَالَ لَهُ
عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا يَهُودِيُّ يَعْشُرُ بَعْدَهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ تُخْضَبُ هَذِهِ مِنْ
هَذَا وَ أَشَارَ إِلَى لِحْيَتِهِ وَ رَأْسِهِ قَالَ فَوَثَبَ إِلَيْهِ الْيَهُودِيُّ فَقَالَ أُشْهِدُ أَنْ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أُشْهِدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنْكَ وَصِيُّ رَسُولِ اللَّهِ.



پس از اینکه ابوبکر از این عالم گذشت عمر بن خطاب به جای او نشست و ما با او بیعت کرده، در رفت و آمد بودیم. روزی در مسجد نشسته بودیم که ناگهان یکی از یهودیان مدینه که به نظر می‌رسید از فرزندان هارون برادر موسی علیهما السلام است، وارد مسجد شد و روبروی عمر ایستاد و گفت: ای امیر مؤمنان، کدامیک از شما به دانش پیامبران و علم قرآن آگاه هستید تا سوالاتی که دارم بپرسم؟ عمر به علی علیه السلام اشاره کرد. سپس یهودی عرض کرد: ای علی بن ابی طالب، آیا تو چنین هستی؟ [یعنی از همه به علم قرآن و دانش رسول اکرم صلی الله علیه و آله داناتری؟] آن حضرت فرمودند: آری، چنین است و هرچه می‌خواهی بپرس. یهودی عرض کرد: ابتدا سه سؤال و پس از آن سه سؤال دیگر و آنگاه یک سؤال خواهم کرد. حضرت فرمودند: چرا نمی‌گویی از هفت چیز سؤال می‌کنم؟ عرض کرد: ابتدا از سه مطلب سؤال می‌کنم و اگر جواب دادی سه مسأله دیگر را می‌پرسم و اگر پاسخ آن سه سؤال را دادی مطلب آخر را سؤال خواهم کرد. حضرت فرمودند: صحت یا عدم صحت پاسخهایی را که من خواهم داد از کجا می‌دانی؟ عرض کرد: کتابی در اختیار دارم که حضرت موسی بن عمران [علیه السلام] آن را املاء نموده و جناب هارون به خط خود نوشته و این مطالب در آن کتاب است. و کتاب را از جیب خود بیرون آورد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر جواب مسائل را همان‌گونه که هست بگویم مسلمان می‌شوی؟ عرض کرد: به خدا قسم اگر جواب آنها را بگویی فوراً مسلمان خواهم شد. امام فرمودند: آنچه می‌خواهی سؤال کن.

[یهودی] عرض کرد: اولین سنگی که روی زمین قرار گرفت و نخستین درختی که در روی زمین روید و اولین چشمه‌ای که بر زمین جاری شد کدام بوده است؟ حضرت فرمودند: علی رغم اینکه یهود فکر می‌کنند که سنگ بیت المقدس اولین سنگ در

روی زمین بوده است ولی این طور نیست. اولین سنگ حجرا لاسود بوده و حضرت آدم آن را از بهشت آورد و در رکن کعبه نصب کرد و مردم آن را مسح می‌کنند و می‌بوسند و با خدای خود بدین وسیله تجدید عهد و پیمان می‌کنند. یهودی گفت: خدای را گواه می‌گیرم که راست گفتی. حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: و اما اولین درختی که در زمین روید درخت زیتون نیست آنچنانکه یهودیان برخلاف واقع تصور می‌کنند، بلکه درخت خرماي «عجوه» [نوعی خرما] است که حضرت آدم علیه‌السلام از بهشت با جفت آن همراه خود آورد و اصل همه نخلها همان خرماي عجوه است. یهودی [بار دیگر] گفت: خداوند را شاهد می‌گیرم که درست است. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: اما اول چشمه‌ای که در زمین جاری شد، یهودیان فکر می‌کنند که چشمه‌ای است در زیر صخره بیت المقدس، حال آنکه دروغ گفته‌اند و اولین چشمه، چشمه آب زندگانی است و همراه حضرت موسی [علیه‌السلام] ماهی شور را در آنجا فراموش کرد و چون از آب آن چشمه به ماهی رسید زنده شد و حضرت موسی علیه‌السلام با آن همراه و رفیقش به دنبال او رفتند و به حضرت خضر [علیه‌السلام] برخوردند و با وی ملاقات کردند. یهودی گفت خدای را گواه می‌گیرم که راست گفتی.

حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: سه سؤال دیگر را بپرس. عرض کرد: به من خبر ده که در این امت پس از پیامبرشان چند امام عادل خواهد بود، جایگاه حضرت محمد [صلی الله علیه و آله] در کجای بهشت است، و چه کسی همسایه او خواهد بود؟ حضرت فرمودند: ای یهودی، برای این امت پس از پیامبرشان دوازده امام است که همه آنها عادل هستند و مخالفت دشمنان به آنها زیان نمی‌رساند. یهودی عرض کرد: خدا را شاهد می‌گیرم که درست گفتی. حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: و اما منزل و جایگاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله در بهشت عدن است که در وسط

بهشتها قرار دارد و از همه آنها به عرش الهی نزدیکتر است. یهودی گفت: خدای را گواه می‌گیرم که راست فرمودی. حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: اما آنها که در خدمت پیامبر در این منزل هستند، ائمه دوازده گانه‌اند. یهودی عرض کرد: خداوند را شاهد می‌گیرم که راست گفتی.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمودند: آن یک سؤال دیگر را بپرس. عرض کرد: مرا خبر ده که جانشین حضرت محمد [صلی‌الله‌علیه‌وآله] پس از آن حضرت چند سال زنده خواهد بود و آیا به مرگ طبیعی از دنیا می‌رود یا او را می‌کشند؟ حضرت فرمودند: ای یهودی، جانشین پیامبر پس از او سی سال می‌ماند. و اشاره به محاسن مبارکشان فرمودند [یعنی او را می‌کشند و محاسن وی را به خون سرش رنگین می‌کنند]. در این هنگام، یهودی از جای برخاست و گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ وَصِيُّ رَسُولِ اللَّهِ» (شهادت می‌دهم که خدا یکی است و شهادت می‌دهم که محمد فرستاده اوست و تو جانشین آن حضرتی).

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و فراگیر شدن جهانی اسلام

از عبایه بن ربیع نقل شده است که گفت: حضرت امیرالمؤمنین علی — که خداوند چهره او را روشن تر فرماید — در تفسیر آیه مبارکه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ...» که در سه سوره توبه و فتح و صف نازل شده است فرمودند:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بُكْرَةً وَعَشِيًّا.^۱

۱. منابع المودة، ص ۴۲۳.

به آن خدایی که جان من در قبضه قدرت اوست، هیچ قریبه‌ای نیست مگر اینکه صبح و شام صدای «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» از آنجا بلند خواهد بود [یعنی در همه جا صدای مزبور بلند خواهد بود، البته پس از قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام].

امیرالمؤمنین علیه السلام و خبر دادن از قیام حضرت مهدی علیه السلام

ابسی بصیر از حضرت باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شبی پس از نماز عشاء بیرون آمدند و فرمودند:

ذات لَيْلَةٍ بَعْدَ عُنْمَةٍ وَيَقُولُ هَمَّهَةٌ هَمَّهَةٌ وَ لَيْلَةٌ خَرَجَ عَلَيْكُمُ الْإِمَامُ عَلَيْهِ قَمِيصُ آدَمَ وَ فِي يَدِهِ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ وَ عَصَا مُوسَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.^۱
شب تاریکی در پیش است. در این هنگام امام شما ظاهر می‌شود درحالتی که پیراهن حضرت آدم را پوشیده [همان لباسی که از بهشت آمده است] و انگشتر سلیمان را به انگشت و عصای موسی را در دست دارد.

روایتی دیگر

فَأَخْبَرَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَنَّ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ وَ أَنَّ الْمُهْدِيَّ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ أَنَّهُ تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ وَ أَنَّ هَذَا كَمَا أَنَّهُ مَخْلُوقٌ.^۲

۱. اصول کافی، ج ۱ / ص ۴۴۷.

۲. عوالم النصوص علی الائمه الاثنی عشر، ص ۲۸۳.



حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خبر داده‌اند که حضرت قائم علیه السلام از فرزندان آن حضرت است و او مهدی آل محمد می‌باشد که زمین را پس از فراگیر شدن ظلم و جور، پر از عدل و داد می‌کند و نیز اینکه آن حضرت را غیبت طولانی خواهد بود و در نتیجه عده زیادی در حیرت و گمراهی به هلاکت خواهند رسید و پاره‌ای هدایت خواهند شد و این ماجرا حتمی و مسلم است.

امیرالمؤمنین علیه السلام و یاران حضرت مهدی علیه السلام

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

وَيْحاً لِلطَّالِقَانِ فَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِهَا كُنُوزاً لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ
وَلَكِنَّ بِهَا رِجَالٌ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ
أَخِرَ الزَّمَانِ^۱

طالقان دارای موقعیت ویژه‌ای است، زیرا خداوند بزرگ را در آنجا گنجهایی است که از طلا و نقره نیستند بلکه آنها مردانی هستند که خداوند را با معرفت شناخته‌اند و آنان یاران حضرت مهدی [علیه السلام] در آخر الزمان خواهند بود.

امیرالمؤمنین علیه السلام و برنامه‌های حکومت حضرت مهدی

علیه السلام

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که در مورد حضرت مهدی علیه السلام و گشوده شدن کشورها توسط او فرمودند:

۱. عقد الدرر، ص ۱۲۲.



فَبَيَّعْتُ الْمُهْدِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أُمْرَائِهِ بِسَائِرِ الْأَمْصَارِ بِالْعَدْلِ بَيْنَ
النَّاسِ وَتَرَعَى الشَّاةُ وَالذُّبُّ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ وَتَلْعَبُ الصَّبِيَانُ
بِالْحَيَاةِ وَالْعَقَارِبِ لَا يَضُرُّهُمْ شَيْءٌ وَيَذْهَبُ الشَّرُّ وَيَبْقَى الْخَيْرُ وَيَزْرَعُ
الْإِنْسَانُ مُدًّا يَخْرُجُ لَهُ سَبْعُمِائَةَ مُدًّا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «كَمَثَلِ حَبَّةٍ
أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ»^۱
وَيَذْهَبُ الرِّبَا وَالزُّنَا وَشُرْبُ الْخَمْرِ وَالرِّيَاءُ وَتُقْبَلُ النَّاسُ عَلَى
الْعِبَادَةِ وَالْمَشْرُوعِ وَالذِّيَانَةِ وَالصَّلَاةِ فِي الْجَمَاعَاتِ وَتَطُولُ الْأَعْمَارُ وَ
تُؤَدَّى الْأَمَانَةُ وَتُحْمَلُ الْأَشْجَارُ وَتَتَضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ وَتَهْلِكُ
الْأَشْرَارُ وَيبْقَى الْأَخْيَارُ وَلَا يَبْقَى مَنْ يُبْغِضُ أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ.^۲

آن حضرت به نمایندگان خویش در سراسر گیتی دستور می دهد
که عدالت را در جامعه اجرا کنند. در این زمان، گوسفندان و
درندگان در یک مکان و باهم زندگی می کنند. کودکان با مار و
عقربها بازی می کنند و ضرری از طرف این حیوانات بدانان
نمی رسد. در سایه اجرای عدالت، شر به طور کلی از بین می رود و
فقط خیر باقی می ماند. انسان [مثلاً] یک مد گندم می کارد و
هفتصد مد برمی دارد، چنانکه خداوند در این آیه فرموده است:
«همچون دانه ای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد
دانه باشد. خدا پاداش هر که را که خواهد چند برابر می کند». زنا و
ریا از میان برداشته می شود و استعمال مشروبات الکلی و ریا از
میان مردم رخت برمی بندد. مردم به عبادت روی می آورند و از
امور مشروع و مذهبی و نماز جماعت استقبال می کنند، عمرها
طولانی می شود، امانتها به صاحبانش برگردانده می شود، درختان



۱. بقره / ۲۶۱.

۲. عقد الدرر، ص ۱۵۹.

بارورتر و برکات زیاد می گردد، اشرار نابود می شوند و خوبان می مانند و دشمنان اهل بیت سلام الله عليهم اجمعین به هلاکت می رسند.

امیرالمؤمنین علیه السلام و اوصاف حضرت مهدی علیه السلام

جابر جعفی می گوید از حضرت باقر علیه السلام شنیدم که فرمودند:

سَأَلَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَخْبِرْنِي عَنِ الْمَهْدِيِّ مَا اسْمُهُ فَقَالَ أَمَّا اسْمُهُ فَإِنَّ حَبِيبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ عَاهَدَ إِلَيَّ الْآخِرَةَ أَنْ أَخْبِرَ بِهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ قَالَ أَخْبِرْنِي عَنْ صِفَتِهِ قَالَ هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ حَسَنُ الْوَجْهِ حَسَنُ الشَّعْرِ يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكِبَيْهِ وَيَعْلُو نُورٌ وَجْهِهِ سَوَادُ شَعْرِ لِحْيَتِهِ وَرَأْسِهِ بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ^۱

عمر بن خطاب از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کرد که نام حضرت مهدی [علیه السلام] چیست؟ امام فرمودند: دوستم رسول خدا صلی الله علیه وآله به من امر فرموده است که نام وی را به کسی نگویم. سپس عرض کرد: اوصاف وی را بیان کنید. [حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام] فرمودند: او جوانی است که اندامی متوسط دارد، خوش رو و خوش مو است، موهای او بر دو شانه اش ریخته و درخشندگی صورتش موی محاسن و سرش را فرا گرفته است. پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان باد.

در عبارت اخیر به مقام والای حضرت نرجس خاتون شاهزاده معظم و مادر مکرم حضرت بقیة الله روحی له الفداء اشاره شده است.

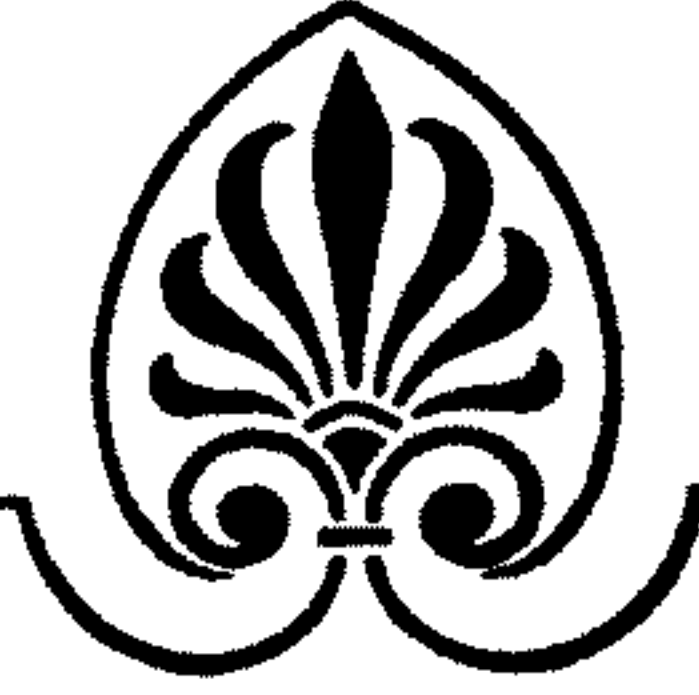


امیرالمؤمنین علیه السلام و معرفی حضرت مهدی علیه السلام

عَنْ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَمْدَانِيِّ وَ جَمَاعَةٍ إِنَّهُمْ كَانُوا عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَكَانَ إِذَا أَقْبَلَ ابْنَهُ الْحَسَنُ يَقُولُ مَرْحَبًا بِابْنِ رَسُولِ اللَّهِ وَ إِذَا أَقْبَلَ الْحُسَيْنَ يَقُولُ يَا أَبَا ابْنِ خَيْرَةِ الْأِمَاءِ فَقِيلَ لَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا بِكَ تَقُولُ هَذَا لِلْحَسَنِ وَ هَذَا لِلْحُسَيْنِ وَ مَنْ ابْنُ خَيْرَةِ الْأِمَاءِ فَقَالَ ذَلِكَ الْفَقِيدُ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ م ح م د بِنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ هَذَا وَ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۱

حارث بن عبدالله همدانی و جمعی دیگر نقل کرده‌اند که در خدمت حضرت امیرالمؤمنین [سلام الله علیه] بودند، هرگاه که امام حسن علیه السلام وارد می‌شدند، حضرت می‌فرمود: مرحبا به فرزند رسول خدا، و هرگاه امام حسین علیه السلام می‌آمدند، می‌فرمود: پدرم قربان تو ای پدر فرزند بهترین کنیزان. از حضرت سؤال شد که چگونه وقت آمدن امام حسن علیه السلام «مَرْحَبًا بِابْنِ رَسُولِ اللَّهِ» می‌فرمایید و وقتی که امام حسین علیه السلام می‌آیند «يَا أَبَا ابْنِ خَيْرَةِ الْأِمَاءِ» می‌گویید؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اوست گمشده طرد شده آواره از وطن. نامش م ح م د فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد فرزند علی فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند ابن حسین است. و دست مبارکشان را روی سر امام حسین علیه السلام قرار دادند.





حضرت فاطمة و زهرا سلام الله عليهما و حكومت جهاني حضرت مهدي عليه السلام

حضرت فاطمة زهرا سلام الله عليها و معرفي دوازده امام

ابونضرة مي گوید:

لَمَّا اخْتَضَرَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَعَا بِابْنِهِ
الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَهَدَ إِلَيْهِ عَهْدًا فَقَالَ لَهُ أَخُوهُ زَيْنُدَبْنُ عَلِيٍّ لَوْ
امْتَثَلْتَ فِي مِثَالِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَرَجَوْتُ أَنْ لَا تَكُونَ
أَتَيْتَ مُنْكَرًا فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ الْأَمَانَاتِ لَيْسَ بِالمِثَالِ وَلَا الْعُهُودَ
بِالرُّسُومِ وَإِنَّمَا هِيَ أُمُورٌ سَابِقَةٌ عَنْ حُجَجِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ دَعَا
بِجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ يَا جَابِرُ حَدِّثْنَا بِمَا عَايَنْتَ فِي الصَّحِيفَةِ فَقَالَ
لَهُ يَا جَابِرُ نَعَمْ يَا أَبَا جَعْفَرٍ دَخَلْتُ عَلَى مَوْلَاتِي فَاطِمَةَ لِأَهْنِيهَا بِمَوْلُودِ
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا بِصَحِيفَةٍ بِيَدِهَا مِنْ دُرَّةٍ بَيْضَاءٍ فَقُلْتُ يَا
سَيِّدَةَ النِّسْوَانِ مَا هَذِهِ الصَّحِيفَةُ الَّتِي أَرَاهَا مَعَكَ قَالَتْ فِيهَا أَسْمَاءُ



الْأَيُّمَةُ مِنْ وُلْدِي فَقُلْتُ لَهَا نَاوِلْنِي لِأَنْظُرَ فِيهَا قَالَتْ يَا جَابِرُ لَوْلَا النَّهْيُ
 لَكُنْتُ أَفْعَلُ لَكِنَّهُ نَهَى أَنْ يَمَسَّهَا إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ أَوْ أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّ
 وَلَكِنَّهُ مَأْذُونٌ لَكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى بَاطِنِهَا مِنْ ظَاهِرِهَا قَالَ جَابِرٌ فَقَرَأْتُ
 فَإِذَا فِيهَا أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى أُمُّهُ أَمِينَةُ بِنْتُ وَهَبٍ،
 أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الْمُرْتَضَى أُمُّهُ فَاطِمَةُ بِنْتُ أَسَدِ هَاشِمِ بْنِ
 عَبْدِ مَنَافٍ، أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَرُّ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ
 عَلِيٍّ التَّقِيُّ أُمُّهُمَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَبُو مُحَمَّدٍ عَلِيُّ
 ابْنُ الْحُسَيْنِ الْعَدْلُ أُمُّهُ شَهْرِبَانُو بِنْتُ يَزْدَجِرْدِ بْنِ شَاهِنْشَاهِ، أَبُو جَعْفَرٍ
 مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ أُمُّهُ أُمُّ عَبْدِ اللَّهِ بِنْتُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ،
 أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ أُمُّهُ أُمُّ فَرْوَةَ بِنْتُ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ
 ابْنِ أَبِي بَكْرٍ، أَبُو إِبْرَاهِيمَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ الثَّقَةُ أُمُّهُ جَارِيَةٌ إِسْمُهَا حَمِيدَةُ،
 أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا أُمُّهُ جَارِيَةٌ إِسْمُهَا نَجْمَةٌ، أَبُو جَعْفَرٍ
 مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الرَّكِيُّ أُمُّهُ جَارِيَةٌ إِسْمُهَا خَيْرَانُ، أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ
 الْأَمِينُ أُمُّهُ جَارِيَةٌ إِسْمُهَا سُوسَنُ، أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الرَّفِيقُ أُمُّهُ
 جَارِيَةٌ إِسْمُهَا سَمَانَةٌ وَتُكْنَى بِأُمِّ الْحَسَنِ، أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ هُوَ
 حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ الْقَائِمُ أُمُّهُ جَارِيَةٌ إِسْمُهَا نَرْجِسُ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.^١

چون حالت احتضار حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرا رسید،
 فرزندش حضرت صادق علیه السلام را فراخواند و میراث امامت به
 او سپرد. برادرش زید بن علی عرض کرد: اگر در مورد من هم
 همان گونه که حضرت امام حسن با امام حسین علیهما السلام رفتار
 نمود، عمل می کردید [یعنی بعد از خودتان مرا به عنوان امام



انتخاب می نمودید [کار بدی نبود. حضرت امام محمدباقر علیه السلام فرمودند: ای ابوالحسن، اداء امانتها به مثل میسر نیست و عهود و سپرده‌ها تعارف نمی پذیرد. اینها اموری است که سابقه دارد به ویژه در مورد حجتهای الهی. سپس حضرت باقر علیه السلام جابر بن عبدالله انصاری را طلبیده، فرمودند: جابر، آنچه را که در صحیفه به چشم خود دیدی، برای ما بیان کن. جابر عرض کرد: جهت عرض تبریک ولادت حضرت امام حسین علیه السلام خدمت بانوی خود حضرت زهراى مرضیه سلام الله علیها شرفیاب شدم. در دست بانوی زنان جهان صحیفه‌ای از درّ سفید دیدم. سؤال کردم: این صحیفه چیست؟ فرمودند: اسامی فرزندان من که امام هستند در این صحیفه نوشته است. عرض کردم: مرحمت بفرمایید من هم ببینم. فرمودند: اگر نهی نشده بود، این صحیفه را می دادم ولی بغیر از پیامبر یا جانشین و اهل بیت او کس دیگری نباید به این صحیفه دست بزند ولی می توانی ببینی. جابر می گوید که آن را خواندم، در آن این گونه نوشته شده بود:

ابوالقاسم محمد بن عبدالله المصطفی مادرش آمنه دختر وهب، ابوالحسن علی بن ابی طالب المرتضی مادرش فاطمه دختر اسد بن هاشم بن عبدمناف، ابو محمد حسن بن علی البرّ، ابو عبدالله حسین بن علی التّقی مادر هر دو فاطمه دختر محمد صلی الله علیه وآله، ابو محمد علی بن حسین العدل مادرش شهربانو دختر یزدجرد بن شاهنشاه، ابو جعفر محمد بن علی الباقر مادرش امّ عبدالله دختر حسن بن علی بن ابی طالب، ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق مادرش امّ فروه دختر قاسم بن محمد بن ابوبکر، ابو ابراهیم موسی بن جعفر الثّقه مادرش کنیزی به نام حمیده، ابوالحسن علی بن موسی الرّضا مادرش کنیزی به نام نجمه، ابو جعفر محمد بن علی الزّکی مادرش کنیزی به نام خیزران، ابوالحسن علی بن محمد الامین مادرش کنیزی به نام سنوسن، ابو محمد حسن بن علی الرّفیق مادرش کنیزی به نام سمانه و

کنیه اش امّ الحسن، ابوالقاسم محمد بن حسن، او حجّت خداوند بر تمام مخلوقات و قائم است و مادرش کنیزی است به نام نرجس صلوات الله عليهم اجمعين.

حضرت زهرا سلام الله عليها و قسمتی از حدیث لوح

ثُمَّ أَكْمَلُ ذَلِكَ بِإِنِّيهِ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِيسَى
وَ صَبْرُ أَيُّوبَ سَتَدَلُّ أَوْلِيَاءِي فِي زَمَانِهِ وَ يُتَهَادُونَ رُؤُسَهُمْ كَمَا تُتَهَادَى
رُؤُسُ التُّرُكِ وَ الدَّيْلَمِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُحْرَقُونَ وَ يَكُونُونَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ
وَ جِلِينَ تُصْبَغُ الأَرْضُ مِنْ دِمَائِهِمْ وَ يَنْشَأُ الوَيْلُ وَ الرِّزْنُ فِي نِسَائِهِمْ
أُولَئِكَ أَوْلِيَاءِي حَقًّا بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءٍ حَنْدِسٍ وَ بِهِمْ أَكْشِفُ
الزُّلْزَالَ وَ أَدْفَعُ الأَصَارَ وَ الأَغْلَالَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ
رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ.^۱

پس از حضرت عسکری امامت را به وسیله فرزندش [محمد بن حسن علیه السلام] کامل می‌کنم. او برای همه عالمیان رحمت است، مظهر کمال موسی [علیه السلام] است، آینه بهاء و شخصیت حضرت عیسی [علیه السلام] است، صبر و بردباری وی چون ایوب [علیه السلام] است.^۲ در ایام غیبت او دوستانم ذلیل و خوار می‌شوند و دشمنان سرهای آنان را می‌برند و به عنوان هدیه می‌برند همان‌گونه که سر ترکها و دیلمیان به رسم هدیه داده می‌شود. آنها [دوستان من] کشته خواهند شد، سوزانده خواهند شد، ترسان و هراسان خواهند بود. زمین از خون آنها رنگین شود و زنان ایشان ناله و

۱. همان، ص ۴۲۸.

۲. البته با این تفاوت که مدت ابتلاء و گرفتاری حضرت ایوب هفت سال و اندی بیش نبود، در حالی که زمان صبر و بردباری حضرت ولی عصر روحی له الفداء بیش از هزار و صد و پنجاه سال است.

فریاد کنند. آنها به راستی دوستان من هستند و به خاطر آنان فتنه‌ها و آشوبها را بر طرف، زلزله را دفع و بارهای سنگین و گران را آسان خواهم کرد. رحمت و درود خداوندی برای آنهاست و آنان هدایت‌شدگانند.

حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و معرفی حضرت بقیة الله روحی له الفداء

از حضرت امام محمدباقر علیه السلام و ایشان از جابر بن عبدالله انصاری نقل فرموده‌اند که جابر گفت:

دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ مَكْتُوبٌ فِيهِ أَسْمَاءُ
الْأَوْصِيَاءِ فَعَدَّتْ اثْنَيْ عَشَرَ آخِرَهُمُ الْقَائِمُ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ آزْبَعَةُ
مِنْهُمْ عَلَى صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ^۱

خدمت حضرت زهرا علیها السلام مشرف شدم، لوحی را در نزد آن حضرت دیدم که اسامی اوصیاء در آن نوشته شده بود. شماره کردم، دیدم دوازده نفرند و آخرین آنها حضرت قائم [علیه السلام] است. اسم سه نفر از آنها محمد و چهار نفرشان علی بود، که درود خداوند بر همه آنان باد.



امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام و حکومت جهانی حضرت مهدی علیہ السلام

خبر دادن امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام
از غیبت حضرت مهدی روحی له الفداء

ابوسعید گوید:

لَمَّا صَاحَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ دَخَلَ
عَلَيْهِ النَّاسُ فَلَامَهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَيْعَتِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيْحَكُمْ مَا
تَدْرُونَ مَا عَمِلْتُ وَاللَّهِ الَّذِي عَمِلْتُ خَيْرٌ لِشِيعَتِي بِمَا طَلَعْتُ عَلَيْهِ
الشَّمْسُ أَوْ غَرَبَتْ أَلَا تَعْلَمُونَ أَنِّي إِمَامُكُمْ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ عَلَيْكُمْ وَ
أَخَذُ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ بِنَصِّ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَيَّ؟ قَالُوا بَلَى قَالُوا أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ الْخِضْرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا
حَرَقَ السَّفِينَةَ وَأَقَامَ الْجِدَارَ وَقَتَلَ الْغُلَامَ كَانَ ذَلِكَ سُخْطًا لِمُوسَى بْنِ
عُمَرََانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ خَفِيَ عَلَيْهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ



تَعَالَى ذِكْرُهُ حِكْمَةٌ وَ صَوَابًا أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَامِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَقَعُ فِي عُنُقِهِ
بَيْعَةٌ لِبِطَاعِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يُصَلِّي رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ
خَلْفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخْفِي وِلَادَتَهُ وَيُغَيِّبُ شَخْصَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ
فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ ذَلِكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ بْنِ سَيِّدَةِ
النِّسَاءِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورَةِ شَابٍّ
دُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَ ذَلِكَ يُعْلِمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

چون حضرت امام حسن علیهما السلام با معاویه بن ابی سفیان [لعنة الله عليه] صلح کردند مردم خدمت آن حضرت رسیدند و برخی به حضرت اعتراض کردند که چرا با معاویه از در صلح درآمدند؟ آن حضرت در جواب آنها فرمودند: وای بر شما، شما نمی دانید من چه کردم. به خدا قسم کاری که من برای شیعیانم کردم از آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب کند بهتر است. آیا نمی دانید که من امام واجب الطاعة شما هستم [یعنی اطاعت امر من بر شما واجب و مخالفت با من بر شما حرام است]، و نیز به تصریح رسول اکرم صلی الله علیه و آله من یکی از دو سید و سرور جوانان اهل بهشتم؟ عرض کردند: آری، همین طور است. فرمودند: آیا نمی دانید که حضرت خضر علیه السلام هنگامی که کشتی را سوراخ کرد و دیوار را تعمیر کرد و برپا داشت و بچه ای را کشت، مورد خشم حضرت موسی بن عمران علیه السلام قرار گرفت، چه آنکه حضرت موسی حکمت این امور را نمی دانست در حالی که این کارها در نزد خداوند حکمتی داشت و صحیح و صواب بود؟ آیا نمی دانید که هیچ یک از ما امامان نیست مگر اینکه بیعتی از طاغوت زمان خودش را به گردن دارد بجز قائم ما اهل بیت که عیسی بن مریم [علیه السلام] پشت سر او نماز می خواند و خدای بزرگ ولادت او را بر مردم پنهان و شخص او را از نظرها غایب



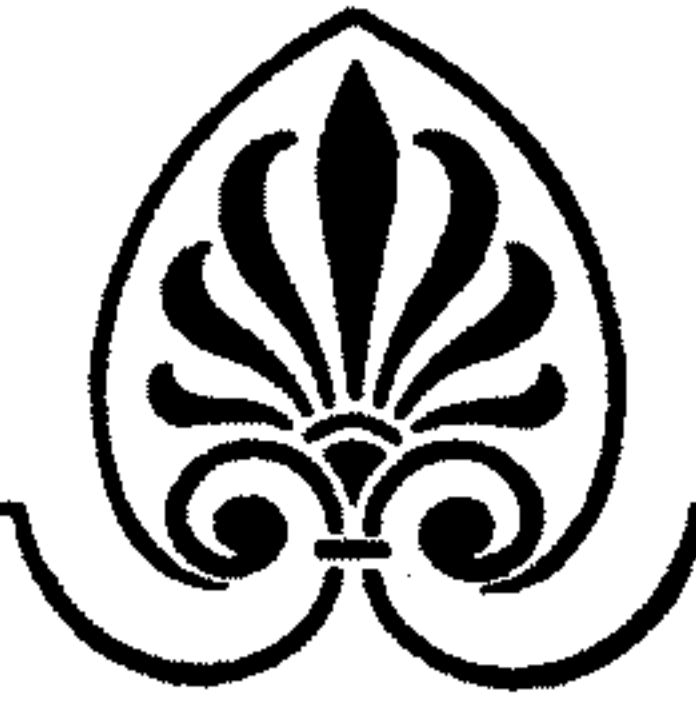
نموده تا وقتی که ظهور می کند بیعت احدی از سرکشان به گردن او نباشد؟ او فرزند نهمین برادرم حسین زاده سیده زنان جهان است. خداوند در طول غیبت، عمرش را طولانی و با قدرت بی نهایت خود او را ظاهر می سازد و او در آن زمان به نظر مردم کمتر از چهل ساله می نماید و این بدان جهت است که دانسته شود خدای تعالی بر هر چیز قادر و تواناست.

همان گونه که خوانندگان گرامی توجه می فرمایند، وجود مقدس حضرت امام حسن مجتبی سلام الله علیه طی این حدیث شریف به چند اصل اشاره فرموده اند:

۱. صلح با معاویه لعنة الله عليه به فرمان خداوند متعال انجام شده و کسی حق اعتراض ندارد.

۲. غیبت حضرت مهدی روحی له الفداء حکمتهایی دارد که از نظر ما پنهان است.

۳. هنگام ظهور حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آید و پشت سر آن حضرت نماز می خواند.



امام حسین علیه السلام و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

امام حسین علیه السلام و خبر دادن از قیام مهدی علیه السلام

از عبدالله بن عمر نقل شده است که گفت از حسین بن علی
علیهما السلام شنیدم که فرمودند:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ
رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا كَذَلِكَ
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ۱

اگر از عمر دنیا حتی یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را
چندان طولانی می‌سازد تا اینکه مردی از فرزندان من قیام کند و
جهان را پس از فراگیری ظلم و جور، پر از عدل و داد نماید و من
این مطلب را از جدّم رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم.



امام حسین علیه السلام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام

از شعیب بن ابی حمزه نقل شده است که گفت:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ لَا فَقُلْتُ فَوَلَدُكَ؟ قَالَ لَا فَقُلْتُ فَمَنْ هُوَ؟ قَالَ الَّذِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلَيْتُ جَوْرًا عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الْأَيِّمَةِ يَأْتِي كَمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بُعِثَ عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ.^۱

خدمت حضرت امام حسین علیه السلام شرفیاب شده، عرض کردم: آیا صاحب این امر (امر قیام) شما هستید؟ فرمودند: خیر. عرض کردم: فرزند شما صاحب امر است؟ فرمودند: نه. عرض کردم: فرزند فرزند شما صاحب امر است؟ فرمودند: خیر. عرض کردم: پس صاحب این امر کیست؟ فرمودند: آن کسی که دنیا را پس از فراگیری جور و ظلم، پُر از عدل و داد خواهد کرد پس از گذشت زمان و فترت و فاصله‌ای که از ائمه [علیهم السلام] واقع می‌شود، خواهد آمد همان‌گونه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از گذشت سالیان دراز که از آمدن حضرت عیسی علیه السلام گذشته بود، برانگیخته و تشریف فرما شدند.

امام حسین علیه السلام و خبر دادن از غیبت

از عبدالرحمن بن سلیط روایت است که گفت حضرت امام حسین

علیه السلام فرمودند:



مِنَّا اثْنِي عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْ هُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمْ
التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللَّهُ الْأَرْضَ بَعْدَ
مَوْتِهَا وَ يَظْهَرُ بِهِ الدِّينُ وَ يُحَقِّقُ الْحَقَّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ
الْمُشْرِكُونَ لَهُ غَيْبَةً يَزِيدُ فِيهَا قَوْمٌ وَ يَثْبُتُ فِيهَا آخَرُونَ فَيُؤَدُّونَ يُقَالُ
لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَا إِنْ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى
الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ.^۱

ما خاندان رسالت دارای دوازده مهدی هستید که اول آنها امیرالمؤمنین علیه السلام است و آخرین آنها نهمین فرزند من، و او امام قائم به حق است که خداوند در سایه قیامت زمین را پس از مردن آن زنده می کند^۲ و دین مقدس اسلام را آشکار می سازد و بر همه ادیان پیروز می گردد^۳ اگرچه دشمنان خدا از این موفقیت نگران باشند. برای آن حضرت غیبتی بس طولانی است و جمعی از اهل ایمان از دین خارج می شوند و گروهی استقامت می ورزند و اگرچه از سوی دشمنان آزار می بینند ولی صبر می کنند. دشمنان به آنان می گویند پس این وعده ها چه زمانی عملی خواهد شد؟ آگاه باشید! کسانی که در برابر آزارهایی که در زمان غیبت او به آنان می رسد صبر پیشه سازند همچون کسانی هستند که در رکاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله با شمشیر جهاد کنند.

آری، این است نتیجه صبر و استقامت در زمان غیبت.

۱. کمال الدین، ج ۱ / ص ۴۳۴.

۲. کنایه از گرفتاریهای فوق العاده اهل زمین است مانند جنگها، قحطی ها، فسادهای اخلاقی و مانند اینها که در حکم مرگ برای مردم است.

۳. البته، از نظر دلیل و منطق، قرآن و مکتب اهل بیت در حال حاضر هم بر تمام ادیان پیروز است.



حضرت سجاد علیه السلام و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

حضرت سجاد علیه السلام و غیبت حضرت مهدی علیه السلام

محمد بن قیس به نقل از ثابت ثمالی از علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام (حضرت امام زین العابدین علیه السلام) روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

فینا أنزلت هذه الآية «و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله»^۱ و فینا أنزلت هذه الآية «و جعلها كلمة باقية في عقبه»^۲ و الإمامة في عقب الحسين عليه السلام إلى يوم القيمة و إن للقاء منا غيبتين أحدهما أطول من الآخر أما الأولى فستة أيام أو ستة أشهر أو ستة سنين و أما الآخر فيتطول أمدها حتى يرجع عن هذا الأمر أكثر



۱. انفال/۷۵، احزاب/۶.

۲. زخرف/۲۸.

مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَلَمْ
يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَاهُ وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.^۱

آیه «أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» در مورد ما نازل شده است. همچنین آیه «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ» نیز در مورد ماست و امامت تا روز قیامت در نسل و دودمان حسین علیه السلام قرار داده شده است. قائم ما دو غیبت خواهد داشت که یکی از دیگری طولانی تر است. غیبت اول شش روز یا شش ماه یا شش سال خواهد بود. اما غیبت دیگر وی چندان طول خواهد کشید که اکثریت کسانی که معتقد بوده اند، برمی گردند. فقط کسانی که دارای ایمان و یقین قوی و شناخت صحیح و اطمینان درونی بوده و نسبت به ما اهل بیت تسلیم باشند، در این امر ثابت قدم خواهند بود.

امام سجّاد علیه السلام و نشانه های حضرت مهدی علیه السلام

از حضرت سید السّاجدین امام زین العابدین علیه السلام منقول است که

فرمودند:

فِي الْقَائِمِ مِنَّا سُنَّةٌ مِنْ سَبْعَةِ أَنْبِيَاءِ سُنَّةٌ مِنْ آدَمَ آيِنَا وَ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سُنَّةٌ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَىٰ وَ سُنَّةٌ مِنْ عِيسَىٰ وَ
سُنَّةٌ مِنْ أَيُّوبَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ فَأَمَّا مِنْ
آدَمَ وَ نُوحٍ فَطُولُ الْعُمُرِ وَ أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخِفَاءُ الْوِلَادَةِ وَ اغْتِرَالُ
النَّاسِ وَ أَمَّا مِنْ مُوسَىٰ فَالْخَوْفُ وَ الْعَيْبَةُ وَ أَمَّا مِنْ عِيسَىٰ فَاخْتِلَافُ
النَّاسِ فِيهِ وَ أَمَّا مِنْ أَيُّوبَ فَالْفَرَجُ بَعْدَ الْبَلْوَىٰ وَ أَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى

۱. کمال الدین، ج ۱ / ص ۴۴۰.

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَالْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ.^۱

در قائم ما هفت سنت از هفت پیامبر یعنی آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب و حضرت محمد صلوات الله عليهم اجمعین جمع است. اما سنتهایی که به ایشان رسیده از این قرار است: از آدم و نوح طول عمر، از ابراهیم پنهان بودن ولادت و دوری از مردم، از موسی ترس و غیبت از اجتماع، از عیسی اختلاف نظر و افکار مردم درباره آن حضرت، از ایوب فرج پس از ابتلاء و سختی‌ها، و اما سنت و نشانه‌ای که از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله دارد، قیام به شمشیر است.

نقش ائمه هدی عليهم السلام در تثبیت دین و عقاید مردم

حضرت امام زین العابدین علیه السلام می فرمایند:

إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ وَالْأَرَءِ الْبَاطِلَةِ وَالْمَقَائِسِ
الْفَاسِدَةِ وَلَا يُصَابُ إِلَّا بِالتَّسْلِيمِ فَمَنْ سَلَّمَ لَنَا سَلِمَ وَمَنْ اقْتَدَى بِسُنَا
هَدَى وَمَنْ كَانَ يَعْمَلُ بِالْقِيَاسِ وَالرَّأْيِ هَلَكَ وَمَنْ وَجَدَ فِي نَفْسِهِ شَيْئًا
يَمَّا نَقُولُ بِهِ أَوْ نَقُضِي بِهِ حَرَجًا كَفَرَ بِالَّذِي أَنْزَلَ السَّبْعَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ
الْعَظِيمَ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ.^۱

با عقلهای ناقص و آراء باطل و معیارهای فاسد نمی توان به دین خدا دست یافت. رسیدن به دین خدا جز با تسلیم بودن میسر نخواهد شد. پس، هرکس که در مقابل ما تسلیم باشد سالم خواهد بود، هرکس که به ما اقتدا کند هدایت یابد، هرکس که به قیاس و رأی عمل کند هلاک شود و هرکس که نسبت به بیانات و احکام ما



۱. همان، ص ۴۳۸.

۲. همان، ص ۴۴۰.

دچار تردید و حرج باشد نا آگاهانه به خداوندی که قرآن عظیم را فرستاده کافر شده است.

حضرت سجّاد علیه السلام و خبر دادن از قیام قائم علیه السلام

از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت شده است که هنگام ورود به مسجد جامع کوفه و خواندن نماز در آنجا خطاب به نجف اشرف فرمودند:

هِيَ يَا نَجْفُ ثُمَّ بَكِي وَ قَالَ يَا هَا مِنْ طَائِمَةٍ فَسُئِلَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ إِذَا
مَلَأَ نَجَّتَكُمْ السَّيْلُ وَالْمَطَرُ وَظَهَرَتِ النَّارُ بِالْحِجَازِ فِي الْأَخْجَارِ وَالْمَدَرِ وَ
مُلِكْتُ بَغْدَادُ فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ.^۱

ای نجف، این است، این است. ^۱ سپس گریه کردند. از حضرتش علت گریه و تأثر سؤال شد، در پاسخ فرمودند: هرگاه دیدید سیل و باران نجف را فراگرفت و در میان سنگها و کوههای حجاز آتش درگرفت و ظاهر گردید و بغداد را تصاحب نمودند، آنگاه منتظر قیام قائم باشید.

روایتی دیگر

از حضرت سجّاد علیه السلام روایت است که فرمودند:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا ذَهَبَ اللَّهُ عَنْ شَيْعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ
الْحَدِيدِ.^۳

۱. الملاحم والفتن، ص ۱۹۷.

۲. این جمله معمولاً هنگام تعجب اداء می شود و بدین معنی است که گویا این همان چیزی است که گوینده قبلاً دیده یا شنیده است.

۳. اثبات الهداة، ج ۷ / ص ۱۱۸.

آنگاه که قائم ما قیام کند خداوند [تبارک و تعالی] آفت را از شیعیان ما دور و دلهای آنان را چون تکه آهن [سخت و محکم] می‌سازد.

امام چهارم و ثواب زمان غیبت

از حضرت سید الساجدین علیه‌السلام نقل است که فرمودند:

مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ.^۱

به آنان که در زمان غیبت قائم ما در دوستی ما ثابت و پابرجا بمانند خداوند پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد عنایت خواهد فرمود.

امام چهارم و مخفی بودن ولادت حضرت مهدی علیه‌السلام

امام چهارم حضرت زین العابدین علیه‌السلام فرمودند:

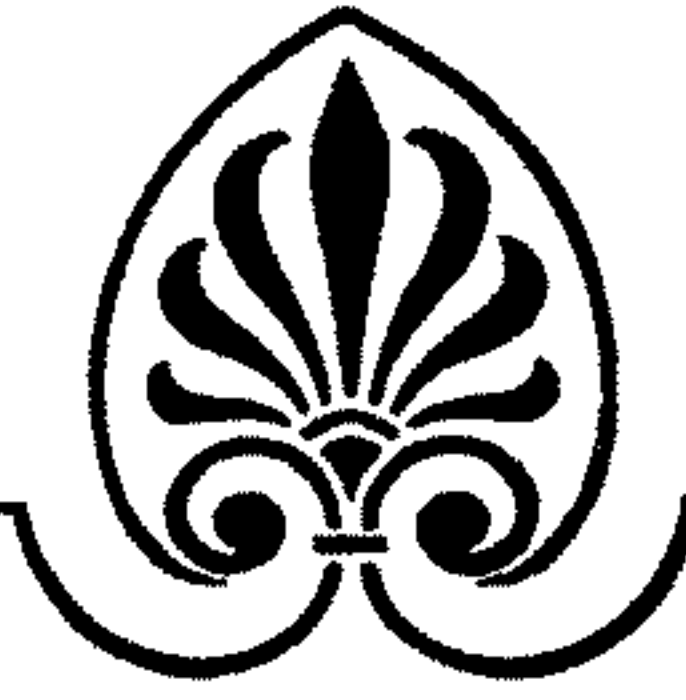
الْقَائِمُ مِنَّا تَخْفَى وِلَادَتُهُ عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَقُولُوا لَمْ يُوَلَدْ بَعْدَ لِيَخْرُجَ حِينَ يَخْرُجُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ.^۲

ولادت قائم ما بر مردم مخفی و پنهان خواهد بود و برخی گویند هنوز از مادر زاده نشده است تا اینکه قیام می‌کند و در آن هنگام هیچ بیعتی از ستمگران به گردن او نیست.



۱. کمال‌الدین، ج ۱ / ص ۳۲۳.

۲. همان، ص ۳۲۳.



حضرت باقر علیه السلام و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

حضرت باقر علیه السلام و خبر قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

امام باقر علیه السلام به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند:

وَالْقَائِمُ يَا جَابِرُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ يُصْلِحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ فَمَا
أَشْكَلَ النَّاسَ يَا جَابِرُ مِنْ ذَلِكَ فَلَا يُشْكِلَنَّ عَلَيْهِمْ وَلَا دَتُّهُ مِنْ رَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَرِاثَتُهُ عَالِمًا بَعْدَ عَالِمٍ^۱

ای جابر، قائم علیه السلام مردی است از فرزندان امام حسین
علیه السلام. خداوند [تبارک و تعالی] امر او را در یک شب [ناگهانی
و سریع] اصلاح می کند. مردم چه می گویند؟ خبر ولادت و وراثت
او از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه پس از آن حضرت یکی پس
از دیگری رسیده و روشن است.



روایتی دیگر

از حضرت باقر علیه السلام حدیث شده است که فرمودند:

وَيُحِبُّ هَؤُلَاءِ الْمُرْجِيَّةَ إِلَى مَنْ يَلْجُونَ غَدًا إِذَا قَامَ قَائِمًا إِلَى أَنْ قَالَ ثُمَّ قَالَ
يَذُبُّهُمْ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ كَمَا يَذْبَحُ الْقَصَابُ شَاتَهُ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى
حَلْقِهِ^۱.

وای بر این مُرَجَّئَه^۲! آنگاه که قائم ما قیام کند به چه کسی پناه خواهند برد؟ تا آنجا که فرمودند: به خدایی که جانم در قبضه قدرت اوست مانند قصاب که گوسفندان را سر می‌برد، آنان را می‌کشد. و اشاره به گلوی مبارک فرمودند.

امام پنجم و خبر دادن از برنامه‌های حکومت حضرت قائم علیه السلام

ابوبصیر در حدیثی طولانی از حضرت امام محمد باقر سلام الله علیه روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ
وَلَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَهُ شَرَفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَجَعَلَهَا جَمَاءَ وَ
وَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ وَكَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ فِي الطَّرِيقِ وَأَبْطَلَ الْكَنْفَ
وَالْمَأْزِبَ إِلَى الطَّرِيقَاتِ وَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أَزَاهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا
وَيَفْتَحُ قُسْطَنْطِينِيَّةَ وَالصِّينَ وَجِبَالَ الدَّيْلَمِ^۳.

۱. همان، ص ۸۴.

۲. مرَجَّئَه گروهی هستند که معتقدند چنانچه افراد ایمان داشته باشند هیچ گناهی به آنان زیان نمی‌رساند.

۳. ارشاد مفید، ص ۳۶۰.



مهدی ما به کوفه می آید و در آنجا چهار مسجد را خراب می کند و نیز کلیه مساجدی را که کنگره دار است خراب می نماید، خیابانها را توسعه می دهد (شاهراهها را وسعت می دهد)، سر در خانه ها و ناودانهای را که در کوچه هاست برمی دارد، بدعتها را از بین می برد و تمام سنتهایی را که در گذشته متروک شده بود زنده و برپا می دارد، قسطنطنیه [استانبول فعلی] و کوههای دیلم [منطقه جبال البرز] را فتح می کند و کشور چین را مسخر می سازد.

امام پنجم و معرفی ائمه دوازده گانه از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله

از جابر جعفی منقول است که به امام محمد باقر علیه السلام گفت:

يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ قَوْمًا يَقُولُونَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي عَقِبِ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ يَا جَابِرُ إِنَّ الْأَئِمَّةَ هُمُ الَّذِينَ نَصَّ عَلَيْهِمُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِإِمَامَتِهِمْ وَهُمْ اثْنُ عَشَرَ وَقَالَ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَجَدْتُ أَسْمَاءَهُمْ مَكْتُوبَةً عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ بِالنُّورِ اثْنَيْ عَشَرَ اسْمًا أَوْ هُمْ عَلِيُّ وَسِبْطَاهُ وَ عَلِيُّ وَ مُحَمَّدٌ وَ جَعْفَرٌ وَ مُوسَى وَ عَلِيُّ وَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ مُحَمَّدٌ وَ الْقَائِمُ الْحُجَّةُ الْمُهْدِيُّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.^۱

ای فرزند رسول خدا [صلی الله علیه و آله]، برخی از مردم می گویند خداوند امامت را در نسل امام حسن [علیه السلام] قرار داده است. فرمودند: ای جابر، ائمه همانهایی هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله به اسامی آنها تصریح کرده است و آنان دوازده نفرند و آن حضرت فرمودند که در شب معراج دیدم اسامی این دوازده نفر با نور به ساق عرش نوشته شده است، اولین آنها علی و دو فرزندش



[حسن و حسین] و سپس علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد القائم الحجة المهدی علیهم السلام بودند.

حضرت باقر علیه السلام و لزوم وجود امام در زمین

از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

وَاللَّهِ مَا تَرَكَ الْأَرْضُ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ أَدَمَ^{ال} وَ فِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَلَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ.^۱

سوگند به خدا از روزی که آدم وفات نمود، هرگز کره زمین از حجت و نماینده الهی که مردم را به سوی خدا هدایت کند خالی نبوده است و اصولاً زمین نمی تواند بدون حجت خداوند باقی بماند.

یعنی بقا و ادامه حیات کره زمین در سایه وجود حجت خداوند تبارک و تعالی میسر است و بس.

حضرت باقر علیه السلام و قیام حضرت مهدی علیه السلام

حکم بن ابی نعیم می گوید:

أَتَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ بِالْمَدِينَةِ فَقُلْتُ لَهُ عَلَى نَذْرٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ إِنْ أَنَا لَا قَيْتُكَ أَنْ لَا أَخْرُجَ مِنَ الْمَدِينَةِ حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّكَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ أَمْ لَا فَلَمْ يُجِبْنِي بِشَيْءٍ فَأَقَمْتُ ثَلَاثِينَ يَوْمًا ثُمَّ اسْتَقْبَلَنِي فِي طَرِيقِ



فَقَالَ يَا حَكَمُ وَإِنَّكَ لَهِيئُنَا بَعْدُ فَقُلْتُ نَعَمْ إِنِّي أَخْبَرْتُكَ بِمَا جَعَلْتُ لِلَّهِ
عَلَى فَلَمْ تَأْمُرْنِي وَ لَمْ تَنْهَيْنِي عَنْ شَيْءٍ وَلَمْ يُجِبْنِي بِشَيْءٍ فَقَالَ بَكَرَ عَلِيٌّ
عَدْوَةً الْمُنْزِلَ فَعَدَوْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَلْ عَنْ حَاجَتِكَ فَقَالَ
إِنِّي جَعَلْتُ لِلَّهِ عَلِيٌّ نَذْرًا أَوْ صِيَامًا وَ صِدْقَةً بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ إِنْ أَنَا
لَقَيْتُكَ أَنْ لَا أَخْرُجَ مِنَ الْمَدِينَةِ حَتَّى أَغْلَمَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ أَمْ لَا فَإِنْ كُنْتُ
رَابِطُوكَ وَإِنْ لَمْ تَكُنْ أَنْتَ سِرْتُ فِي الْأَرْضِ فَطَلَبْتُ الْمَعَاشَ فَقَالَ يَا
حَكَمُ كُلُّنَا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ قُلْتُ فَأَنْتَ الْمُهْدِيُّ؟ قَالَ كُلُّنَا نَهْدَى إِلَى اللَّهِ
قُلْتُ فَأَنْتَ صَاحِبُ السَّيْفِ؟ قَالَ كُلُّنَا صَاحِبٌ وَ وَاثِرُ السَّيْفِ قُلْتُ
فَأَنْتَ الَّذِي تَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ يُعَزِّبُكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ وَ يَظْهَرُ بِكَ دِينَ اللَّهِ
فَقَالَ يَا حَكَمُ كَيْفَ أَكُونُ أَنَا وَقَدْ بَلَغْتُ خَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ (سَنَةً) وَإِنَّ
صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ أَقْرَبُ عَهْدًا بِاللَّبَنِ مِنِّي وَ أَخَفُّ عَلَى ظَهْرِ الدَّابَّةِ ١

در مدینه خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و عرض کردم در بین
رکن و مقام نذر کرده‌ام که چنانچه خدمت شما برسم از مدینه
بیرون نروم مگر اینکه بدانم آیا قائم آل محمد شما هستید یا خیر.
حضرت پاسخی ندادند. یک ماه دیگر در مدینه ماندم تا اینکه
یک روز در خیابان با حضرتش برخورد نمودم، فرمودند: حکم،
تو هنوز اینجا هستی. عرض کردم: آری، خدمتتان عرضه داشتم
که به جهت نذری که کرده‌ام باید بمانم و شما چیزی نفرمودید که
به آن وظیفه عمل کنم. حضرت فرمودند: فردا به منزل ما بیا.
فردای آن روز شرفیاب شدم. حضرت فرمودند: از آنچه
می‌خواستی سؤال کنی، پیرس. گفتم: بین رکن و مقام نذر کرده‌ام
که روزه بدارم و صدقه بدهم که در صورت ملاقات با شما از
مدینه خارج نشوم مگر اینکه بدانم آیا شما قائم آل محمد هستید
یا خیر؟ پس، اگر شما همان قائم هستید در خدمت باشم و در غیر

این صورت پی کاری بروم. حضرت فرمودند: ای حکم، همگی ما [ائمه عليهم السلام] قائم به امر خداوند هستیم. عرض کردم: آیا شما مهدی هستید؟ فرمودند: همگی ما مردم را به سوی خداوند هدایت می‌کنیم. عرض کردم: آیا شما صاحب شمشیر هستید؟ فرمودند: همه ما صاحب و وارث شمشیر هستیم. عرض کردم: آیا شما آن کسی هستید که دشمنان خداوند را خواهد کشت و دوستان خداوند را عزت خواهد داد و دین خداوند را ظاهر خواهد ساخت؟ فرمودند: ای حکم، من چگونه آن شخص هستم در حالی که چهل و پنج سال از عمرم می‌گذرد و صاحب این امر به شیر نزدیک تر و در سوار شدن بر اسب، سبکبارتر است.

این عبارت اخیر ممکن است اشاره به جوانی حضرت بقیة الله علیه السلام و نیرومندی آن حضرت در اوایل ظهور و قیام باشد.

حضرت باقر علیه السلام و غیبت حضرت مهدی علیه السلام

به روایت ابوبصیر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

فِي الْقَائِمِ شَبَهُ مِنْ يُوسُفَ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الْحَيْرَةُ وَالْغَيْبَةُ.^۱

از یوسف پیغمبر در قائم ما شباهتی هست. ابوبصیر گوید: عرض کردم آن شباهت چیست؟ فرمودند: [دو چیز است:] حیرت و غیبت.

سرگردانی و حیرت از اینکه حضرتش در کجا هستند و غیبت ایشان برای چیست و تا چه زمانی ادامه خواهد داشت.



حضرت باقر علیه السلام و پرچم پیامبر صلی الله علیه وآله

ابو حمزة ثمالی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

يَا ثَابِتُ كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ نَجْفِكُمْ هَذَا وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ فَإِذَا أَشْرَفَ عَلَيَّ نَجْفِكُمْ نَشَرَ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِذَا نَشَرَهَا انْحَطَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةٌ يَوْمَ بَدْرٍ قُلْتُ وَمَا رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عَمُودُهَا مِنْ عُمُدِ عَرْشِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ وَسَائِرُهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ لَا يَهْوِي إِلَى شَيْءٍ إِلَّا أَهْلَكَهُ اللَّهُ قُلْتُ فَخُبْرَةٌ عِنْدَكُمْ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَجِدُهَا أَمْ يُؤْتِي بِهَا قَالَ لَا بَلْ يُؤْتِي بِهَا قُلْتُ مَنْ يَأْتِيهِ بِهَا قَالَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۱

ای ثابت، گویا می بینم که قائم ما اهل بیت پرچم رسول خدا صلی الله علیه وآله را به اهتزاز در آورده و به نزدیکی نجف رسیده است و چون آن پرچم را برافرازد، ملائکه روز بدر به حضور مقدس ایشان شرفیاب شوند. عرض کردم: آن پرچم از چیست؟ فرمودند: عمود آن پرچم [یعنی چوبی که پرچم را برپا می دارد] از عمودهای عرش و رحمت الهی و قسمت‌های دیگر آن از اعانت و نصرت خداوندی است.^۲ به سوی هر که آن پرچم حرکت نماید خداوند او را نابود می کند. عرض کردم: آیا آن پرچم تا زمان قیام قائم نزد شماست، یا اینکه بعداً برای ایشان خواهند آورد؟ فرمودند: هنگام ظهور می آورند. سؤال کردم چه کسی می آورد؟ فرمودند: جبرئیل علیه السلام.



۱. اثبات الهداة، ج ۷/ص ۸۹.

۲. ممکن است اشاره به نیروی معنوی آن باشد.

حضرت باقر علیه السلام و روز قیام موعود

حضرت امام محمد باقر علیه السلام در شرح آیه مبارکه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ»^۱ فرمودند:

نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ جَبْرَائِيلُ عَلَى الْمِيزَابِ فِي صُورَةِ طَيْرٍ
أَبْيَضَ فَيَكُونُ أَوَّلُ خَلْقِ اللَّهِ يُبَايِعُهُ وَيُبَايِعُهُ النَّاسُ الثَّلَاثُمِائَةَ وَالثَّلَاثَةَ
عَشَرَ فَمَنْ كَانَ ابْتَلَى بِالسَّيْرِ وَافَى تِلْكَ السَّاعَةَ وَ مَنْ افْتَقَدَ عَنْ فِرَاشِهِ
وَ هُوَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَفْقُودُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ وَ هُوَ قَوْلُ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً»^۲
قَالَ الْخَيْرَاتُ الْوِلَايَةُ.^۳

این آیه درباره حضرت قائم علیه السلام نازل شده است و اولین کسی که با او بیعت می کند جبرئیل است که به صورت پرنده ای سفید بر ناودان رحمت [ناودان کعبه] می نشیند و با او بیعت می کند و آنگاه از میان مردم سیصد و سیزده تن با او بیعت می نمایند. یاران آن حضرت به دستجاتی تقسیم می شوند. دسته ای همان لحظه که به راه می افتند در خدمت حضرتش خواهند بود [یعنی که فوق العاده سریع و مثلاً در یک چشم برهم زدن]. دسته دیگر از بستر خود ناپدید می شوند و این قول حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود «الْمَفْقُودُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ» (گمشدگان از بسترهای خود)^۴ و همه آنها فوراً خود را به آن حضرت می رسانند و معنای آیه شریفه

۱. نمل / ۶۲.

۲. بقره / ۱۴۸.

۳. اثبات الهداة، ج ۷ / ص ۹۱.

۴. در برخی از روایات وارد است که دسته ای از یاران حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه بر ابرها سوار می شوند و خود را به حضرت می رسانند.



«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ...» همین است. مراد از خیرات نیز ولایت است.

حضرت باقر علیه السلام و اصحاب حضرت قائم علیه السلام

از ابی جارود منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثِيَاةٌ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا أَوْلَادُ الْعَجَمِ بَعْضُهُمْ يُحْمَلُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا يُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَحَلِيَّتِهِ وَبَعْضُهُمْ نَائِمٌ عَلَى فِرَاشِهِ فَيُوقَفُونَهُ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ^۱

اصحاب و یاران حضرت قائم علیه السلام سیصد و سیزده نفرند که همگی آنان از نژاد عجم هستند. هنگام ظهور، برخی از آنان بر ابرها سوار می شوند و خود را به آن حضرت می رسانند و پاره ای دیگر بدون قرار قبلی، درحالی که در بستر آرمیده اند، به مکه در محضر آن سرور خواهند رسید.

حضرت باقر علیه السلام و اهمیت وجود امام علیه السلام

محمد بن مسلم گوید: به حضرت باقر علیه السلام عرض کردم اگر کسی امامی از شما را انکار کند چه وضعی خواهد داشت؟ فرمودند:

مَنْ حَجَدَ إِمَامًا مِنَ اللَّهِ وَبَرَى مِنْهُ وَمِنْ دِينِهِ فَهُوَ كَافِرٌ مُرْتَدٌّ عَنِ الْإِسْلَامِ لِأَنَّ الْإِمَامَ مِنَ اللَّهِ وَدِينُهُ مِنَ اللَّهِ وَمَنْ بَرَى مِنْ دِينِ اللَّهِ فَدَمُهُ مُبَاحٌ فِي تِلْكَ الْحَالِ إِلَّا أَنْ يَرْجِعَ أَوْ يَتُوبَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِمَّا قَالَ^۲.

۱. اثبات الهداة، ج ۷ / ص ۹۲.

۲. همان، ص ۱۲۹.

هرکس که امام منتخب از طرف خداوند [متعال] را منکر شود و دین او را رد کند، کافر و مرتد است مگر اینکه از آنچه گفته است توبه نماید.

امام باقر علیه السلام و خبر دادن از انتظار

ابی جارود گوید: از حضرت باقر علیه السلام شنیدم که آن حضرت فرمودند:

لَا تَزَالُونَ تَنْتَظِرُونَ حَتَّىٰ تَكُونُوا كَالْمَعْرِزِ الْمَهُولَةِ لَا يُبَالِي الْجَازِرُ أَيْسَنَ يَضَعُ يَدَهُ مِنْهَا لَيْسَ لَكُمْ شَرَفٌ تَشْرَفُونَهُ وَلَا سَنَدٌ تُسْنِدُونَ إِلَيْهِ أُمُورَكُمْ^۱

ایام انتظار شما بقدری طولانی خواهد شد که چون گوسفند ترسان و وحشت زده‌ای خواهید بود که به هر گونه‌ای که قصاب بخواهد می‌تواند آن را دستگیر و ذبح کند. در نتیجه طولانی بودن ایام مزبور، آبروی شما در معرض هتک و زوال خواهد بود و همچنین پناهگاهی که به آن تکیه کنید، نمی‌یابید تا خود را محفوظ دارید.

حضرت باقر علیه السلام و شدت امتحان غیبت

از حضرت باقر علیه السلام حدیث است که فرمودند:

إِنَّهُ لَسُتَمَحَّصُنَّ يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَخِضِ الْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ لِأَنَّ صَاحِبَ الْكُحْلِ يَعْلَمُ مَتَى يَقَعُ فِي الْعَيْنِ وَلَا يَعْلَمُ مَتَى

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۹۳.

يَذْهَبُ، فَيُصْبِحُ أَحَدُكُمْ وَهُوَ يَرِي أَنَّهُ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا فَيُؤْمِسِي وَ
 قَدْ خَرَجَ مِنْهَا وَيُؤْمِسِي وَهُوَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا فَيُصْبِحُ وَ قَدْ خَرَجَ
 مِنْهَا.^۱

شیعیان آل محمد حتماً امتحان می‌شوند. وضع شیعیان ما در
 آخرالزمان به کسی ماند که سرمه در چشم کشد. همان‌گونه که
 چنین فردی می‌داند سرمه را چه وقتی می‌کشد ولی از خروج
 سرمه از چشم اطلاعی ندارد، شیعیان ما نیز صبح هنگام بر
 شریعت و دین ما هستند ولی در انتهای روز از دین خارج
 می‌شوند و یا ابتدای شب متدین هستند و صبح که از خواب
 برمی‌خیزند از دین خارج شده‌اند.

● خواننده گرامی، همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید ابتلاء و فتنه‌ها
 بقدری است که در کوتاه‌مدتی دین و مذهب را از کف مؤمنان بدر می‌برد.
 در این شرایط چاره‌ای نیست جز اینکه به خداوند تبارک و تعالی و
 اولیای او پناه برده شود، و تنها به این طریق شاید بتوان از سقوط ایمانی
 جلوگیری نمود.



حضرت صادق علیه السلام و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

حضرت صادق علیه السلام و معرفی چهارده معصوم علیهم السلام

جابر بن یزید جعفی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت در تفسیر آیه شریفه «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ»^۱ فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمَا خَلَقَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَشَفَ لَهُ عَنْ بَصَرِهِ فَنَظَرَ
فَرَأَى نُورًا إِلَى جَنْبِ الْعَرْشِ فَقَالَ إلهي مَا هَذَا النُّورُ؟ فَقِيلَ لَهُ هَذَا نُورُ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي وَرَأَى نُورًا إِلَى جَنْبِهِ فَقَالَ
إلهي وَمَا هَذَا النُّورُ فَقِيلَ هَذَا نُورُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
نَاصِرِ دِينِي وَرَأَى إِلَى جَنْبِهَا ثَلَاثَةَ أَنْوَارٍ فَقَالَ إلهي وَمَا هَذِهِ الْأَنْوَارُ
فَقِيلَ هَذِهِ [نُورُ] فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَطَمَّتْ مُجِيبَهَا مِنَ النَّارِ وَنُورُ



وَلَدَيْهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ إلهي وَ أَرَى تِسْعَةَ أَنْوَارٍ
 قَدْ حَفُّوا بِهِمْ قِيلَ يَا إِبْرَاهِيمُ هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ فَقَالَ
 إِبْرَاهِيمُ إلهي بِحَقِّ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ إِلَّا مَا عَرَّفْتَنِي مِنَ التَّسْعَةِ فَقَالَ يَا
 إِبْرَاهِيمُ أَوْهُمْ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ وَ ابْنُهُ جَعْفَرٌ وَ ابْنُهُ مُوسَى وَ
 ابْنُهُ عَلِيُّ وَ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ وَ ابْنُهُ عَلِيُّ وَ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ ابْنُهُ
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إلهي وَ سَيِّدِي أَرَى أَنْوَارًا قَدْ
 أَخَذُوا بِهِمْ لَا يُحْصَى عَدَدُهُمْ إِلَّا أَنْتَ قِيلَ يَا إِبْرَاهِيمُ هَؤُلَاءِ شِيعَةُ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ وَ بِمَا تُعْرِفُ
 شِيعَتَهُ؟ قَالَ بِصَلْوَةِ إِحْدَى وَ خَمْسِينَ وَ الْجَهْرِ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَ الْقُنُوتِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَ التَّخْتُمِ بِالْيَمِينِ فَعِنْدَ ذَلِكَ قَالَ إِبْرَاهِيمُ اللَّهُمَّ
 اجْعَلْنِي مِنْ شِيعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ فَأَخْبَرَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ «وَإِنَّ
 مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ».^۱

هنگامی که خداوند ابراهیم علیه السلام را خلق فرمود پرده را از جلو
 چشمان او کنار زد. ابراهیم نوری در کنار عرش دید. عرض کرد:
 خداوندا، این چه نوری است؟ پاسخ شنید که این نور محمد
 صلی الله علیه و آله است. او برگزیده من از میان مخلوقات است. سپس
 ابراهیم نور دیگری را در کنار آن نور دید و عرض کرد: خداوندا،
 این چه نوری است؟ در پاسخ گفته شد که این نور علی بن
 ابی طالب علیه السلام یاری کننده دین من است. باز ابراهیم در کنار
 این دو نور سه نور دیگر را مشاهده کرد و عرض کرد: خدایا، این
 سه نور مربوط به چه کسانی است؟ به وی گفته شد: این [نور]
 فاطمه علیها السلام است که دوستانش را از آتش می رهند و دو نور
 دیگر مربوط به حسن و حسین علیهما السلام فرزندان اوست. پس،



ابراهیم عرض کرد: خداوندا، نه نور دیگر در اطراف آنان دیده می شود. خطاب آمد: ای ابراهیم، این انواژ امامان از فرزندان علی و فاطمه [علیهما السلام] هستند. ابراهیم عرض کرد: خداوندا، به حق این پنج تن این نه نفر را به من بشناسان. در پاسخ گفته شد: ای ابراهیم، اول آنها علی بن حسین است و سپس فرزندش محمد و فرزند او جعفر و فرزند او موسی و فرزند او علی و فرزند او محمد و فرزند او علی و فرزند او حسن و حجت قائم فرزند حسن علیهم السلام. سپس ابراهیم علیه السلام عرض کرد: خدایا، نورهای بی شماری را می بینم که اطراف این نورها را محاصره کرده اند. خطاب آمد که ای ابراهیم، اینها شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام هستند. ابراهیم عرض کرد: شیعیان او چگونه شناخته می شوند؟ گفته شد: به خواندن پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در نمازها و خواندن قنوت پیش از رکوع و به دست راست کردن انگشتر. پس، در این هنگام بود که ابراهیم عرض کرد: خدایا، مرا از شیعیان علی قرار ده. خداوند دعای او را مستجاب نمود و در قرآن فرمود: «وَأَنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَأَبْرَاهِيمَ».

امام صادق علیه السلام و لزوم وجود حجت

عبدالله سلیمان عامری از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

مَا زَالَتِ الْأَرْضُ إِلَّا لِلَّهِ الْحُجَّةُ يَعْرِفُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَيَدْعُوا إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَنْقَطِعُ الْحُجَّةُ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَرْتَعِينَ يَوْمًا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَمَةِ فَإِذَا رُفِعَتِ الْحُجَّةُ أُغْلِقَ بَابُ التَّوْبَةِ وَلَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمْنَتْ مِنْ قَبْلُ أَنْ تُرْفَعَ الْحُجَّةُ أَوْلَيْكَ شِرَارٌ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ وَهُمْ



الَّذِينَ عَلَيْهِمْ تَقُومُ الْقِيَمَةُ.^۱

زمین هیچگاه از حجّت خدا که به حلال و حرام الهی آگاه باشد و مردم را به سوی خداوند دعوت کند خالی نبود و نخواهد بود مگر چهل روز قبل از قیامت که دیگر درهای توبه بسته می شود و اگر کسی تا آن زمان ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمان آوردن او برایش سودی نخواهد داشت. اینها هستند که قیامت به ضرر آنان برپا خواهد شد.

دو روایت دیگر

ابی بصیر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ جَلٌّ وَعَزٌّ أَجَلٌ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَتْرُكَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ.^۲
خداوند بالاتر و بزرگتر از آن است که کره زمین را از حجّت و نمایندگی خویش خالی داشته باشد.

□

ابن ابی عمیر گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَبْقَى الْأَرْضُ يَوْمًا بِغَيْرِ إِمَامٍ؟ قَالَ لَا.^۳
به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم که آیا ممکن است روزی کره زمین بدون امام باشد؟ فرمودند خیر.

۱. بصائر الدرجات، ص ۴۸۴.

۲. همان، ص ۴۸۵.

۳. همان، ص ۴۸۵.



امام ششم و بعضی خصوصیات حضرت مهدی علیه السلام

از مفضل روایت است که گفت شنیدم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمودند:

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتًا يُقَالُ لَهُ بَيْتُ الْحَمْدِ فِيهِ سِرَاجٌ يَزْهَرُ مِنْذُ
يَوْمٍ وُلِدَ إِلَى يَوْمٍ يَقُومُ بِالسَّيْفِ لَا يُطْفَأُ.^۱

از برای صاحب این امر [امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف] خانه‌ای است که به آن «بیت الحمد» گویند و در آن چراغی از روز اول ولادت او تا روزی که با شمشیر قیام می‌کند، همواره روشن خواهد بود.

حضرت صادق علیه السلام و امام عصر روحی له الفداء

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از آباء گرامی شان عليهم السلام چنین نقل شده است:

زَادَ الْفَرَاتُ عَلِيَّ عَهْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَكَبَ هُوَ وَابْنَاهُ
الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَرَّ بِثَقِيفٍ فَقَالُوا قَدْ جَاءَ عَلِيٌّ يَرُدُّ الْمَاءَ
فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَا وَاللَّهِ لَأُقْتَلَنَّ أَنَا وَابْنَايَ هَذَا وَلَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ
رَجُلًا مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُطَالِبُ بِدِمَائِنَا وَلَيَغَيِّبَنَّ عَنْهُمْ تَمِيزًا
لِأَهْلِ الضَّلَالَةِ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ حَاجَةٍ.^۲

۱. مدینه المعجزه، ص ۵۹۲.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۴۱.



رود دجله در زمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام طغیان کرد. آن حضرت با فرزندان عزیزشان امام حسن و امام حسین علیهما السلام حرکت فرمودند و مردم می گفتند حضرت علی علیه السلام آب را برمی گرداند [و از اینکه آن سرور به کمک آنها شتافته بود شاد بودند]. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مسیر به گروهی که جمع شده بودند رسیدند. در این هنگام فرمودند: به خدا قسم این مردم من و فرزندانم را می کشند و خداوند بزرگ در آخرالزمان مردی از فرزندان مرا مأمور می کند که خون ما را مطالبه نماید. او از دیده ها پنهان خواهد بود تا پیروان ضلالت و گمراهی آزمایش شوند و جاهلان بگویند که خداوند را به آل محمد نیازی نیست.

حضرت صادق علیه السلام و غیبت امام عصر روحی له الفداء و آثار آن

مفضل بن عمر گوید که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم

که فرمودند:

إِيَّاكُمْ وَالتَّوْبَةَ أَمَا وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ إِمَامُكُمْ سِنِينَ مِنْ دَهْرِكُمْ وَلَيَمَحَّضَنَّ
حَتَّى يُقَالَ مَاتَ قُتِلَ هَلَكَ بِأَيِّ وَاذِ سَلَكَ وَ لَتَدْمَعَنَّ عَلَيْهِ عُيُونُ
الْمُؤْمِنِينَ وَ لَتُكْفَأَنَّ كَمَا تُكْفَأُ السُّفُنُ فِي أَمْوَاجِ الْبَحْرِ فَلَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ
أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ لَتُرْفَعَنَّ اثْنَا
عَشْرَةَ رَايَةً مُشْتَبِهَةً لَا يُدْرِي أَيُّ مِنْ أَيِّ.

قَالَ فَبَكَيْتُ ثُمَّ قُلْتُ فَكَيْفَ نَصْنَعُ فَنَظَرَ إِلَى شَمْسٍ دَاخِلَةٍ فِي الصُّفَّةِ
فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ تَرَى هَذِهِ الشَّمْسَ قُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ وَاللَّهِ لَا مَرُنَا أَبِينُ
مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ.^۱



۱. مرآة العقول، ج ۴ / ص ۳۶.

از «تنویه» پرهیزید^۱. به خدا قسم امام شما از نظرتان سالیان دراز غایب خواهد شد و بدین وسیله امتحان و آزمایش خواهید شد تا اینکه برخی خواهند گفت او مرده یا کشته شده یا به هلاکت رسیده یا اینکه در کدام بیابان سرگردان است. دیده مؤمنان بر او گریان خواهد بود. شیعیان را تزلزل و اضطراب عجیبی فرامی گیرد بدان گونه که کشتی طوفان زده در میان امواج متلاطم گرفتار آید. از این اضطراب و طوفان جز کسانی که خداوند از آنها پیمان گرفته است^۲ و ایمان در دل آنها رسوخ کرده و به تأیید الهی مؤید باشند، نجات نمی یابند. در آن ایام دوازده پرچم برافراشته خواهد شد که معلوم نیست کدام برحق است.

[مفضل] گوید: من گریستم و عرض کردم که در این موقع چه کنیم؟ حضرت به نور خورشید که در اطاق افتاده بود نگاهی کرده، به من فرمودند: آیا آفتاب را می بینی؟ عرض کردم: بلی. فرمودند: به خدا قسم امر ما از این خورشید هم روشن تر است.^۳

خبر دادن امام ششم از کمی یاران امام دوازدهم از عرب

ابوبصیر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْعَرَبِ شَيْءٌ يَسِيرٌ فَقِيلَ لَهُ إِنَّ مَنْ يَصِفُ

۱. منظور از «تنویه» این است که نزد مخالفان امامان علیهم السلام درباره ولایت بحث نکنید (مرآة العقول).
۲. اشاره به میثاق عالم ذر است.
۳. ممکن است کنایه از مقدمات و حوادث روز ظهور چون صدای آسمانی و چیزهای دیگر باشد.



هَذَا الْأَمْرَ مِنْهُمْ لَكَثِيرٌ قَالَ لَا بَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَ يُمَيَّزُوا وَ يُغْرَبَلُوا وَ سَيَخْرُجُ مِنَ الْغَرْبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ.^۱

از همراهان قائم ما علیه السلام تعداد کمی از عربها خواهند بود. عرض شد: عدّه زیادی از عربها ادّعا می کنند که در میان آنان خواهند بود. حضرت فرمودند: مردم را امتحان بزرگی در پیش است و همه باید آزمایش و غربال شوند. بزودی اکثر مردم از این غربال بیرون خواهند رفت.

حضرت صادق علیه السلام و خبر از غربت اسلام

محمد بن عجلان از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَ هَدَاهُمْ إِلَى أَمْرٍ قَدْ دُتِرَ فَضْلٌ عَنْهُ الْجُمْهُورُ وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيّاً لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرٍ مَضْلُوبٍ عَنْهُ وَ سُمِّيَ الْقَائِمُ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ.^۲

چون قائم ما قیام کند مردم را به اسلام دعوت نماید و به چیزی که بیشتر مردم از آن دور افتاده اند، هدایت و راهنمایی فرماید. حضرت قائم [علیه السلام] را به آن جهت «مهدی» گویند که او مردم را به چیزی که آن را گم کرده اند دعوت می کند و به آن جهت «قائم» گویند که قیام به حق می فرماید.



۱. غیبت نعمانی، ص ۲۰۴.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۵۹.

امام ششم و قیام‌کنندگان در مقابل حضرت مهدی علیه‌السلام

از یعقوب سراج روایت شده که حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:

ثَلَاثَ عَشْرَةَ مَدِينَةً وَطَائِفَةً يُحَارِبُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَهْلُهَا وَ
يُحَارِبُونَهُ أَهْلُ مَكَّةَ وَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ وَ أَهْلُ الشَّامِ وَ بَنُو أُمَيَّةَ وَ أَهْلُ
الْبَصْرَةِ وَ أَهْلُ دَشْتِ مِيشَانَ وَ الْأَكْرَادُ وَ الْأَعْرَابُ وَ ضِبَّهَ وَ غَنَى وَ
بَاهِلَهَ وَ أَزْدَ الْبَصْرَةَ وَ أَهْلَ الرَّيِّ.^۱

اهالی سیزده شهر و طایفه با حضرت بقیة‌الله روحی له‌الفداء به‌جنگ و ستیز برمی‌خیزند از جمله اهالی مکه و مدینه و شام، طایفه بنی‌امیه و اهل بصره، مردم دشت میشان^۲، کردها، بادیه‌نشینان، قبایل ضبه و غنی^۳ و باهله، قبیله‌ی اُزد بصره و مردم ری.

امام صادق علیه‌السلام و قیام حضرت مهدی

روحی له‌الفداء از زبان حضرت علی علیه‌السلام

ابوبصیر از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند:

لَمَّا تَقَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَهْلُ الْبَصْرَةِ نَشَرَ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَتَزَلَّزَلَتْ أَقْدَامُهُمْ فَمَا أَصْفَرَتِ الشَّمْسُ حَتَّى قَالُوا أَمْنَا

۱. انبأ الهداة، ج ۷ / ص ۸۷.

۲. ظاهراً قریه‌ای بین بصره و واسط است.

۳. طایفه‌ای از قبیله غطفان.



بِابْنِ أَبِي طَالِبٍ فَعِنْدَ ذَلِكَ قَالَ لَا تَقْتُلُوا الْأَسْرَى وَلَا تُجِزُوا عَلَيَّ
الْجَزْحِيَّ وَلَا تَتَّبِعُوا مُوَلِّيَّاءَ وَمَنْ أَلْقَى سِلَاحَهُ فَهُوَ آمِنٌ وَمَنْ أَعْلَقَ بَابَهُ
فَهُوَ آمِنٌ فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ صَفِّينَ سَأَلُوهُ نَشْرَ الرَّايَةِ فَأَبَى عَلَيْهِمْ فَتَحَمَّلُوا
عَلَيْهِ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَمَّارِ يَاسِرٍ فَقَالَ لِلْحَسَنِ يَا بُنَيَّ إِنَّ لِقَوْمٍ
مُدَّةً يَبْلُغُونَهَا وَإِنَّ هَذِهِ رَايَةٌ لَا يَنْشُرُهَا بَعْدِي إِلَّا الْقَائِمُ.^۱

هنگامی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با مردم بصره روبرو شدند پرچم حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله را برافراشتند. در نتیجه، مخالفان دچار تزلزل شدند و قبل از اینکه روز پایان یابد به نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده، عرض کردند که ما به شما ایمان آوردیم و از حضرت امان و پناهندگی خواستند. آن حضرت نیز به سپاه خود دستور دادند که اسیران و مجروحان را نکشند، فراریان را تعقیب نکنند، هرکس که اسلحه خود را به زمین گذارد در امان باشد و هرکس که در خانه خویش بریندد مورد تعرض قرار نگیرد. [مردم که چنین نتیجه‌ای را در اثر برافراشتن پرچم حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله دیده بودند] در جنگ صفین نیز تقاضا کردند که آن پرچم برافراشته شود، ولی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نپذیرفتند. مردم حضرت امام حسن و حضرت امام حسین [علیهما السلام] و عمار یاسر را به شفاعت نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرستادند، ولی حضرت ترتیب اثر ندادند و به امام حسن [علیه السلام] فرمودند: پسرم، این مردم را اجل و مدتی است که باید به آن برسند و این پرچم را پس از من کسی جز حضرت قائم [علیه السلام] برافراشته نخواهد کرد.



حضرت صادق علیه السلام و غیبت امام عصر ارواحنا له الفداء

از عبید بن زراره روایت است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

فرمودند:

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ يَشْهَدُ فِي إِحْدَاهُمَا الْمَرَأِسِمَ يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرُونَهُ.^۱

حضرت قائم [علیه السلام] دوبار غیبت می کند: اول غیبت صغری، دوم غیبت کبری که در یکی از آنها در مراسم شرکت می کند.^۲ آن حضرت مردم را می بینند ولی مردم ایشان را نمی بینند.^۳

حضرت صادق علیه السلام و قیام حضرت مهدی علیه السلام

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت

فرمودند:

لَوْ قَدْ قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَأَنْكَرَهُ النَّاسُ لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابِئاً مُوَفَّقاً لَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ قَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ فِي الذَّرِّ الْأَوَّلِ.^۴

وقتی [حضرت] قائم علیه السلام قیام می کند، مردم منکر وجودش می شوند زیرا حضرتش را به صورت جوانی موفق می بینند. بر ولایت او فقط کسی ثابت قدم و پابرجا می ماند که خداوند در عالم ذر از او پیمان گرفته باشد.

۱. اصول کافی، کتاب الحجّة، ص ۳۳۹.

۲. منظور از شرکت در «مراسم» ممکن است شرکت در مراسم حج باشد.

۳. ممکن است منظور این باشد که آن حضرت را نمی شناسند.

۴. غیبت نعمانی، ص ۲۱۱.

حضرت صادق علیه السلام و خبر دادن از قیام به شمشیر

از ابی خدیجه روایت است که از حضرت صادق علیه السلام در مورد حضرت قائم علیه السلام سؤال شد، فرمودند:

كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّىٰ يَجِيَّ صَاحِبُ السَّيْفِ فَإِذَا
جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ.^۱

همه ما ائمه یکی پس از دیگری قائم به امر خدا هستیم تا آنگاه که صاحب شمشیر بیاید، پس هنگامی که او بیاید برنامه‌ای را اجرا خواهد کرد که قبلاً نبوده است.

حضرت صادق علیه السلام و سلاح رسول الله صلی الله علیه و آله

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

أَنَّ عِنْدَهُمُ الْجُمْرُ الْأَحْمَرُ وَالْجُمْرُ الْأَبْيَضُ قَالَ وَ أَمَّا الْجُمْرُ الْأَحْمَرُ فَوِعَاءٌ
فِيهِ سِلَاحُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَنْ يَخْرُجَ حَتَّىٰ يَقُومَ قَائِمُنَا
أَهْلَ الْبَيْتِ.^۲

ما خاندان رسالت و امامت دارای دو «جفر» هستیم: یکی جفر احمر (سرخ) و دیگری جفر ابیض (سفید). جفر سرخ، ظرفی است که سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن است و قبل از قیام قائم ما اهل بیت هرگز باز نخواهد شد.

همچنین، روایت شده است که حضرت صادق علیه السلام بسیار

۱. اصول کافی، کتاب الحجّة، ص ۵۳۶.

۲. اثبات الهداة، ج ۷/ص ۱۱۷.



می فرمودند:

لِكُلِّ أُنَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا
وَ دَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ يَظْهَرُ
هر ملت و گروهی را دولتی است
و دولت ما [خاندان رسالت] در آخر الزمان ظاهر می شود.

امام صادق علیه السلام و اصحاب حضرت مهدی علیه السلام

ابان بن تغلب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کند
که آن حضرت فرمودند:

سَيَبْعُ اللَّهُ ثَلَاثِمِائَةً وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا إِلَى مَسْجِدِ مَكَّةَ يَعْلَمُ أَهْلُ مَكَّةَ
أَنَّهُمْ لَمْ يُولَدُوا مِنْ آبَائِهِمْ وَلَا أَجْدَادِهِمْ عَلَيْهِمْ سُيُوفٌ مَكْتُوبٌ عَلَيْهَا
أَلْفُ كَلِمَةٍ كُلُّ كَلِمَةٍ مِفْتَاحُ أَلْفِ كَلِمَةٍ وَ يُبْعَثُ الرِّيحُ مِنْ كُلِّ وادٍ تَقُولُ
هَذَا الْمَهْدِيُّ يَحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يُرِيدُ بَيِّنَةً.^۱

خداوند [تبارک و تعالی] بزودی سیصد و سیزده نفر را مأمور
می کند تا در کنار خانه کعبه خدمت حضرت بقیة الله روحی له الفداء
شرفیاب شوند. مردم مکه می دانند که افراد مذکور از پدران و
اجداد آنها نیستند. بر شمشیر آنان هزار کلمه نوشته شده که
هر کلمه کلید هزار کلمه است. از هر طرف باد وزیدن می گیرد و
فریاد می زند: این است مهدی [آل محمد]، به روش حضرت داود
پیامبر حکم می کند و نیازمند بیته (دلیل) نیست.



حضرت صادق علیه السلام و خبر دادن از منبر حضرت قائم علیه السلام

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي أَنَّهُ يُصَلِّي فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاضِعَ ثُمَّ قَالَ أَمَّا الْأَوَّلُ فَمَوْضِعُ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالثَّانِي مَوْضِعُ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالثَّالِثُ مَوْضِعُ مِنْبَرِ الْقَائِمِ.^۱

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در کوفه، در سه مکان نماز می خواندند: یکی نزد مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، دیگر در مکان قرار دادن سر مقدس حضرت امام حسین علیه السلام و سوم در جای منبر حضرت قائم علیه السلام.

امام صادق علیه السلام و اهمیت انتظار

عبدالله بن زراره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

عَلَيْكُمْ بِالتَّسْلِيمِ وَ الرَّدِّ الْإِلَيْنَا وَ الْإِنْتِظَارِ أَمْرِنَا وَ أَمْرِكُمْ وَ فَرَجِنَا وَ فَرَجِكُمْ فَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا وَ تَكَلَّمَتْ مَتَكَلَّمُنَا ثُمَّ اسْتَأْنَفَ بِكُمْ تَعْلِيمَ الْقُرْآنِ وَ شَرَايِعَ الدِّينِ وَ الْأَحْكَامِ وَ الْفَرَائِضِ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِأَنَّكُمْ (لَا تَنْكُرُ ظ) أَهْلُ الْبَصَائِرِ فِيكُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِنْكَاراً شَدِيداً لَمْ تَسْتَقِيمُوا عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ طَرِيقَتِهِ إِلَّا مِنْ تَحْتِ حَدِّ السَّيْفِ فَوْقَ رِقَابِكُمْ إِنَّ النَّاسَ بَعْدَ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَكَبَ اللَّهُ بِهِمْ سُنَّةَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَغَيِّرُوا وَ بَدَّلُوا وَ حَرَّفُوا وَ زَادُوا فِي دِينِ اللَّهِ

۱. همان، ص ۱۱۹.

وَنَقَّصُوا مِنْهُ فَمَا مِنْ شَيْءٍ عَلَيْهِ النَّاسُ الْيَوْمَ إِلَّا وَهُوَ مُنْحَرَفٌ عَمَّا نَزَلَ
بِهِ الْوَحْيُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَأَجِبْ رَجِمَكَ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ تُدْعَى إِلَى حَيْثُ
تُرَعَى حَتَّى يَأْتِيَ مَنْ يَسْتَأْنِفُ بِكُمْ دِينَ اللَّهِ إِسْتِيفًا.^۱

تسلیم باشید و امر را به ما واگذار کنید و در انتظار امر ما و امر
خودتان و فرج ما و فرج خودتان باشید [یعنی قیام حضرت
مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف]. هنگامی که قائم ما قیام کند از ابتدا
قرآن را به شما می آموزد و دستورها و احکام شرع را بدان گونه که
بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است به شما تعلیم خواهد
داد، زیرا در آن هنگام اهل بصیرت و آگاهان در میان شما خواهند
بود و انکار شدید خواهند کرد. فقط کسانی که در سایه شمشیر
زندگی می کنند استقامت خواهند کرد. همچنانکه امتهای پیشین
پس از پیامبرشان در معرض امتحان و آزمایش قرار گرفتند، این
امت نیز پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امتحان و آزمایش
شدند. آنها احکام خدا را تغییر دادند و آن را تحریف و تبدیل و کم
و زیاد نمودند. پس، آنچه که در آن روزها به نام دین در اختیار
مردم بود، همه برخلاف چیزی بود که از جانب خداوند نازل شده
بود. خدای تو را رحمت کند. به جایی که تو را خوانده اند حرکت
کن تا آن کسی که تو را به دین تازه بخواند، بیاید.

امام صادق علیه السلام و خبر دادن از قیام قائم علیه السلام

روایتی است از مفضل بن عمر که می گوید:

۱. همان، ص ۱۲۰.

۲. کنایه از بدعتهایی که پس از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در دین بوجود
آوردند و خلافت را که منصبی الهی است غصب کردند.



أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ»^۱ قَالَ إِنَّ مِنَّا إِمَامًا مُّسْتَتِرًا فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذِكْرَهُ إِظْهَرَ أَمْرَهُ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.^۲

از حضرت صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه و فرموده خداوند عزوجل «فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ» سؤال شد، فرمودند: امامی از ما (یکی از ما ائمه) از نظر پنهان است، هنگامی که خداوند اراده فرماید که او ظاهر گردد، نکته‌ای در قلبش پدید می‌آید، پس به امر خدا ظهور و قیام خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام و مسأله غیبت

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمودند:

أَمَا وَاللَّهِ لَيَغِيبَنَّ إِمَامُكُمْ شَيْئًا مِنْ دَهْرِكُمْ وَ لَتُمَحَّضَنَّ حَتَّى يُقَالَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ أَوْ بَآءَ وَادٍ سَلَكَ وَ لَتَدْمَعَنَّ عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ.^۳

امام شما از نظرها مدتی پنهان خواهد شد. [آری] همه باید امتحان شوید. بقدری آزمایش، سخت خواهد بود که برخی می‌گویند او مرده است یا هلاک شده و یا در بیابانی سرگردان است. در این ایام چشم مؤمنان بر او گریان خواهد بود [و از دوری او می‌سوزند و می‌گریند].



۱. مدثر / ۸.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۸۷.

۳. تاریخ غیبت کبری، ص ۲۵۳.

روایتی دیگر

محمد بن مسلم گوید: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

إِنْ بَلَغَ عَنْ صَاحِبِكُمْ غَيْبَةً فَلَا تُتَكِرُوهَا.^۱

اگر خبری در مورد غایب شدن صاحب (امام) شما رسید آن را انکار نکنید.

امام جعفر صادق علیه السلام و فطرت غیبت

مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

أَقْرَبُ مَا يَكُونُ هَذِهِ الْعِصَابَةُ مِنَ اللَّهِ وَ أَرْضِي مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا
اِفْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ فَحَجَبَ عَنْهُمْ وَ لَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَ لَمْ يَعْلَمُوا بِمَكَانِهِ وَ هُمْ
فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ وَ يُوقِنُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّةُ اللَّهِ وَ لَا مِشَاقَّةُ فَعِنْدَهَا
تَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً فَإِنَّ أَشَدَّ مَا يَكُونُ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى
أَعْدَائِهِ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّتَهُ فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَ قَدْ عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ
أَوْلِيَاءَهُ لَا يَزْتَابُونَ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّهُمْ يَزْتَابُونَ مَا غَيَّبَ حُجَّتَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ
عَنْهُمْ وَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ إِلَّا عَلَى رَأْسِ شِرَارِ النَّاسِ.^۲

بیشترین زمانی که این مردم به خداوند نزدیک هستند و او از آنان خشنود می باشد، هنگامی است که مردم با اینکه حجّت خدا را

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۸۸.

۲. همان، ص ۱۶۲.



در میان خود نمی بینند و از مکان زندگی او هم خبری ندارند و از نظرها پنهان است، مع الوصف می دانند و معتقدند که خداوند آنان را بدون سرپرست نگذاشته و پیمان و میثاق حجّت خداوند از بین نرفته و باطل نشده است. در این هنگام، هر صبح و شب باید در انتظار او بود. بدترین اوقات برای دشمنان خداوند که مورد غضب او قرار می گیرند هنگامی است که حجّت خداوند در میان آنان ظاهر نباشد. خداوند می داند که اولیای او دچار شک و تردید نخواهند شد و اگر می دانست که آنان در صورت پنهان بودن حجّت الهی دچار تردید می شوند، حتی یک لحظه هم حجّت خود را پنهان نمی داشت، و این امر [یعنی ظهور امام زمان علیه السلام] محقق نمی شود مگر هنگامی که فساد جامعه را فرا گیرد و اشرار در رأس امور باشند.

روایتی دیگر

عَنْ مُؤَذِّنِ مَسْجِدِ الْأَحْمَرِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ فِي كِتَابِ اللَّهِ مَثَلٌ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ نَعَمْ آيَةٌ صَاحِبِ الْحِمَارِ أَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ^۱.

مؤذن مسجد احمر نقل می کند که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم آیا در قرآن در مورد حضرت قائم علیه السلام مثال و نمونه ای آمده است؟ فرمودند: آری، آیه «صاحب الاغ» که خداوند او را قبض روح نمود و پس از گذشتن یکصد سال زنده اش فرمود و به سوی قومش مبعوث شد.



امام صادق علیه السلام و ثواب استقامت در غیبت

ابوبصیر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزَعْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهُدَايَةِ قِيلَ لَهُ
جُعِلَتْ فِدَاكَ وَمَا طُوبَى قَالَ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِ عَلِيِّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَيْسَ مُؤْمِنٌ إِلَّا فِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهَا
وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَأْبٍ»^۱.

طوبی از آن کسی است که در غیبت قائم ما ولایت ما را ترک نکند و پس از هدایت شدن، قلب او زنگار نگیرد. شخصی عرض کرد: قربانت گردم، طوبی چیست؟ فرمودند: درختی است در بهشت. اصل آن در خانه علی بن ابی طالب علیه السلام است و در خانه هر مؤمنی، شاخه ای از آن درخت وجود دارد و این است معنی آیه «طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَأْبٍ».

امام صادق علیه السلام و غیبت حضرت مهدی علیه السلام

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که فرمودند:

الْقَائِمُ مِنْ وَوُلْدِي يَعْمُرُ عُمَرَ الْخَلِيلِ عِشْرِينَ وَ مِائَةَ سَنَةٍ يَدْرِي بِهِ ثُمَّ
يَغِيبُ غَيْبَةً فِي الدَّهْرِ وَ يَظْهَرُ فِي صُورَةِ شَابٍّ مُوَفَّقٍ ابْنِ اثْنَيْ وَ ثَلَاثِينَ
سَنَةً حَتَّى تَرْجِعَ طَائِفَةٌ مِنَ النَّاسِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ
ظُلْمًا وَ جَوْرًا.^۳

۱. رعد / ۲۹.

۲. کمال الدین، ج ۲ / ص ۲۷.

۳. غیبت نعمانی، ص ۱۸۹.



قائم از فرزندان من است، همچون حضرت خلیل یکصد و بیست سال عمر می‌کند و سپس غایب می‌شود. ا هنگام ظهور به صورت جوانی موفق که سن مبارکش به نظر سی و دو سال می‌رسد، خواهد بود و بدین جهت [چون مردم حضرتش را جوان می‌بینند] جمعی از مردم از او بر می‌گردند. کُره زمین را پس از اینکه ظلم و جور در آن فراگیر شده باشد پر از عدل و داد خواهد کرد.

روایتی دیگر

یمان تمّار می‌گوید:

كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جُلُوسًا فَقَالَ لَنَا إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً
الْتَّمَسْتُ بِدِينِهِ كَالْحَارِطِ لِلْقِتَادِ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بِيَدِهِ فَأَيْكُمْ يُمَسِّكُ شَوْكَ
الْقِتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلَيَتَّقِ
اللَّهُ عَبْدًا وَ لِيَتَّمَسَّكَ بِدِينِهِ.^۲

در خدمت حضرت صادق علیه‌السلام نشسته بودیم، فرمودند: صاحب این امر [حضرت مهدی علیه‌السلام] را غیبتی خواهد بود و شخصی که در آن ایام می‌خواهد دین خود را حفظ کند مانند کسی است که دست بر درخت پُر از خار و برخلاف جهت خارها بکشد.^۳ سپس حضرت با دست مبارک اشاره کرده، فرمودند: کدامیک از شما می‌توانید چنین کنید؟ سر مبارک را لحظاتی به

۱. ممکن است مراد این باشد که پس یکصد و بیست سال که از عمر مبارکش می‌گذرد مردم در وجود او دچار تردید و شک می‌شوند، وگرنه درباره غیبت آن حضرت باید گفت که از همان روزهای اول ولادت بوده است.

۲. الوافی، ج ۱ / ص ۹۷.

۳. همان‌گونه که این امر خیلی سخت است، حفظ دین در آخرالزمان هم اینچنین خواهد بود و البته باید در مقابل آزار دشمنان و مصائب روزگار استقامت کرد.

زیر افکنده، مجدداً فرمودند: صاحب این امر غیبت خواهد کرد، پس بندگان باید تقوا پیشه سازند و دین خود را حفظ کنند.

امام صادق علیه السلام و آفرینش معصومین علیهم السلام

مفضل بن عمر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ نُورًا بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ أَلْفَ عَامٍ فَهِيَ أَرْوَاحُنَا فَقِيلَ لَهُ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ وَمَنِ الْأَرْبَعَةُ عَشَرَ فَقَالَ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ وَ لَدِ الْحُسَيْنِ أَخْرَهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَقُومُ بَعْدَ غَيْبَةِ فَيَقْتُلُ الدَّجَالَ وَ يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ.^۱

خداوند تبارک و تعالی چهارده هزار سال قبل چهارده نور را خلق فرمود و آن ارواح ما [چهارده معصوم] بود. عرض شد: ای پسر رسول خدا، آن چهارده نور چه کسانی هستند؟ فرمودند: محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و سایر امامان از نسل حسین [علیهم السلام] که آخرین آنها قائم ماست و پس از غیبت، قیام می کند و دجال را می کشد و زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می سازد.



امام ششم و نحوه قضاوت در حکومت حضرت مهدی علیه السلام

عبدالله بن عجلان از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند

۱. العوالم النصوص علی الائمة الاثنی عشر علیهم السلام، ص ۲۸۴.

که آن حضرت فرمودند:

إِذَا قَامَ قَائِمٌ أَلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا
يَحْتَاجُ إِلَى الْبَيِّنَةِ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَ يُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا
اسْتَبْطَنُوهُ وَ يَعْرِفُ وَ لِيَّهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى
«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَ إِنَّهَا لِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ»^۱.

کیفیت دادرسی و قضاوت در زمان حضرت بقیة الله روحی له الفداء
مانند حکمرانی و قضاوت حضرت داود علیه السلام است که محتاج
بیته (دلیل) نیست و واقعیت را خداوند به او الهام می کند و آن
حضرت به علم خود عمل می فرماید. همچنین، خداوند آنچه را
که مردم در دل خود پنهان کرده اند به او خبر می دهد و او با نظر
ولایت دوست و دشمن خود را می شناسد. این است معنای آیه
شریفه «إِنَّ فِي ذَلِكَ...» (همانا که این راهی برای هوشمندان و
صاحبان بصیرت است و البته این راه پایدار و استوار است).

امام ششم و معرفی حضرت بقیة الله روحی له الفداء

هارون فرزند حضرت امام موسی بن جعفر علیهم السلام از پدرش و
ایشان از پدر بزرگوارشان امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کند که
فرمودند:

سَيِّدِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْمَهْدِيُّ إِسْمُهُ
مُحَمَّدٌ وَ كُنْيَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُقَالُ لِأُمَّهِ نَرْجِسُ وَ
عَلَى رَأْسِهِ غَمَامَةٌ تُظِلُّهُ عَنِ الشَّمْسِ تَدُورُ مَعَهُ حَيْثُ مَا دَارَ تُسْنَدِي

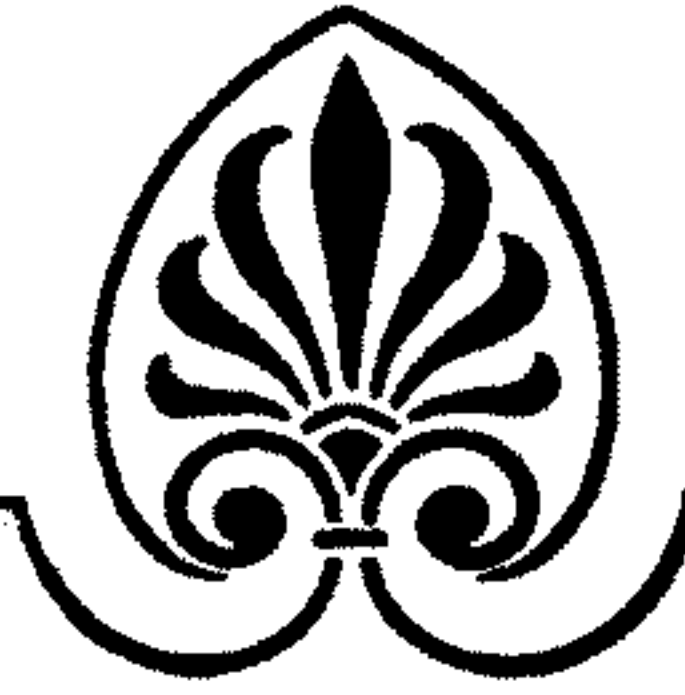
۱. حجر / ۷۵ و ۷۶.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۶۱.

بِصَوْتِ فَصِيحٍ هَذَا الْمَهْدِيِّ فَاتَّبِعُوهُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ.^۱

خلف صالح از فرزندان من است و او مهدی است. نامش محمد و کنیه اش ابوالقاسم است. او در آخر الزمان قیام می کند و همواره بالای سرش قطعه ابری سایه می افکند و هر کجا برود با او خواهد بود تا او را از حرارت خورشید محفوظ دارد. قطعه مذکور، با زبان فصیح فریاد می زند که این مهدی [سلام الله علیه] است، پس از او اطاعت کنید.





حضرت موسیٰ بن جعفر علیہ السلام و حکومت جهانی حضرت مهدی علیہ السلام

حضرت موسیٰ بن جعفر علیهما السلام و مسأله غیبت

از حضرت موسیٰ بن جعفر علیهما السلام حدیث کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

إِذَا فَقَدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي سُلِبَتِ الرَّحْمَةُ مِنْ قُلُوبِ شِيعَتِنَا حَتَّىٰ يَظْهَرَ الْقَائِمُ اللَّهُ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُزِيلُكُمْ عَنْهَا أَحَدٌ فَإِنَّهُ لَا بَدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ يَزْجَعُ فِيهَا كَثِيرُونَ مِمَّنْ يَقُولُونَ بِهَذَا الْأَمْرِ.^۱

هرگاه پنجمین امام از فرزندان من مفقود شد (از نظرها پنهان شد) رحمت از دلهای شیعیان ما تا زمان ظهور قائم ما سلب خواهد شد. از خداوند بترسید. از او بترسید در مورد دینهای خود (دین خود را حفظ کنید) و مواظب باشید غارتگران، دین شما را نبرند،

۱. الملاحم والفتن، ص ۱۸۵.

زیرا صاحب این امر را غیبتی است که اکثر معتقدان به امامت حضرت برمی گردند (گمراه می شوند).

حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و قیام حضرت مهدی علیه السلام

حمّاد بن زیاد از دی می گوید:

سَأَلْتُ سَيِّدِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
 «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»^۱ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ النُّعْمَةُ
 الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبُ فَقُلْتُ لَهُ وَيَكُونُ فِي
 الْأُمَّةِ مَنْ يَغِيبُ قَالَ نَعَمْ يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصَةٌ وَلَا يَغِيبُ
 عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ لَهُ كُلُّ عُسْرٍ
 وَ يُذَلِّلُ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَ يُظْهِرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ يُقَرِّبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ وَ
 يُفْنِي بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَيُهْلِكُ عَلَى يَدَيْهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ذَلِكَ ابْنُ
 سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَ لَادَتْهُ وَ لَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَتُهُ حَتَّى
 يُظْهِرَهُ اللَّهُ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.^۲

از مولای خود حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام در مورد آیه شریفه «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ...» (خداوند نعمتهای ظاهری و باطنی به شما ارزانی داشته است) سؤال کردم، فرمودند: منظور از نعمت ظاهر، امام ظاهر و غرض از نعمت باطن، امام غایب است. عرض کردم: آیا در میان ائمه [علیهم السلام] کسی غایب خواهد بود؟ فرمودند: آری، شخص او از نظرها غایب و پنهان است و دیده نمی شود اما یاد او در دلهای اهل ایمان همچنان زنده است. او دوازدهمین امام از ماست. خداوند هر مشکلی را برای او آسان و

۱. لقمان / ۲۰.

۲. کمال الدین، ج ۲ / ص ۴۰.



سرکشان را در مقابل او مطیع خواهد ساخت، گنجهای زمین را برای او آشکار و دور را برای او نزدیک خواهد کرد، هر ستمگری را به وسیله او نابود و تمام شیطانها را در سایه قدرت او هلاک خواهد فرمود. او فرزند بهترین کنیزان است و ولادتش مخفی و پنهان خواهد بود. ذکر نام او تا قبل از ظهورش جایز نیست. او زمین را پس از فراگیری ظلم و جور، پُر از عدل و داد خواهد کرد.

امام کاظم علیه السلام و خبر دادن از قیام حضرت مهدی علیه السلام

علی بن جعفر از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:

إِذَا فَقَدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ فَاللَّهُ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يَرُدُّكُمْ أَحَدٌ عَنْهَا يَا بَنِيَّ إِنَّهُ لَأَجَدٌ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مِحْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ وَلَوْ عَلِمَ آبَاؤُكُمْ وَأَجْدَادُكُمْ دِينًا أَصَحَّ مِنْ هَذَا لَا تَبْعُوهُ.
فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي وَمَا الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ فَقَالَ يَا بَنِيَّ عَقُولُكُمْ تَضَعُفُ عَنْ ذَلِكَ وَ أَخْلَاقُكُمْ تَضِيقُ عَنْ حَمَلِهِ وَلَكِنْ إِنْ تَعِيشُوا فَسَوْفَ تُدْرِكُونَهُ.^۱

چون پنجمین امام از فرزندان هفتمین امام غایب شود، از خدا بترسید از خدا بترسید از اینکه کسی شما را از دینتان جدا کند. ای فرزند، حضرت صاحب الامر [علیه السلام] ناچار از غیبتی است که در اثر آن بعضی از آنهایی که معتقد به آن حضرت هستند، برمی گردند. و این پنهان بودن امتحانی است از طرف خداوند بزرگ که بندگان خویش را آزمایش می کند و اگر گذشتگان شما



دینی بهتر از این دین می دانستند هر آینه از او پیروی می کردند.
 [علی بن جعفر] می گوید: ای مولای من، پنجمین فرزند از امام
 هفتم کیست؟ فرمودند: ای فرزند، عقلهای شما از درک این
 حقیقت عاجز است و تحمل آن را ندارید. اگر مانندید، در آینده
 درک خواهید کرد.

سه روایت دیگر

عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرِ الْقَصْبَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى
 عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ يَقُولُ النَّاسُ لَمْ يُوَلَّدْ بَعْدُ.^۱

عبّاس بن عامر قصبانی می گوید که مولایم حضرت موسی بن
 جعفر علیهما السلام فرمودند: مردم در مورد صاحب این امر خواهند
 گفت که هنوز متولد نشده است [که کنایه ای است از طولانی شدن
 زمان غیبت و سرگردانی و حیرت شدید مردم].

□

عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ
 تَأْوِيلُ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ
 بِمَاءٍ مَعِينٍ»^۲ فَقَالَ إِذَا فَقَدْتُمْ إِمَامَكُمْ فَلَمْ تَرَوْهُ فَمَاذَا تَصْنَعُونَ.^۳
 علی بن جعفر می گوید در مورد تأویل آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ...»

۱. همان، ص ۲۹.

۲. ملک / ۳۰.

۳. کمال الدین، ج ۲ / ص ۲۹.



(بگو اگر آب گوارا را از دست دادید چه کسی آب رفته را به شما برخواهد گرداند؟) از حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال کردم، فرمودند: اگر امام شما از نظرها ناپدید شد چه خواهید کرد؟ [فقط خداوند بزرگ است که می تواند او را برگرداند].

□

عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرِ الرَّقِّيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ قَالَ هُوَ الطَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ الْغَائِبُ عَنْ أَهْلِهِ الْمُؤْتَوِّرُ بِأَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.^۱

از داود بن کثیر رقی روایت است که از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در خصوص حضرت صاحب الامر [علیه السلام] سؤال کردم، فرمودند: او رانده شده [از وطن] و تنها و غریب و پنهان از نظرهاست. اوست که خواهان خون پدر خواهد بود.

امام هفتم و غیبت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء

یونس بن عبدالرحمن گوید: خدمت امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام شرفیاب شدم و عرض کردم که ای پسر رسول خدا، آیا قائم به حق شما هستید؟ فرمودند:

أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي لَهُ غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمْدُهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ يَزْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَثْبُتُ فِيهَا آخِرُونَ.

۱. همان، ص ۳۰.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ طُوبَى لَشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ
قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مُوَالَاتِنَا وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَنَحْنُ
مِنْهُمْ فَقَدْ رَضُوا بِنَا أُمَّةً وَرَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ هُمْ
وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱.

من قائم به حق هستم ولی آن قائمی که زمین را از وجود دشمنان
خدا پاک می‌کند و پس از پرشدنش از ظلم و جور، آن را از عدل و
داد پُر خواهد کرد، پنجمین فرزند من است. او را غیبتی بس
طولانی خواهد بود زیرا بر جان خود می‌ترسد و در نتیجه طول
غیبت، عده‌ای از مردم از عقیده خویش برمی‌گردند و جمعی
پابرجا می‌مانند.

آنگاه فرمودند: خوشا به حال شیعیان ما [در زمان غیبت مهدی
علیه‌السَّلَام] که به ریسمان ولایت ما چسبیده و در زمان غیبت قائم
ما بر دوستی ما ثابت قدم و از دشمنان ما بیزار باشند. آنها از ما
و ما از آنها هستیم. آنها امامت ما را پذیرا شده‌اند و ما شیعه بودن
آنان را پذیرفته‌ایم. خوشا به حال آنان، خوشا. به خدا سوگند در
روز قیامت با ما و در درجات ما خواهند بود.

● تحقیقی از مرحوم صدوق رضوان‌الله‌علیه:

مرحوم صدوق می‌فرماید: یکی از علل غیبت، خوف و ترس از
دشمنان است همان‌گونه که در این حدیث شریف بدان اشاره شده است، و
حضرت موسی بن جعفر علیهما‌السَّلَام با اینکه در میان مردم بودند ولی
موضوع امامت خود را از دشمنان و حتی از دوستان کم‌ظرفیت پنهان
می‌کردند و شیعیان نیز به‌طور رسمی خدمت آن حضرت رفت و آمد
نداشتند و چون از طاغوت زمان (هارون‌الرَّشید) در وحشت بودند حتی

آن حضرت را امام خود معرفی نمی کردند. به عنوان نمونه کوچک، داستان هشام بن حکم گفتنی است بدین شرح که روزی در مجلسی، یحیی بن خالد از هشام بن حکم راجع به دلایل امامت سؤال می کند، هشام نیز با برهانها و دلایل لازم مطلب را روشن می سازد. سپس از او سؤال کردند که اکنون این دلایلها و علامات و نشانه هایی که گفتنی در چه کسی است؟ (یعنی در این زمان چه کسی امام است؟) هشام در پاسخ گفت: صاحب این قصر، امیرالمؤمنین است. هارون الرشید که در پس پرده ای بود و مناظرات و مذاکرات مجلس را می شنید، اظهار داشت که این گفته هشام به جهت تقیه بوده و از انبان، به ما نوره داد.^۱ هشام نیز که بعداً متوجه شد تحت تعقیب است به کوفه گریخت و در خانه یکی از شیعیان اقامت گزید و در همان جا به رحمت حق واصل شد و از دنیا رفت (رحمة الله علیه) و بدین ترتیب حکومت وقت به او دست نیافت. جنازه و پیکر هشام را پس از فوت در میدان کوفه گذاشتند و نامه ای بر روی آن نهادند که مضمون آن این بود: این جنازه هشام بن حکم است که مورد تعقیب حکومت بوده است. و چون بر قاضی و مأموران مربوطه ثابت شد، دست از تعقیب او برداشتند.



۱. ضرب المثلی که در میان عرب متداول بوده است.



حضرت رضا علیه السلام و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

حضرت رضا علیه السلام و غیبت حضرت بقیة الله روحی له الفداء

حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام فرمودند:

لَأُبَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءٍ وَ ذَلِكَ عِنْدَ فُقْدَانِ الشَّيْعَةِ الرَّابِعِ مِنْ
وُلْدِي.^۱

مردم را فتنه‌ای بس سنگین و بنیان‌کن در پیش خواهد بود و این
فتنه هنگامی است که چهارمین فرزند من از نظرها پنهان شود.

حضرت رضا علیه السلام و معرفی حضرت مهدی علیه السلام

از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام نقل است که

فرمودند:

۱. الملاحم والفتن، ص ۱۸۵.



الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ هُوَ صَاحِبُ الزَّمَانِ
وَ هُوَ الْمَهْدِيُّ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.^۱

فرزند صالح از فرزندان امام حسن عسکری، صاحب الزمان است
و او را مهدی گویند سلام الله عليهم.

امام رضا علیه السلام و خصوصیات حضرت قائم علیه السلام

معمر بن خلاد می گوید: در محضر مبارک حضرت امام رضا
علیه السلام بودیم و سخن از حضرت قائم علیه السلام به میان آمد، فرمودند:

أَنْتُمْ الْيَوْمَ أَرْخَىٰ بِأَلَا مِنْكُمْ (کذا) يَوْمَئِذٍ قَالُوا وَكَيْفَ؟ قَالَ لَوْ قَدْ
خَرَجَ قَائِمُنَا لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَرَقُ وَالْعَلَقُ وَالنَّوْمُ عَلَى السُّرُوجِ، وَمَا لِيَّاسُ
الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشَبُ.^۲

شما امروز در رفاه خاطر و آرامش بیشتری از زمان ظهور آن
حضرت هستید، زیرا آن هنگام که قائم ما قیام کند جز عرق
ریختن و خون دادن (جان دادن) و بر روی زین به خواب رفتن
چیز دیگری نخواهد بود.^۳ لباس او خشن و غذای مخصوص او،
غذایی درشت (نامطبوع) است.

در این روایت به چند نکته اشاره شده است:

۱. مشکلات و سختی هایی که در روزهای اول قیام باید با آنها
مواجهه و برخورد داشت.

۱. ینابیع المودة، ص ۴۹۱.

۲. اثبات الهداة، ج ۷ / ص ۸۶.

۳. احتمالاً کنایه از این است که حتی در بستر خوابیدن و خوابی راحت داشتن میسر
نمی شود.

۲. لزوم استقامت در نبرد و ستیز با دشمنان خدا.

۳. برنامه زندگی شخصی و خصوصی حضرت بقیة الله روحی له الفداء

مانند جدش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است و همان گونه که آن حضرت لباس خشن می پوشیدند و از نان خشک استفاده می کردند، حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه نیز به همان ترتیب عمل خواهند فرمود.

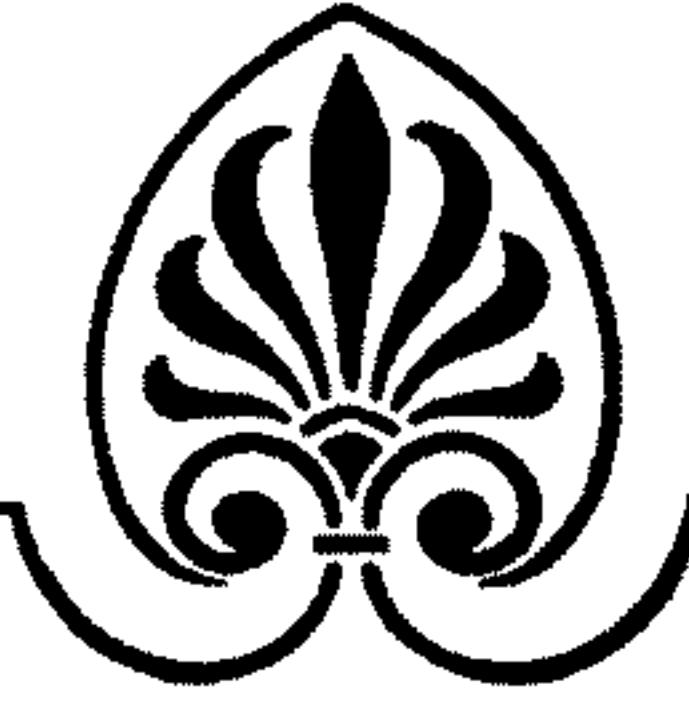
البته، خوانندگان گرامی توجه خواهند داشت که حضرت بقیة الله

روحی له الفداء در زندگی خصوصی خود این گونه عمل می کنند، و گرنه زندگی

مردم در رفاه کامل و فراوانی و راحتی خواهد بود و روایت بالا ناظر به

روزهای اول ظهور است و بدیهی است که تقویت و تغذیه روح و جان

اهمیت زیادی دارد و در رأس برنامه های آن سرور است.



حضرت جواد الائمه عليه السلام و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

حضرت ابوالحسن علیه السلام و قیام حضرت قائم علیه السلام

علی بن یونس عاملی در کتاب صراط مستقیم از حضرت ابوالحسن علیه السلام^۱ در مورد آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ»^۲ روایت می‌کند که چنین تفسیر فرمودند:

أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوِلَايَةِ لِوَصِيِّهِ وَالْوِلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَيَّ
الَّذِينَ كُلَّهُ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ بِوِلَايَةِ الْقَائِمِ
وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ بِوِلَايَةِ عَلِيِّ^۳.

همانا که خداوند پیامبر خود را به هدایت و دین حق فرستاد و او

۱. ممکن است منظور از ابوالحسن، حضرت موسی بن جعفر یا حضرت رضا و یا امام هادی علیهم السلام باشد.

۲. توبه / ۲۳.

۳. اثبات الهداة، ج ۷ / ص ۱۵۵.

را به ولایت وصی خود [حضرت علی علیه السلام و فرزندانش] مأمور فرمود تا اینکه در وقت قیام حضرت قائم علیه السلام بر همه دنیا پیروز گردد و خداوند نور خود را به ولایت قائم علیه السلام کامل می‌کند، گرچه آنان که به ولایت حضرت علی [علیه السلام] کافر شدند، دوست نداشته باشند.

حضرت جواد علیه السلام و امام عصر ارواحنا له الفداء

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام می گوید:

قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِنِّي لَأَرْجُوا أَنْ تَكُونَ الْقَائِمُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَيْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا فَقَالَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مَا مِنَّا إِلَّا وَهُوَ قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَيَمَلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا هُوَ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَوَلادتهُ وَيَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَيَحْرُمُ عَلَيْهِمْ تَسْمِيَّتُهُ وَهُوَ سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَكُنْيَتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ الَّذِي تُطَوُّى لَهُ الْأَرْضُ وَ يُذَلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ وَيَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِي الْأَرْضِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «أَيُّهَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا كَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافِ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ تَعَالَى.

قَالَ عَبْدُ الْعَظِيمِ فَقُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي وَكَيْفَ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ



رَضِيَ قَالَ يُلْقَى فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةُ فَإِذَا دَخَلَ الْمَدِينَةَ أَخْرَجَ اللَّاتَ وَالْعُزَّى
فَأَخْرَقَهُمَا.^۱

به حضرت جواد الائمه علیه السلام عرض کردم: امیدوارم شما همان قائم آل محمد [علیهم السلام] باشید که پس از فراگیری ظلم و جور، جهان را پر از عدل و داد می‌کند. حضرت فرمودند: ای ابوالقاسم، هیچ امامی از ما نیست مگر اینکه قائم به امر خداوند بزرگ است و مردم را به دین حق رهبری می‌کند، اما آن قائمی که خداوند به وسیله او زمین را از اهل کفر و شرک پاکیزه می‌کند کسی است که امر و لادشش بر مردم پوشیده مانده و از دیده‌ها پنهان خواهد بود و ذکر نام او حرام است. اسم و کنیه او، اسم و کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و زمین زیر پای او درنور دیده شده، گردنکشانش تسلیم فرمان او می‌شوند و اصحاب و یاران او که به تعداد اصحاب بدر [سیصد و سیزده تن] هستند از دورترین نقاط جهان در اطراف او گرد می‌آیند. و این است معنای فرمایش خداوند در آیه «أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ...» (در هر کجا که باشید خداوند شما را دور یکدیگر جمع خواهد کرد، زیرا خداوند بر همه چیز تواناست) و چون سیصد و سیزده تن اطراف او جمع شوند خداوند امر او را ظاهر گرداند و آنگاه که تعداد اصحابش به ده هزار تن رسد، قیام می‌کند و دشمنان خدا را می‌کشد تا خداوند راضی شود.

عرض کردم: مولای من، چگونه می‌داند که خداوند راضی شده است؟ فرمودند: خداوند در دل او رحمت می‌اندازد و او را مهربان می‌کند و چون به شهر مدینه وارد می‌شود «لات» و «عزى» را زنده می‌کند و آنها را می‌سوزاند [اللهم عجل فرجه الشريف].



حضرت جواد الائمه علیه السلام و خبر ظهور

از حضرت عبدالعظیم حسنی روایت است که فرمود:

دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ
أَسْأَلَهُ عَنِ الْقَائِمِ أَهْوَى الْمَهْدِيِّ أَوْ غَيْرُهُ؟ فَأَبْتَدَأَنِي فَقَالَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ إِنَّ
الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ
وَهُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِي وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
بِالنُّبُوَّةِ وَخَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ إِنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ
اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ
جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيُصْلِحُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ كَمَا أَصْلَحَ
أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى إِذْ ذَهَبَ لِبِقَبِّسِ^{الاهل} نَارًا فَرَجَعَ وَ هُوَ رَسُولُ نَبِيِّ ثُمَّ قَالَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ^۱.

خدمت مولایم حضرت محمد بن علی بن موسی بن جعفر رسیدم و
تصمیم داشتم در خصوص قائم آل محمد [علیه السلام] از حضرتش
سؤال کنم. اما آن حضرت [قبل از اینکه چیزی بگویم] شروع به
سخن نموده، فرمودند: ای ابوالقاسم، قائم ما اهل بیت همان مهدی
[علیه السلام] است که در زمان غیبت، انتظار فرجش و در زمان
ظهورش، اطاعتش واجب است. او سومین فرزند من است [امام
هادی، امام حسن عسکری، حضرت مهدی علیهم السلام]. سوگند به
خداوندی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری
برانگیخت و ولایت و امامت را به ما اختصاص داد، اگر از عمر
دنیا حتی بیش از یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را
چندان طولانی خواهد کرد تا در آن روز مهدی [علیه السلام] قیام کند



و پس از فراگیر شدن ظلم و جور، دنیا را پُر از عدل و داد سازد. خداوند امر قیام او را یکباره [و در یک شب] اصلاح می‌فرماید همان‌گونه که در مورد حضرت موسی کلیم‌الله فرمود موسی هنگامی که جهت آوردن آتش برای خانواده‌اش به کوه می‌رفت [هیچ‌گونه اثر و خبری از پیامبری با او نبود، درحالی‌که] در مراجعت به رسالت از طرف خداوند مبعوث شد. [ای ابوالقاسم،] بهترین عمل شیعیان ما انتظار فرج است.

حضرت جواد الائمه علیه‌السلام و معرفی امام دوازدهم

صقر بن ابی دلف گوید:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الرَّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ الْإِمَامَ
بَعْدِي ابْنِي عَلِيٌّ أَمْرُهُ أَمْرِي وَ قَوْلُهُ قَوْلِي وَ طَاعَتُهُ طَاعَتِي وَالْإِمَامُ
بَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ أَمْرُهُ أَمْرُ أَبِيهِ وَ قَوْلُهُ قَوْلُ أَبِيهِ وَ طَاعَتُهُ طَاعَةُ أَبِيهِ ثُمَّ
سَكَتَ فَقُلْتُ لَهُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمِنْ الْإِمَامِ بَعْدَ الْحَسَنِ فَبَكَى
عَلَيْهِ السَّلَامُ بُكَاءً شَدِيداً ثُمَّ قَالَ إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ
فَقُلْتُ لَهُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ سُمِّيَ الْقَائِمُ قَالَ لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ
وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ فَقُلْتُ لَهُ وَ لِمَ سُمِّيَ الْمُنْتَظَرُ قَالَ لِأَنَّ لَهُ
غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَ يَطْوُلُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظَرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَ يُنْكِرُهُ
الْمُرْتَابُونَ وَ يَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاهِدُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهِ الْوَقَّاتُونَ وَ
يَهْلِكُ فِيهِ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُوا فِيهِ الْمُسْلِمُونَ.^۱

حضرت جواد الائمه علیه‌السلام فرمودند: پس از من فرزندم علی
امام است. امر او امر من و فرمانبرداری از او، اطاعت از من است.

علیه‌السلام ساکت ماندند. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، پس از امام حسن [عسکری علیه‌السلام] چه کسی امام خواهد بود؟ در این هنگام حضرت شدیداً گریه کردند و سپس فرمودند: پس از امام حسن [عسکری علیه‌السلام] فرزندش قائم به حق و منتظر امام است. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، به چه جهت او را قائم می‌گویند؟ فرمودند: زیرا او هنگامی قیام می‌کند که مردم وی را فراموش کرده و بیشتر معتقدان به امامت آن حضرت، برگشته و مرتد شده باشند. عرض کردم: چرا حضرت را «منتظر» می‌گویند؟ فرمودند: چون غیبت او بسیار طولانی خواهد شد و کسانی که اخلاص دارند، انتظار آمدن او را خواهند داشت و کسانی که در شک و شبهه بسر می‌برند منکر آن حضرت می‌شوند. منکران و جاحدان مسخره می‌کنند، کسانی که برای ظهورش وقت معین می‌کنند دروغگو هستند و آنان که در امر ظهورش شتاب می‌ورزند هلاک می‌شوند. نجات برای کسانی است که تسلیم [امر خداوند و خاندان عصمت و طهارت] هستند [و کوچکترین اعتراضی در این مورد نخواهند داشت].



حضرت هادی علیه السلام و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

حضرت هادی علیه السلام و خبردادن از حضرت مهدی علیه السلام

علی بن عبدالغفار می گوید: آنگاه که حضرت امام محمدتقی سلام الله علیه به شهادت رسیدند، شیعیان طی عریضه‌ای که خدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام نگاشتند در مورد امامت سؤال و استعلام کردند. حضرت در پاسخ مرقوم فرمودند:

الْأَمْرُ إِلَيَّ مَا دُمْتُ حَيًّا فَإِذَا نَزَلَتْ بِي مَقَادِيرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَتَاكُمْ الْخَلْفُ مِنِّي فَأَنْتُمْ لَكُمْ بِالْخَلْفِ بَعْدَ الْخَلْفِ.^۱

امر امامت تا هنگامی که من زنده هستم به دست من است و آنگاه که تقدیر الهی در مورد من جاری شود [و مرگ من فرا رسد] فرزندانم [امام حسن عسکری علیه السلام] عهده‌دار این امر خواهد

۱. همان، ص ۵۴.



بود، و اما پس از او حال شما با امام پس از او چگونه خواهد بود؟

حضرت هادی علیه السلام و خبر دادن از قیام حضرت مهدی علیه السلام

صقر بن ابی دلف گوید:

لَمَّا حَمَلَ الْمُتَوَكِّلُ سَيِّدَنَا أَبَا الْحَسَنِ جِئْتُ لِأَسْأَلَ عَنْ خَبْرِهِ قَالَ فَنَظَرَ إِلَيَّ
صَاحِبُ الْمُتَوَكِّلِ فَأَمَرَ أَنْ أَدْخُلَ إِلَيْهِ فَدَخَلْتُ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا أَبَا مُظَفَّرٍ
مَا شَأْنُكَ؟ فَقُلْتُ خَيْرٌ أَيُّهَا الْأُسْتَاذُ فَقَالَ اقْعُدْ قَالَ الصَّقْرُ فَأَخَذَ فِيهَا
تُقَدِّمُ وَمَا تُؤَخَّرُ وَقُلْتُ أَخْطَأْتُ فِي الْمَجِيءِ قَالَ قَدَصَ النَّاسُ عَنْهُ ثُمَّ
قَالَ مَا شَأْنُكَ وَفِيمَ جِئْتَ قُلْتُ لِخَبْرٍ قَالَ لَعَلَّ جِئْتَ تَسْأَلُ عَنْ خَبْرِ
مَوْلَاكَ فَقُلْتُ وَمَنْ مَوْلَايَ مَوْلَايَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ أَسْكُتْ مَوْلَاكَ
هُوَ الْحَقُّ لَا تَتَحَسَّنِي فَإِنِّي عَلَى مَذْهَبِكَ فَقُلْتُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَقَالَ أَتُحِبُّ أَنْ
تَرَاهُ قُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ أَجْلِسْ حَتَّى يَخْرُجَ صَاحِبُ الْبَرِيدِ قَالَ فَجَلَسْتُ
فَلَمَّا خَرَجَ قَالَ لِغُلَامٍ لَهُ خُذْ بِيَدِ الصَّقْرِ وَادْخُلْهُ الْحُجْرَةَ الَّتِي فِيهَا
الْعَلَوِيُّ الْمُحْبُوسُ وَخَلْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ فَأَدْخَلَنِي الْحُجْرَةَ وَأَوْمَأَ إِلَى بَيْتٍ
فَدَخَلْتُ فَإِذَا هُوَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرٍ حَصِيرٍ وَبِحِذَاهُ قَبْرٌ
مُحْفُورٌ قَالَ فَسَلَّمْتُ فَرَدَّ عَلَيَّ السَّلَامُ ثُمَّ أَمَرَنِي بِالْجُلُوسِ فَجَلَسْتُ ثُمَّ
قَالَ لِي يَا صَقْرُ مَا أَتَى بِكَ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي أَعْرِفُ خَبْرَكَ قَالَ ثُمَّ نَظَرْتُ
إِلَى الْقَبْرِ فَبَكَيْتُ ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ وَقَالَ يَا صَقْرُ لَا عَلَيْكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْنَا
بِسُوءٍ فَقُلْتُ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ قُلْتُ يَا سَيِّدِي حَدِيثٌ يُرْوَى عَنِ النَّبِيِّ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا أَعْرِفُ مَعْنَاهُ قَالَ وَمَا هُوَ قُلْتُ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ



۱. اشاره به غیبت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالى فرجه و طولانی بودن آن و سرگردانی شیعیان است.

عَلَيْهِ وَآلِهِ «لَا تُعَادُوا الْآيَاتَ فَتُعَادِيكُمْ» مَا مَعْنَاهُ فَقَالَ نَعَمْ الْآيَاتُ نَحْنُ
 مَا قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ فَالَسَّبْتُ إِسْمَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْأَحَدُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِثْنَيْنِ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالثَّلَاثَةُ
 عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ
 وَالْأَرْبَعَاءُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ أَنَا
 وَالْخَمِيسُ ابْنِي الْحَسَنُ وَالْجُمُعَةُ ابْنُ ابْنِي وَ إِلَيْهِ تَجْتَمِعُ عِصَابَةُ الْخَلْقِ
 وَهُوَ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا فَهَذَا
 مَعْنَى الْآيَاتِ وَلَا تُعَادُوهُمْ فِي الدُّنْيَا يُعَادُوكُمْ فِي الْآخِرَةِ ثُمَّ قَالَ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ وَدَّعْ وَ أَخْرُجْ فَلَا أَمْنُ عَلَيْكَ.^۱

چون متوکل [خلیفه عباسی] حضرت هادی امام علی النقی
 علیه السلام را بازداشت کرد، به منظور استعلام از وضع حضرت به
 دربار متوکل رفتم. مأمور متوکل مرا به نزد خود خواند و سؤال
 کرد: برای چه کاری آمده‌ای؟ گفتم: خیر است استاد. گفت: بنشین.
 و سپس شروع به رسیدگی به کارهای مردم کرد. با خود گفتم
 اشتباه کردم و نباید به اینجا می‌آمدم. پس از اینکه مردم پراکنده
 شدند بار دیگر از من سؤال کرد که برای چه کار آمده‌ای؟ گفتم:
 خیر است. گفت: شاید آمده‌ای از مولایت خبری بگیری. گفتم:
 مولایم کیست؟ مولای من امیرالمؤمنین است.^۲ گفت: ساکت باش
 که مولای تو برحق است؛ از من ترس نداشته باش که من نیز با تو
 همفکر و همعقیده‌ام. خدای را سپاس کردم. گفت: می‌خواهی او را
 ببینی؟ گفتم: آری. گفت: بنشین تا نامه‌رسان برود. پس از رفتن
 نامه‌رسان به مأموری دستور داد که این شخص را به زندانی که آن

۱. کمال‌الدین، ج ۲ / ص ۵۵.

۲. منظور گوینده، متوکل خلیفه عباسی است و از باب تقیه و ترس از مأمور متوکل
 چنین گفته است.

علوی در آن محبوس است بیر و او را تنها بگذار. مأمور مرا به خانه‌ای برد و با دست به اطاقی اشاره کرد. چون وارد آن اطاق شدم، دیدم حضرت امام علی‌التقی علیه‌السلام روی حصیری نشسته‌اند و در مقابل ایشان قبری حفر شده است. سلام کردم، پاسخ فرمودند و سپس پرسیدند: علت آمدن تو به اینجا چیست؟ عرض کردم: برای کسب خبر از وضع شما به اینجا آمده‌ام. و چون نگاهم به قبر افتاد، گریه‌ام گرفت. در این هنگام حضرت به من نگاهی کرده، فرمودند: غم مخور که اینها هرگز به ما ضرری نتوانند زد. خدای را سپاس گفته، عرض کردم: مولای من، حدیثی از رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله نقل شده است و معنای آن رانمی‌دانم. فرمودند: آن حدیث چیست؟ عرض کردم: حدیث این است که «با ایّام دشمنی نکنید که ایّام نیز با شما دشمنی خواهند کرد». فرمودند: آری، ایّام ما هستیم و در سایه وجود ما آسمانها و زمین برپاست. شنبه نام رسول خداست، یکشنبه حضرت امیرالمؤمنین است، دوشنبه حسن و حسین‌اند، سه‌شنبه علی بن حسین و محمد بن علی باقر و جعفر بن محمد صادق هستند، چهارشنبه موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و من هستیم، پنجشنبه فرزندان حسن است و جمعه اختصاص به فرزند پسرمان دارد که همه مردم در اطراف او جمع می‌شوند و او کسی است که پس از فراگیر شدن جور و ظلم، سراسر گیتی را از عدل و داد پر خواهد کرد. این است معنی ایّام و اینکه در دنیا با آنها دشمنی نکنید تا آنها در آخرت با شما دشمن نباشند. سپس فرمودند: خدا حافظی کن و برو، زیرا ممکن است تو را خطری پیش آید.

حضرت هادی علیه‌السلام و مسأله غیبت

از ابوهاشم داود بن قاسم جعفری نقل است که حضرت هادی امام



علی النقی علیه السلام فرمودند:

الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي ابْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ بَعْدَ الْخَلْفِ فَقُلْتُ لِمَ
جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ لِأَنَّكُمْ لَا تَرُونَ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ
بِاسْمِهِ فَقُلْتُ فَكَيْفَ نَذْكُرُهُ قَالَ قُولُوا الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ.^۱

پس از من، فرزندانم حسن و جانشین من است و [اما] پس از او
وضع شما با جانشین او چه خواهد شد! عرض کردم: قربانت
گردم، چطور؟ فرمودند: چون او را نمی بینید [و از نظرها پنهان
است] و نام اصلی او را هم نباید بگویید. عرض کردم: پس چگونه
او را بخوانیم؟ فرمودند: بگویید حجّت آل محمد صلی الله علیه و آله.

دو روایت دیگر

علی بن مهزیار گوید:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعُسْكَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ الْفَرَجِ
فَكَتَبَ إِلَيَّ إِذَا غَابَ صَاحِبُكُمْ عَنْ دَارِ الظَّالِمِينَ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ.^۲

از حضرت هادی علیه السلام طی نامه ای در مورد فرج و گشایش
استعلام کردم، در پاسخ مرقوم فرمودند: هرگاه وجود مقدّس
حضرت صاحب الامر علیه السلام دیار ستمگران را ترک گفتند [و از
نظرها پنهان شدند] منتظر فرج باشید.

□

۱. کمال الدین، ج ۲ / ص ۵۲.

۲. همان، ص ۵۲.

اسحاق بن محمد بن یعقوب نقل می کند که حضرت هادی علیه السلام

فرمودند:

صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ يَقُولُ النَّاسُ أَنَّهُ لَمْ يُوَلَّدْ بَعْدَهُ.^۱

مردم در مورد صاحب الامر [علیه السلام] خواهند گفت که او هنوز متولد نشده است!

حضرت هادی علیه السلام و تصریح به نام قائم علیه السلام

صقر بن ابی دلف نقل می کند که حضرت امام علی النقی علیه السلام

فرمودند:

إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ
الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.^۲

پس از من فرزندانم حسن امام است و پس از او، فرزندش [حضرت] قائم [علیه السلام] امام خواهد بود؛ کسی که دنیا را پس از فراگیر شدن ظلم و جور، پراز عدل و داد می کند.

خبر دادن امام دهم از ظهور و قیام جهانی ولی عصر علیه السلام

عبدالعظیم بن عبدالله حسنی گوید:

دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَلَمَّا أَبْصَرَنِي قَالَ لِي
مَرْحَبًا بِكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقًّا قَالَ فَقُلْتُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي

۱. همان، ص ۵۳.

۲. همان، ص ۵۵.



أريدُ أن أعرضَ عليكَ ديني فإن كانَ مَرَضِيًّا أَتَيْتُ عَلَيْهِ حَتَّى آتَى اللَّهَ
عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ هَاتِ يَا أَبَا الْقَاسِمِ فَقُلْتُ إِنِّي أَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى
وَاحِدٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ خَارِجٌ عَنِ الْحَدِيثِ حَدُّ الْإِبْطَالِ وَحَدُّ التَّشْبِيهِ وَ
إِنَّهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ وَلَا عَرَضٍ وَلَا جَوْهَرٍ بَلْ هُوَ مُجَسَّمُ الْأَجْسَامِ
وَمُصَوِّرُ الصُّورِ وَخَالِقُ الْأَعْرَاضِ وَالْجَوَاهِرِ وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَالِكُهُ
وَجَاعِلُهُ وَ مُحَدِّثُهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
خَاتِمُ النَّبِيِّينَ وَلَا نَبِيَّ بَعْدَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّ شَرِيعَتَهُ خَاتِمُ الشَّرَائِعِ
فَلَا شَرِيعَةَ بَعْدَهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَقُولُ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ وَوَلِيُّ الْأَمْرِ
بَعْدَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ
الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ
مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمِنْ
بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي فَكَيْفَ النَّاسُ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ قَالَ فَقُلْتُ وَكَيْفَ
ذَلِكَ يَا مَوْلَايَ وَقَالَ لِأَنَّهُ لَا يُرَى شَخْصُهُ وَلَا يُحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى
يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا.

قَالَ فَقُلْتُ أَقَرَّرْتُ وَأَقُولُ إِنَّ وَلِيَّهُمْ وَلِيُّ اللَّهِ وَعَدُوَّهُمْ عَدُوُّ اللَّهِ
وَطَاعَتُهُمْ طَاعَةُ اللَّهِ وَمَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَةُ اللَّهِ وَإِنَّ الْمِعْرَاجَ حَقٌّ وَإِنَّ
الْمَسْأَلَةَ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَإِنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالصِّرَاطَ حَقٌّ
وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَارْتَبَ فِيهَا وَإِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَ
أَقُولُ الْفَرَائِضُ الْوَاجِبَةُ بَعْدَ الْوِلَايَةِ الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ وَالصَّوْمُ وَالْحَجُّ
وَالْجِهَادُ وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ.

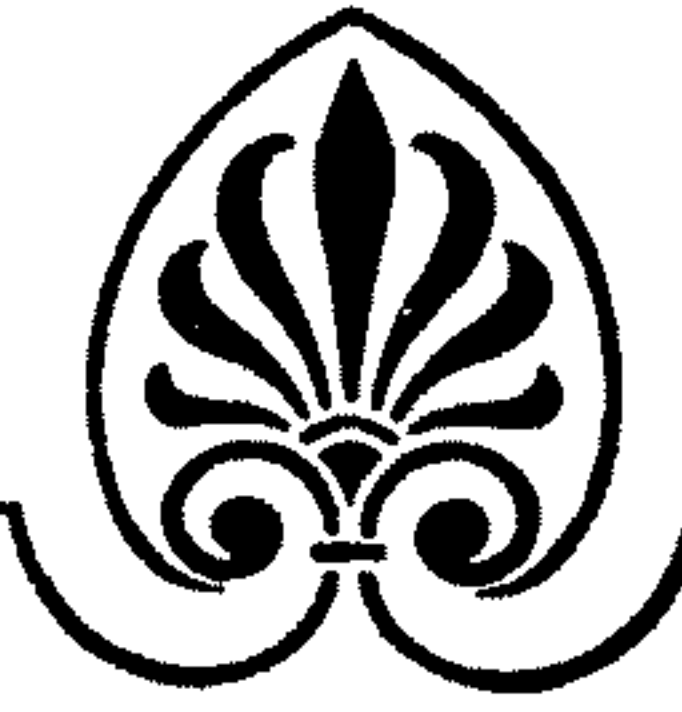
فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ يَا أَبَا الْقَاسِمِ هَذَا وَاللَّهِ دِينُ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ
فَأُثِّبْتُ عَلَيْهِ ثَبَّتَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^١

خدمت حضرت امام علی النقی [علیه السلام] رسیدم، چون مرا دیدند فرمودند: مرحبا به تو! دوست واقعی ما هستی. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، می خواهم اعتقادات مذهبی و دینی خود را حضورتان عرض کنم تا چنانچه درست باشد بر آن پایدار بمانم. فرمودند: بگو. عرض کردم: خداوند بزرگ یکی است و برای او همتایی نیست، عدم و شباهت [به چیزی یا کسی] در او راه ندارد، جسم و صورت و عَرَض و جوهر نیست، بلکه آفریدگار همه آنها و خالق همه چیزهاست. همچنین گواهی می دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله آخرین پیامبر اوست و دین و شریعت آن حضرت پایان دهنده همه ادیان و شرایع است و تا قیامت شریعتی دیگر نخواهد آمد و بعد از آن حضرت، خلیفه و امام و ولی امر حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است و پس از آن حضرت، امام حسن و امام حسین و سپس علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی، و سپس شما [امام علی النقی علیهم السلام] خلیفه و امام و ولی امر هستید. آنگاه حضرت هادی علیه السلام فرمودند: و پس از من فرزندم حسن است و بعد از او مردم در زمان جانشین فرزندم حسن چگونه خواهند بود! عرض کردم: چطور؟ فرمودند: زیرا جانشین فرزندم حسن [حضرت حجة بن الحسن علیه السلام] از دیدها پنهان خواهد بود و بردن نام اصلی او در زمان غیبت جایز نیست، تا اینکه قیام کند و جهان را پس از فراگیر شدن ظلم و جور، پر از عدل و داد کند.

حضرت عبدالعظیم [علیه السلام] می گوید که خدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام عرض کردم: من هم [به آنچه فرمودید] اقرار و اعتراف می کنم و به آن اعتقاد دارم و نیز معتقدم که دوست آنان (اهل بیت) دوست خدا و دشمن آنها دشمن خداوند [تبارک و تعالی] است و اطاعت از آنان، اطاعت و فرمانبرداری الهی و نافرمانی آنها معصیت خداوند [عز و جل] است. همچنین، معتقدم

که معراج پیامبر و سؤال در قبر و بهشت و دوزخ و صراط و میزان [و ترازوی سنجش اعمال]، همگی حقّ است و حقیقت دارد و باور دارم که قیامت برپا خواهد شد و در آن شکی نیست و خداوند [متعال] مردگان را زنده خواهد فرمود، و نیز معتقدم که واجبات الهی پس از ولایت [و دوستی اهل بیت علیهم السلام و دشمنی با دشمنانشان و اعتقاد به وجوب اطاعت از آنان] عبارتند از نماز و زکات و روزه و حجّ و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر.

حضرت امام علیّ النقیّ علیه السلام فرمودند: ای ابوالقاسم، به خدا سوگند دین خدا که مورد رضای اوست و بدان امر فرموده و برای بندگانش آن را پسندیده، همین است و بر آن پایدار و ثابت قدم باش. خداوند تو را در دنیا و آخرت بر این دین ثابت و پایدار بدارد.



حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام و حکومت جهانی حضرت مهدی علیہ السلام

حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام و مسأله غیبت و ظهور

احمد بن اسحاق بن سعد اشعری می گوید:

دَخَلْتُ عَلَيَّ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ
أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ فَقَالَ لِي مُبْتَدئًا يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ إِنَّ اللَّهَ
تَبَارَكَ لَمْ يُخْلِ الْأَرْضَ مِنْذُ خَلَقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا يُخْلِيهَا إِلَى أَنْ
تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ بِهِ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ
وَ بِهِ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَ بِهِ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ قَالَ قُلْتُ لَهُ يَا بَنَ
رَسُولِ اللَّهِ فَمَنِ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدَكَ فَهَضَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُسْرِعًا
فَدَخَلَ الْبَيْتَ ثُمَّ خَرَجَ وَ عَلِيٌّ عَاتِقُهُ غَلَامٌ كَأَنَّ وَجْهَهُ الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ
مِنْ أَبْنَاءِ ثَلَاثِ سِنِينَ فَقَالَ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ لَوْ لَا كَرَامَتُكَ عَلَيَّ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ وَ عَلِيٌّ حُجَّجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا إِنَّهُ سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ



صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَنِيَّتُهُ وَالَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا
مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا. يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقٍ مَثَلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ الْخِضْرِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَثَلُهُ مَثَلُ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَاللَّهُ لَيَغَيِّبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُوا مِنْ
الْهَلَكَةِ فِيهَا إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ فِيهَا
لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.

فَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقٍ فَقُلْتُ يَا مَوْلَايَ هَلْ مِنْ عِلْمَةٍ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا
قَلْبِي؟ فَتَنَطَّقَ الْغُلَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ فَصِيحٍ فَقَالَ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ
فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنِي يَا أَحْمَدُ بْنُ
إِسْحَقٍ قَالَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقٍ فَخَرَجْتُ مَسْرُورًا فَرِحًا فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ
عُدْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَ سُرُورِي بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ
فَمَا السُّنَّةُ الْجَارِيَةُ فِيهِ مِنَ الْخِضْرِ وَ ذِي الْقَرْنَيْنِ قَالَ طُولُ الْغَيْبَةِ يَا
أَحْمَدُ قُلْتُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ إِنَّ غَيْبَتَهُ لَتَطُولُ قَالَ أَيْ وَ رَبِّي حَتَّى
يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِهِ وَلَا يَبْقَى إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ عَهْدَهُ بِوِلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ يَا
أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقٍ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ
غَيْبِ اللَّهِ فَخُذْ مَا أَيْتَيْتَكَ وَ اكْتُمُهُ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ تَكُنْ مَعَنَا غَدًا فِي
عِلِّيَيْنِ.^۱

خدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم تا
سؤال کنم حجّت خدا و امام پس از ایشان کیست. قبل از اینکه
چیزی بگویم خود آن حضرت فرمودند: ای احمد بن اسحاق، از
روزی که خداوند بزرگ حضرت آدم را آفریده است هیچگاه
زمین را از حجّت خود خالی نگذاشته و تا قیام قیامت هم خالی

نخواهد گذاشت، خداوند به وسیله او بلاها را از بندگان دفع می‌کند و برکات خود را بر آنها فرو می‌فرستد. به واسطه فیض وجود اوست که باران بر بندگان می‌بارد و برکات زمین ارائه می‌شود. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، امام پس از شما کیست؟ آن حضرت شتابان به اندرون منزل رفتند و فرزند را که صورتش چون ماه شب چهاردهم می‌درخشید و سنّ مبارکش سه ساله می‌نمود به دوش گرفته، تشریف آوردند؛ سپس فرمودند: ای احمد بن اسحاق، اگر مقام والای تو نزد خداوند و اولیای او نبود این فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم. نام و کنیه این فرزندم، نام و کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است. او زمین را پس از اینکه ظلم و جور در آن فراگیر شده باشد، پُر از عدل و داد خواهد کرد. او همانند خضر و ذوالقرنین علیهما السلام است. او غیبت طولانی خواهد داشت و فقط کسانی که خداوند در ایّام غیبت آنان را بر امامت او ثابت قدم دارد و توفیق دهد که برای فرج او دعا کنند، از هلاکت و نابودی نجات خواهند یافت.

احمد بن اسحاق می‌گوید که عرض کردم: آیا برای اثبات این مطلب نشان و علامتی نیز هست که بدان وسیله اطمینان و آرامش یابم؟ در اینجا ناگهان آن کودک لب به سخن گشوده، به زبان عربی فصیح و شیوا فرمودند: «من بقیة الله در روی زمین و کسی هستم که از دشمنان خداوند انتقام می‌گیرد. ای احمد بن اسحاق، پس از اینکه مشاهده کردی و دیدی، دیگر به دنبال نشانه و علامت مباش.» پس، بدین ترتیب شاد و مسرور از خدمت حضرت عسکری مرخص شدم و فردا بار دیگر شرفیاب شده، عرض کردم: روز گذشته مرا شاد فرمودید، ممکن است بر من منت نهید و بفرمایید چه روشی از خضر و ذوالقرنین در آن وجود عزیز است؟ فرمودند: طولانی بودن ایّام غیبت. عرض کردم: یا بن رسول الله، آیا غیبت او طولانی می‌شود؟ فرمودند: آری به خدا قسم، غیبت او چندان طولانی خواهد شد که بیشتر معتقدان آن حضرت

برمی‌گردند و تنها کسانی باقی می‌مانند که خداوند بزرگ در مورد ولایت ما از آنان عهد و پیمان گرفته و ایمان در دل آنها مستقر شده و به روح خداوندی مؤید باشند. احمد بن اسحاق، این امری از امور خداوند و سرّی از اسرار الهی و غیبی از غیبهای الهی است. آنچه به تو گفتم فراگیر و آن را از نااهلان پنهان دار و به جهت این نعمت بزرگ (شناخت امامت) خداوند را سپاسگزار باش تا در بهشت با ما باشی.

در روایت مزبور که به وسیله جناب احمد بن اسحاق از حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام نقل شد، به چندین موضوع مهم و حیاتی اشاره شده است:

۱. نقش وجودی امام علیه‌السلام در نظام آفرینش.
۲. وجود و بقای همیشگی حجّت خداوند در روی زمین.
۳. وظایف مردم در زمان غیبت حجّت و امام زمان.
۴. اثر دعا برای تعجیل در امر فرج آن حضرت و تحصیل سعادت ابدی در نتیجه دعا کردن برای امام زمان علیه‌السلام.
۵. ترک دعا و قطع ارتباط با آن حضرت نتیجه‌ای جز هلاک قطعی و ابدی ندارد.
۶. غیبت امام زمان علیه‌السلام از اسرار بزرگ خداوندی است و ناآگاهان را نباید از آن آگاه ساخت.
۷. طولانی بودن ایّام غیبت آن حجّت خدا و امام زمان عجل‌الله

تعالی فرجه.



امام عصر ارواحنا له الفداء و حکومت جهانی آن حضرت

امام عصر ارواحنا له الفداء و معرفی خودشان

طریف خادم می گوید:

دَخَلْتُ عَلَىٰ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَهُوَ فِي الْمَهْدِ فَقَالَ لِي
أَتَعْرِفُنِي قُلْتُ نَعَمْ سَيِّدِي وَابْنِ سَيِّدِي فَقَالَ لَيْسَ عَنْ هَذَا سَأَلْتُكَ
قُلْتُ فَسَّرْ لِي قَالَ أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ بِي يُدْفَعُ الْبَلَاءُ عَنْ أَهْلِ وَ
شِيعَتِي.^۱

خدمت حضرت صاحب الزمان هنگامی که کودکی در گهواره بودند رسیدم، فرمودند: آیا مرا می شناسی؟ عرض کردم: آری، شما آقای من و فرزند آقای من هستید. فرمودند: از این [شناسایی] نپرسیدم. عرض کردم: پس برای من تفسیر فرمایید که مراد از شناخت شما چیست؟ فرمودند: من آخرین وصی [خدا و رسولش] هستم و خداوند [تبارک و تعالی] به وسیله من از خاندان و شیعیان من بلاها را دفع می فرماید.

«پایان»

۱. مدینه المعاجز، ص ۶۱۱.



منابع و مآخذ

۱ - اثبات الهداة، شیخ حرّ عاملی، متوفای ۱۱۰۴ هـ. چاپ مترجم هفت جلدی.

۲ - ارشاد مفید، شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ هـ. چاپ بیروت.

۳ - اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ هـ. چاپ بیروت.

۴ - بحار الأنوار، علامه مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ. چاپ ۱۱۰ جلدی

تهران.

۵ - بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، متوفای ۲۹۰ هـ. چاپ تبریز.

۶ - تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر - معاصر - چاپ بیروت.

۷ - تأویل الآیات الظاهره، سید شرف الدین استرآبادی، از علمای قرن

دهم، چاپ قم.

۸ - تفسیر اطیب البیان، سید عبدالحسین طیب، متوفای ۱۴۱۱ هـ. چاپ

تهران.

۹ - تفسیر برهان، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۷ هـ. چاپ تهران.

۱۰ - تفسیر تبیان، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ. چاپ بیروت.

۱۱ - تفسیر جوامع الجامع، امین الاسلام طبرسی، متوفای ۵۴۸ هـ. چاپ

تهران.

۱۲ - تفسیر روان جاوید، حاج میرزا محمد ثقفی، متوفای ۱۴۰۵ هـ.

چاپ تهران.

- ۱۳ - تفسیر روض الجنان، ابوالفتوح رازی، متوفای ۵۵۶ هـ. چاپ تهران.
- ۱۴ - تفسیر شبّر، سیّد عبدالله شبّر، متوفای ۱۲۴۲ هـ. چاپ بیروت.
- ۱۵ - تفسیر صافی، فیض کاشانی، متوفای ۱۰۹۱ هـ. چاپ بیروت.
- ۱۶ - تفسیر نمونه، گروه نویسندگان، چاپ قم.
- ۱۷ - چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان، علی اکبر مهدی پور، چاپ

قم.

- ۱۸ - رجال ابن داود، متوفای ۷۰۷ هـ. چاپ ۱۳۹۲ هـ. نجف اشرف.
- ۱۹ - رجال شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ. چاپ نجف.
- ۲۰ - رجال نجاشی، متوفای ۴۵۰ هـ. چاپ ۱۴۰۷ هـ. قم.
- ۲۱ - رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی، محمد خادمی شیرازی،

چاپ قم.

- ۲۲ - سیمای حضرت مهدی در قرآن، سیّد هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۷ هـ. ترجمه سیّد مهدی حائری قزوینی، چاپ تهران.
- ۲۳ - عقد الدرر، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، از علمای قرن هفتم،

چاپ قاهره.

- ۲۴ - عوالم، شیخ عبدالله بحرانی، شاگرد علامه مجلسی، چاپ قم.
- ۲۵ - غیبت شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ. چاپ نجف.
- ۲۶ - غیبت نعمانی، متوفای بعد از ۴۴۲ هـ. چاپ تهران.
- ۲۷ - فهرست شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ. چاپ بیروت.
- ۲۸ - کتاب سلیم بن قیس، متوفای حدود ۹۰ هـ. چاپ تهران.
- ۲۹ - کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، علی اکبر مهدی پور، چاپ قم.
- ۳۰ - کلمة الامام المهدی، شهید سیّد حسن شیرازی، مستشهد ۱۴۰۰ هـ.

چاپ بیروت.

- ۳۱ - کمال الدین، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ هـ. چاپ تهران.



- ۳۲ - المحجّة البيضاء، فیض کاشانی، متوفای ۱۰۹۱ هـ. چاپ قم.
- ۳۳ - مدینة المعاجز، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ هـ. چاپ سنگی.
- ۳۴ - مرآة العقول، علامه مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ. چاپ تهران.
- ۳۵ - الملاحم و الفتن، سید ابن طاووس، متوفای ۶۶۴ هـ. چاپ بیروت.
- ۳۶ - موعود قرآن، علی اکبر مهدی پور - مخطوط -
- ۳۷ - نور الثقلین، عبدالعلی حویزی، متوفای ۱۱۱۲ هـ. چاپ قم.
- ۳۸ - وافی، فیض کاشانی، متوفای ۱۰۹۱ هـ. چاپ اصفهان.
- ۳۹ - یاد مهدی، محمد خادمی شیرازی، چاپ قم.
- ۴۰ - ینابیع المودّه، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ هـ.
- چاپ قم.

* * *

فهرست مطالب

۹

مقدمه

بخش اول:

۱۹

غیبت و جانشینی

۲۱

غیبت و چگونگی آن

۲۷

غیبت صغری و نواب چهارگانه

بخش دوم:

۴۱

مسأله غیبت از دیدگاه آیات و روایات

۴۳

مسأله غیبت در قرآن کریم

۶۱

مسأله غیبت در روایات

۶۳

رسول اکرم (ص) و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)

۹۵

امیرالمؤمنین علی (ع) و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)

۱۱۳

حضرت فاطمه زهرا (ع) و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)



- ۱۱۸ امام حسن (ع) و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)
- ۱۲۱ امام حسین (ع) و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)
- ۱۲۴ حضرت ستّاد (ع) و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)
- ۱۲۹ حضرت باقر (ع) و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)
- ۱۴۰ حضرت صادق (ع) و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)
- ۱۶۳ حضرت موسی بن جعفر (ع) و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)
- ۱۷۰ حضرت رضا (ع) و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)
- ۱۷۳ حضرت جواد الائمه (ع) و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)
- ۱۷۹ حضرت هادی (ع) و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)
- ۱۸۸ حضرت امام حسن عسکری (ع) و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)
- ۱۹۲ امام عصر (عج) و حکومت جهانی آن حضرت

● خواننده عزیز

در اینجا کتاب شریف غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه یا پنهانی خورشید عدالت به پایان می‌رسد. امید است هم‌اکنون خداوند بزرگ به ایام غیبت حضرت خاتم‌الاولیاء ارواحنا لله الفداء خاتمه دهد و چشمهای نابینای همه دوستان را به جمال انور و وجود مقدّسش روشن سازد و جهان ظلمانی را به نور قیام و حکومت عدل گسترش پرفروغ فرماید. آمین ربّ العالمین.

رجب المرجّب ۱۴۱۱ / بهمن ماه ۱۳۶۹ - شیراز

محمد خادمی



آثار چاپ شده مؤلف

- ۱- جهان بعد از ظهور یا فروغ بی نهایت / چاپ دوم / مؤسسه الغدير / ۱۳۷۰ ش. / قم / ۲۰۰ صفحه وزیری.
- ۲- جوان مسیحی در خدمت حضرت بقیة الله / چاپ اول / ۱۳۶۹ ش. / قم / ۹۶ صفحه وزیری.
- ۳- خورشیدی که از مکه طلوع می کند / چاپ اول / مرکز نشر آثار شیعه / ۱۴۱۳ هـ. / قم / ۱۶۴ صفحه وزیری.
- ۴- رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی / چاپ دوم / مؤسسه الغدير / قم / ۱۴۱۱ هـ. / ۲۸۸ صفحه وزیری.
- ۵- غیبت امام عصر علیه السلام / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم / ۱۴۱۹ هـ. / ۲۰۰ صفحه وزیری.
- ۶- مجموعه فرمایشات حضرت بقیة الله / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم / ۱۳۷۷ ش. / ۳۲۰ صفحه وزیری.
- ۷- نشانه های ظهور او / چاپ اول / ۱۳۷۱ ش. / قم / ۲۲۰ صفحه وزیری.
- ۸- یاد مهدی علیه السلام / چاپ دوم / انتشارات مسجد جمکران / ۱۳۷۱ ش. / قم / ۳۵۲ صفحه وزیری.
- ۹- یوسف ناپیدای فاطمه / چاپ اول / انتشارات میقات / ۱۳۷۰ ش. / تهران / ۸۴ صفحه وزیری.

آماده چاپ

- ۱۰- حجّت منتظر و دعا
- ۱۱- حکومت جهانی و تکامل جهانی
- ۱۲- خورشید هشتم امامت

* * *

